



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت  
علیهما الصلوة  
والتسلیمة

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# وصیت

محمد قائم فرد



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# وصیت

نویسنده:

محمد قائم فرد

ناشر چاپی:

عطر عترة

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۹	وصیت
۹	مشخصات کتاب
۹	مقدمه
۹	وصیت در اسلام
۱۰	معنای وصیت
۱۰	واژه‌ی وصیت
۱۰	اقسام وصیت
۱۰	تعریف وصیت در اصطلاح فقها
۱۱	آیا شخص می‌تواند خود به وصیت خویش عمل کند؟
۱۱	دو نکته مهم در خصوص وصیت
۱۲	آیات در خصوص وصیت
۱۲	وجوب وصیت
۱۲	بهترین وصیت
۱۲	لزوم شاهد هنگام وصیت
۱۲	وصیت به حفظ حقوق همسران
۱۳	روایات در خصوص وصیت
۱۳	احتجاج خدای عزّ و جلّ بر تارک وصیت
۱۳	آداب وصیت
۱۴	نهی از ضرر زدن و ظلم و حق کشی کردن در وصیت
۱۴	وصی خود باشید!
۱۵	سفارشات خداوند متعال به انسان
۱۵	آیه‌ی اول

۱۷	آیه‌ی دوّم
۱۸	آیه‌ی سوّم
۱۹	آیه‌ی چهارم
۲۰	آیه‌ی پنجم
۲۵	آیه‌ی ششم
۲۶	آیه‌ی هفتم
۲۷	آیه‌ی هشتم
۲۸	روایات در خصوص جمله‌ی «هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ»
۲۸	توجه توجه!!!
۲۸	روایت ۱
۲۸	روایت ۲
۲۹	روایت ۳
۲۹	روایت ۴
۲۹	روایت ۵
۲۹	روایت ۶
۲۹	روایت ۷
۲۹	روایت ۸
۳۰	روایت ۹
۳۰	روایت ۱۰
۳۰	روایت ۱۱
۳۰	سفارشات خداوند به انبیاء:
۳۰	سفارش خداوند به حضرت موسی علیه السلام
۳۱	سفارش خداوند به حضرت عیسی علیه السلام
۳۲	سفارش خداوند به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

- ۳۲ ..... سفارشات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم
- ۳۲ ..... سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به ابن عباس
- ۳۳ ..... سفارشات حضرات اهل بیت:
- ۳۳ ..... سفارشات حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام به حضرات حسنین علیهما السلام در زمانی که ابن ملجم به آن حضرت ضربه زده‌ست
- ۳۳ ..... سفارش حضرت امام زین العابدین علیه السلام
- ۳۴ ..... سفارش حضرت امام محمد باقر علیه السلام
- ۳۴ ..... سفارش حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
- ۳۴ ..... سفارش حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
- ۳۵ ..... سفارش حضرت امام رضا علیه السلام
- ۳۵ ..... سفارش حضرت امام جواد علیه السلام
- ۳۵ ..... سفارش حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
- ۳۶ ..... سفارش حضرت خضر به حضرت موسی علیهما السلام
- ۳۶ ..... سفارش حضرت امیر المومنین علی علیه السلام به مردی از اصحاب
- ۳۶ ..... وصایای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرات اهل بیت:
- ۳۶ ..... وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
- ۳۷ ..... وصیت نامه‌ی حضرت امیر المومنین علی علیه السلام
- ۳۸ ..... وصیت نامه‌ی حضرت فاطمه‌ی زهراء سلام الله علیها
- ۴۲ ..... وصیت نامه‌ی حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام
- ۴۳ ..... وصیت نامه‌ی امام حسین علیه السلام به محمد بن حنفیه
- ۴۳ ..... وصیت نامه‌ی حضرت امام محمد باقر علیه السلام
- ۴۴ ..... وصیت نامه‌ی حضرت امام جواد علیه السلام
- ۴۴ ..... دو نمونه از وصایای دیگران
- ۴۴ ..... پندنامه‌ی یحییوّه (۱۲۹)
- ۴۷ ..... وصایای ارسطو به اسکندر

۴۸ ..... پی‌نوشت

۴۹ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان



## وصیت

## مشخصات کتاب

سرشناسه: قائم‌فرد، محمد، ۱۳۴۳ - عنوان و نام پدیدآور: وصیت / تدوین محمد قائم‌فرد؛ به اهتمام امور فرهنگی مجتمع فاطمیه اصفهان. مشخصات نشر: قم: عطر عترت ۱۳۸۹. مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص. فروست: مجموعه کلام وحی بر آستان ولایت؛ [ج] ۲. شابک: ۲۰۰۰۰ ریال ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۵۵۸۸ - ۸۰ - ۴: وضعیت فهرست نویسی: فیپا یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. - احادیث موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. - کلمات قصار موضوع: وصیت - احادیث موضوع: احادیث شیعه - قرن ۱۴ شناسه افزوده: مجتمع فاطمیه اصفهان. امور فرهنگی شناسه افزوده: مجموعه کلام وحی بر آستان ولایت؛ [ج] ۲. رده بندی کنگره: ۹ / BP۱۳۶ / ق ۲۴م ۲. ج ۱۳۸۹ رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۲۱۲ شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۳۲۶۳۱

## مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم حمد و سپاس خداوندی را سزااست که ما را از نیستی به هستی آورد و گل سرسبد موجودات قرارمان داد و توفیق آشنایی و اطاعت از اولین و بهترین برگزیدگان خود را به ما عطا فرمود. و درود و صلوات خداوند بر خاتم انبیاء و جانشینان بر حق ایشان که تمامی مخلوقات را به سمت او هدایت کردند و سلام و تحیت همه موجودات بر ولی نعمتمان حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف که محور عالم هستی و علت مبقیه عالم وجود است. نوشتاری را که در پیش دارید شرح و توضیح مختصریست بر روایت معروفی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در کتاب من لا یحضره الفقیه علامه‌ی بزرگوار شیخ صدوق اعلی الله مقامه و همچنین بحارالانوار علامه گرانقدر مرحوم مجلسی در ضمن وصایای حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است. مدتی قبل با شروع فعالیت در امور فرهنگی مجتمع فاطمیه‌ی اصفهان با پیشنهاد بعضی از دوستان گرامی ابتدا تصمیم گرفته شد فقط متن روایت همراه با ترجمه در اختیار دوستان ولایت قرار گیرد. ولی پس از گذشت چند روز، با پیشنهاد دیگری قرار شد در خصوص هر جمله از فرمایشات گهربار حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم شرح و بسطی داده شود. که البته این کار با بضاعت مزجاء و کمی سرمایه علمی کاری بود بس مشکل و دشوار، ولی با توکل به خداوند عزوجل و استمداد از حضرات معصومین: و مخصوصاً شخصیت والایی که این مجتمع مزین به نام نامی و اسم گرامی ایشان است یعنی شهیده‌ی راه ولایت، اولین مدافع حریم پاک علوی حضرت صدیقه‌ی اطهر فاطمه زهرا سلام الله علیها اقدام به این کار شد و اولین شماره از این مجموعه در سال گذشته با موضوع «فرو بردن خشم» در اختیار علاقمندان قرار گرفت و اکنون دومین شماره‌ی آن با موضوع «وصیت» چاپ و منتشر می‌شود؛ امید است خوانندگان محترم ما را از الطاف بی‌شائبه خود محروم ننموده و نظرات مفید و سازنده خود را در راه بهتر و سودمندتر شدن این مجموعه اعلام فرمایند. سید محمد قائم فرد

## وصیت در اسلام

در اسلام با توجه به جهات انسانی و اجتماعی، «وصیت» امری مجاز، بلکه نسبت به آن، تأکید فراوان شده‌ست مشروعیّت و جواز وصیت را در اسلام از آیات قرآن کریم و روایات بسیاری که در این رابطه از ناحیه حضرات معصومین: وارد شده استفاده می‌کنیم که در صفحات بعدی به آن اشاره خواهیم کرد.

## معنای وصیت

وصیت به معنای پند و اندرز و سفارش کردن در هر موردی آمده‌ست ولی در محاورات روزمره به سفارشی گفته می‌شود که انسان به اولاد خود یا به فرد دیگری در خصوص اعمال و رفتار پس از مرگ خود می‌کند و فرد وصّی هم، خود را ملزم به رعایت نمودن و عمل کردن به این سفارشات می‌داند.

## واژه‌ی وصیت

در اینکه واژه‌ی وصیت از ثلاثی مجرد وصی یصی یا از چهار حرفی (ثلاثی مزید) وصی یوصی (باب تفعیل) و یا از اوصی یوصی (باب افعال) اتخاذ گردیده و اینکه به هر حال مصدر است یا اسم مصدر، در بین اهل لغت و فرهنگ نویسان ادبیات عرب اختلاف نظر وجود دارد و این اختلاف به کتب فقهیه نیز سرایت نموده‌ست که فعلاً جای بحث آن نیست. غالباً در قرآن کریم این واژه هر کجا بکار رفته به صورت چهار حرفی از باب تفعیل و یا از باب افعال بوده است: نظیر «ادّ وَصِيكُمُ اللّهُ بِهَذَا» (۱) و «مَنْ بَعْدَ وَصِيَّتِيَّ يُوصِي بِهَا اَوْ دَيْنٍ» (۲)

## اقسام وصیت

«وصیت» سه نوع است: عهدی و تملیکی و فکّی که هر کدام برای خود تعریف خاصی دارند. الف) «وصیت عهدی» عبارت است از اینکه شخصی یک یا چند نفر را برای انجام امر یا اموری و یا تصرفات دیگر مأمور می‌نماید که معمولاً وصیت‌ها جنبه‌ی عهدی دارد و وصیت کننده به وصّی سفارش می‌کند که بعد از من، ثلث مال مرا در چه راهی و به چه طریقی مصرف کن. ب) «وصیت تملیکی» عبارت است از اینکه کسی عین یا منفعتی را از مال خود برای زمان بعد از فوتش به دیگری مجاناً تملیک کند. که در این نوع وصیت‌ها با مرگ وصیت کننده اموالی که قبلاً معین شده در اختیار فردی که به او وصیت شده‌ست قرار می‌گیرد. ج) «وصیت فکّی» عبارت است از اینکه شخصی به موجب وصیت، ذمه‌ی مدیون خود را بری کند و یا ملکی از اموال خود را وقف نماید و امثال اینها.

## تعریف وصیت در اصطلاح فقها

فقها در فقه برای وصیت، تعاریفی دارند که بعضی‌ها تنها تعریف وصیت تملیکیست و بعضی‌ها شامل وصیت عهدی و تملیکی است؛ به عنوان مثال مرحوم محقق در شرایع، وصیت را چنین تعریف کرده است: «وصیت تملیک عین با منفعت برای بعد از وفات است». این تعریف، تنها تعریف «وصیت تملیکی» است و شامل وصیت عهدی از قبیل وصیت به ولایت بر صغار و مجانین و وصیت بر ولایت بر ثلث، نمی‌شود. لذا فقهای بعدی برای رفع این نقیصه، بر عبارت محقق جمله‌ی: «و یا تسلیط بر تصرف پس از وفات» را افزوده‌اند (۳) و شهید ثانی این تعریف را نیز کافی و جامع افراد ندانسته، زیرا این تعریف شامل وصیت به عتق، وصیت به ابراء ذمه‌ی مدیون و وصیت به وقف به عنوان مسجد یا جهت عامه، نمی‌شود (۴) زیرا در این موارد، نه تملیک عین و منفعت است و نه تسلیط بر تصرف، بلکه وصیت بر «فکّ ملک» است. با دقت در این تعاریف، روشن می‌شود که این نقض و ابرام‌ها، همه به خاطر عدم تفکیک اقسام وصیت است، لذا فقهای متأخر، ابتدا به تقسیم وصیت پرداخته و سپس برای هر قسمی، متناسب با آن قسم، تعریف کرده‌اند که ما نیز در ابتداء برای هر سه قسم، تعریف جداگانه داشتیم. به هر حال وصیت، تصرف شخص است در اموال خود برای بعد از وفات، خواه آن را خود مستقیماً به موصّی لّه برای بعد از وفات، تملیک کند (وصیت تملیکی) و یا ذمه‌ی شخصی را برای

بعد از وفاتش، ابراء نماید (وصیت فکّی) و یا به دیگری سفارش کند که تو مثلاً بخشی از ثلث مال مرا به فلانی بده و یا سرپرستی فرزندانم را به عهده گیر و امثال اینها (وصیت عهدی)، زیرا انسان طبق دستور شرع مقدّس اسلام، می‌تواند تا ثلث مال خود را برای بعد از فوت، به خود اختصاص دهد و به وصی دستور دهد که آن ثلث را در کجا مصرف کند که معمولاً قسمتی، صرف مخارج بعد از مرگ در تشکیل جلسات سوگواری می‌شود و قسمتی را هم به انجام واجبات ترک شده از قبیل نماز و روزهی قضا اختصاص می‌دهند و اگر ثلث مازادی داشت، طبق وصیت در کارهای خیر مصرف می‌کنند.

### آیا شخص می‌تواند خود به وصیت خویش عمل کند؟

معمولاً مردم در وصیتنامه‌های خود وصی را مأمور انجام کارهای خیر مالی از ثلث خود می‌نمایند، حتی آنهایی که در حیات خود، دست به هیچ کار خیر مالی نمی‌زنند در وصیتنامه‌ها دستورات بسیار صادر می‌کنند، از لحاظ حکم شرعی، شخص می‌تواند ثلث مال خود را در مصارف مُجاز وصیت کند و از لحاظ اخروی نیز بی‌اثر نیست، یعنی ثوابی از آن کار خیری که از ثلث او انجام شده، به او می‌رسد. به عنوان نمونه، اگر از ثلث مال او مدرسه‌ای ساخته و یا مسجدی را تعمیر کرده و یا جاده‌ای را احداث و یا مرمت نموده‌اند، قهراً به میت ثوابی خواهد رسید. اما سخن در این است که آیا ممکن است عوض اینکه شخص در وصیت خود پسرش را مأمور ساختن مسجد یا مدرسه یا بیمارستان و امثال اینها از ثلث مالش بنماید، خود در زمانی که در قید حیات است، این کارها را انجام دهد و دیگر وصیت به ثلث نکند و به تعبیر دیگر خود، ثلث خود را به مصرف برساند و انجام این نوع کارها را به ورثه و وصی خود محوّل کند یا نه؟ در پاسخ این پرسش، حضرت مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «يَا بَنَ آدَمَ! كُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ فِي مَا لَكَ وَاعْمَلْ فِيهِ مَا تُؤْتِرُ أَنْ يُعْمَلَ فِيهِ مِنْ بَعْدِكَ» (۵) یعنی: ای فرزند آدم! تو وصی خود در اموال و ثروت باش، امروز به گونه‌ای در آن عمل کن که می‌خواهی بعد از تو (طبق وصیت تو) عمل کنند. بنابراین شخص به جای اینکه در وصیتنامه‌ی خود آن همه سفارش به انجام کارهای خیر نماید، بهتر است آن را خود با دست خویش انجام دهد چرا که «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» یقیناً اثری که در کارهای خیر انجام شده از دست خود برای او خواهد بود، بیش از آن اثری خواهد بود که بعد از او آن کار خیر توسط وصی انجام خواهد گرفت. در تاریخ آورده‌اند که شخصی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را وصی خود قرار داد و حضرت پس از فوت او ثلث مالش را که یک انبار خرما بود، بین فقرا تقسیم کرد و در پایان، یک دانه از آن خرما را برداشت و فرمود: «اگر صاحب این انبار خرما، با دست خود یک دانه خرما در راه خدا می‌داد بهتر از این انبار خرمایی بود که ما برای او داده ایم». پس بهتر آن است که مسلمین، خود تا می‌توانند در حیات خود عمل کنند و در وصیتنامه‌ها کمتر از ثلث بنویسند و کارهای خیر را به بعد از موتشان واگذار نمایند و به امید آینده ننشینند که بسیاری از این وصیت‌ها اساساً عملی نمی‌شود.

### دو نکته مهم در خصوص وصیت

الف) وصیت محکوم به احکام خمسه‌ست گرچه وصیت در حدّ خود عملیست مستحب و پسندیده لکن ممکن است گاهی واجب یا حرام یا مکروه و یا مباح گردد به عنوان مثال کسی که حقّ الله از قبیل نماز، روزه، حج و یا حقّ الناس بر عهده دارد در درجهی اوّل بر او لازم است که در زمان حیات خودش اقدام به ادای آنها نموده مثلاً نمازها را قضا کند روزه‌ها را بگیرد و اموال مردم را به آنها مسترد گرداند. در درجهی بعدی، اگر آثار مرگ بر او ظاهر شد لازم است نسبت به آنها وصیت کند تا پس از او برایش نماز و روزه و حج نیابتی داده و اموال مردم را به آنان برگردانند که در این مورد وصیت امری الزامی و واجب خواهد بود. از سوی دیگر وصیت به کارهای نامشروع مانند صرف ثلث در جهت خلاف شرع حرام خواهد بود. وصیت کمتر از ثلث به ویژه برای کسانی که ورثه‌ی آنان وضع مالی مناسبی ندارند مستحب و وصیت به ثلث برای ثروتمندان مباح و جایز است. ب) در قانون اسلام وصیت

کردن زمان معینی ندارد لذا از جمله‌ی «إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ» (۶) می‌توان استفاده کرد که وصیت را در وقت دیدن آثار مرگ قرار دهد، و این آخرین فرصت است که می‌توان از این مسأله استفاده کرد و گرنه اشخاص آگاه و بصیر برنامه‌ی بعد از مرگ خود را با دقت تمام از مدت‌ها قبل از مرگ پیش بینی کرده و وصیت می‌کنند (۷)

## آیات در خصوص وصیت

### وجوب وصیت

«كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ». (۸) «بر شما نوشته شده هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، اگر چیز خوبی [مالی از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان، به طور شایسته وصیت کند! این حقی برای پرهیزکاران است!»

### بهترین وصیت

«وَصِي يَا إِبْرَاهِيمُ بِنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ \* أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ». (۹) ابراهیم و یعقوب (در واپسین لحظات عمر) فرزندان خود را وصیت کردند؛ و هر کدام به فرزندان خویش گفتند: «فرزندان من! خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است؛ و شما، جز به آیین اسلام [تسلیم در برابر فرمان خدا] از دنیا نروید!» آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟! در آن هنگام که به فرزندان خود گفت: «پس از من، چه چیز را می‌پرستید؟» گفتند: «خدای تو، و خدای پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، خداوند یکتا را، و ما در برابر او تسلیم هستیم».

### لزوم شاهد هنگام وصیت

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُمَا مِنْ بَعِيدِ الصَّلَاةِ فَيُقِيمِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ ازْتَبَيْتُمْ بِهِ تَمَنًّا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى وَلَا نَكُتُمْ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَمِنَ الْأَثِمِينَ». (۱۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، در موقع وصیت باید از میان شما، دو نفر عادل را به شهادت بطلبید؛ یا اگر مسافرت کردید، و مصیبت مرگ شما فرا رسید، (و در آن جا مسلمانی نیافتید) دو نفر از غیر خودتان را به گواهی بطلبید، و اگر به هنگام ادای شهادت، در صدق آنها شک کردید، آنها را بعد از نماز نگاه می‌دارید تا سوگند یاد کنند که ما حاضر نیستیم حق را به چیزی بفروشیم، هر چند در مورد خویشاوندان ما باشد! و شهادت الهی را کتمان نمی‌کنیم، که از گناهکاران خواهیم بود!

### وصیت به حفظ حقوق همسران

«وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَنِّ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ». (۱۱) و کسانی که از شما در آستانه‌ی مرگ قرار می‌گیرند و همسرانی از خود بجا می‌گذارند، باید برای همسران خود وصیت کنند که تا یک سال، آنها را (با پرداختن هزینه‌ی زندگی) بهره‌مند سازند؛ به شرط اینکه آنها (از خانه‌ی شوهر) بیرون نروند و اگر بیرون روند، گناهی بر شما نیست. نسبت به آنچه درباره‌ی خود، به طور شایسته

انجام می‌دهند و خداوند، توانا و حکیم است. از این آیات استفاده می‌شود که وصیت، نه تنها مجاز و مشروع، بلکه رعایت آن بر ورثه نیز لازم است و تغییر و تبدیل وصیت از ناحیه وصی را ممنوع اعلام داشته و گناه آن را متوجه شخصی می‌داند که آن را تغییر داده‌ست چنانکه می‌فرماید: «فَمَنْ يَدَّلْهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». (۱۲) پس کسانی که بعد از شنیدن وصیت آن را تغییر دهند، پس گناه آن، تنها بر کسانی است که آن (وصیت) را تغییر می‌دهند؛ خداوند، شنوا و داناست.

## روایات در خصوص وصیت

### احتجاج خدای عز و جل بر تارک وصیت

عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ ابْنُ آدَمَ تَطَوَّلْتُ عَلَيْكَ بِثَلَاثَةِ سَنَوَاتٍ عَلَيْكَ مَا لَوْ يَعْلَمُ بِهِ أَهْلُكَ مَا وَارَوْكَ وَأَوْسَعْتُ عَلَيْكَ فَاسْتَقْرَضْتُ مِنْكَ فَلَمْ تُقَدِّمْ خَيْرًا وَجَعَلْتُ لَكَ نَظْرَةً عِنْدَ مَوْتِكَ فِي ثُلُثِكَ فَلَمْ تُقَدِّمْ خَيْرًا. (۱۳)

حضرت باقر علیه السلام فرمودند خداوند متعال می‌فرماید: ای فرزند آدم! سه نعمت بزرگ و سه منت بر تو نهادم: ۱ - زشتی‌ها و عیوبی را مستور نموده و پوشانیدم که اگر خانواده‌ی خودت آنها را می‌دانستند پرده پوشی نمی‌کردند (یا تو را به خاک نمی‌سپردند). ۲ - گشایش و توسعه در زندگی به تو دادم سپس از تو قرض خواستم ولی تو قدم خیری برنداشتی و چیزی را از پیش نفرستادی. ۳ - نزدیک مرگت ثلث مال را در اختیار تو نهادم (که هر گونه وصیت بخواهی بنمایی) باز هم قدمی برنداشتی و چیزی از پیش نفرستادی. قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْوَصِيَّةُ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ. (۱۴) امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: وصیت، حقیقت بر هر مسلمان. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَا يَنْبَغِي لِأَمْرِي مُسْلِمٍ أَنْ يَبِيَّتَ لَيْلَةً إِلَّا وَوَصِيَّتُهُ تَحْتَ رَأْسِهِ. (۱۵) حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: سزاوار نیست بر مؤمن که هیچ شبی بخوابد مگر اینکه وصیت نامه‌اش زیر سرش باشد. قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ لَمْ يُوصِ عِنْدَ مَوْتِهِ لِذَوِي قَرَابَةٍ مِمَّنْ لَا يَرِيئُهُ فَقَدْ خَتَمَ عَمَلَهُ بِمَعْصِيَةٍ. (۱۶) حضرت صادق علیه السلام فرموده‌اند: هر کس به هنگام مرگ، برای خویشاوندانی که ارث نمی‌برند، وصیت نکند، سرانجامش به گناه پایان می‌پذیرد.

### آداب وصیت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ لَمْ يُحَسِّنْ وَصِيَّتَهُ عِنْدَ الْمَوْتِ كَمَا نَقَصْنَا فِي مَرُوتِهِ وَعَقْلِهِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْفَ يُوصِي الْمَيِّتُ قَالَ: إِذَا حَضَرْتَهُ الْوَفَاءُ وَاجْتَمَعَ النَّاسُ إِلَيْهِ قَالَ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَدُ إِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا أَنْتَى أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ الْبُعْثَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْقَدَرَ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَأَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلْتَ وَأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ جَزَى اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خَيْرَ الْجَزَاءِ وَحَيَا اللَّهُ مُحَمَّدًا بِالسَّلَامِ اللَّهُمَّ يَا عِدَّتِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَيَا صَاحِبِي عِنْدَ شِدَّتِي وَيَا وَليِّي فِي نِعْمَتِي إِلَهِي وَإِلَهَ آبَائِي لَا تَكْلِنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ فَإِنَّكَ إِنْ تَكْلِنِي إِلَى نَفْسِي كُنْتُ أَقْرَبَ مِنَ الشَّرِّ وَأَبْعَدَ مِنَ الْخَيْرِ وَأَنْسَ فِي الْقَبْرِ وَحَشْتِي وَاجْعَلْ لِي عَهْدًا يَوْمَ أَلْقَاكَ مُشَوَّرًا ثُمَّ يُوصِي بِحَاجَتِهِ وَتَصِيدُ هِيذَةَ الْوَصِيَّةِ فِي الْقُرْآنِ فِي سُورَةِ التِّي ذَكَرَ فِيهَا مَرْيَمَ فِي قَوْلِهِ «لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا» (۱۷) فَهَذَا عَهْدُ الْمَيِّتِ وَالْوَصِيَّةُ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَحْفَظَ هَذِهِ الْوَصِيَّةَ وَيُعَلِّمَهَا قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَمْنِيهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَقَالَ عَلَمْنِيهَا جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (۱۸)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: هر کس به هنگام مرگ، وصیت پسندیده نکند، موجب کاستی در مروت و خرد اوست. گفته شد: ای رسول خدا! چگونه باید وصیت کرد؟ فرمودند: چون مرگش فرا رسد و مردم پیش او جمع شوند، بگوید: پروردگارا! ای پدید آورنده‌ی آسمانها و زمین! ای آگاه آشکار و نهان! ای مهربان به دوست و دشمن! پروردگارا! من در این جهان به پیشگاه

تو عهد و اقرار می‌کنم و گواهی می‌دهم که خدایی جز تو نیست، یگانه‌ای که تو را شریک و همتایی نیست و محمد بنده و فرستاده‌ی تو است و همانا که بهشت و دوزخ حق است و حساب و برانگیختن و میزان و اندازه‌گیری حق است و قرآن چنان است که تو فرو فرستاده‌ای و تو خود، خدای حق و آشکاری. خداوند به محمد صلی الله علیه و آله و سلم بهترین پاداش را داده! و به محمد و آل او: بهترین تحیت را عنایت فرماید. پروردگارا! ای ساز و برگ من به هنگام گرفتاری، و ای یاور من به هنگام سختی، و ای ولی نعمت من! تو که خدای من و خدای پدر و نیاکان منی، مرا لحظه‌ای به خود وا مگذار که اگر یک چشم بر هم زدن مرا به خودم واگذاری، به بدی نزدیک و از نیکی دور می‌شوم. خدایا! انیس و حشت من در قبرم باش و این عهد مرا روزی که تو را دیدار می‌کنم به من ارزانی فرمای. سپس به نیازهای خود وصیت کند. این وصیت، همان است که در سوره‌ی مریم آیه ۹۱ آمده و فرموده است: «آنان هرگز مالک شفاعت نمی‌باشند، مگر کسی که نزد خدای بخشنده عهد و پیمانی دارد» و این وصیت عهد و پیمان میت است و وصیت بر هر مسلمانی حق است و لازم است که این را حفظ و به این عمل کند. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند: این گونه وصیت کردن را پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به من آموختند و فرمودند: جبرئیل علیه السلام به من آموزش داد.

### نهی از ضرر زدن و ظلم و حق کشی کردن در وصیت

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ أَوْصَى بِالثُّلْثِ فَقَدْ أَضَرَ بِالْوَرَثَةِ وَالْوَصِيَّةُ بِالْخُمْسِ وَالرُّبْعُ أَفْضَلُ مِنَ الْوَصِيَّةِ بِالثُّلْثِ وَقَالَ: مَنْ أَوْصَى بِالثُّلْثِ فَلَمْ يَتْرُكْ (۱۹) از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: کسی که به ثلث وصیت کند، ورثه را متضرر کرده است، و وصیت به یک پنجم و یک چهارم از وصیت به یک سوم افضل است، و فرمود: کسی که به ثلث وصیت کند، چیزی از مورد مأذون را باقی نگذاشته است. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَبَالِي أَضْرَرْتُ بَوْلَدِي أَوْ سَرَقْتُهُمْ ذَلِكَ (۲۰) از امام جعفر بن محمد از پدرش علیهم السلام روایت شده، که فرمودند: حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: نزد من فرق نمی‌کند که به فرزندانم زیان رسانم یا از آنان سرقت نمایم و یا ایشان را واگذارم. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَبَالِي أَضْرَرْتُ بَوْلَدِي أَوْ سَرَقْتُهُمْ ذَلِكَ (۲۰) از امام جعفر بن محمد از پدرش علیهم السلام نقل شده که فرمودند: کسی که وصیت کند، و با سخنان بیهوده درباره‌ی ورثه ستم نکند، و زبانی به کسی وارد نسازد، چنان است که مورد وصیت را در زمان حیات خودش به صدقه داده باشد. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَضَى امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ تُوَفِّيَ وَ أَوْصَى بِمَالِهِ كُلِّهِ أَوْ بِأَكْثَرِهِ فَقَالَ إِنَّ الْوَصِيَّةَ تُرَدُّ إِلَى الْمَعْرُوفِ وَيُتْرَكُ لِأَهْلِ الْمِيرَاثِ مِيرَاثُهُمْ. (۲۲) از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده، که فرمودند: حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره‌ی مردی که وفات نموده، و درباره همگی مال خود، یا بیشتر آن وصیت کرده، بر این گونه قضاوت فرموده‌ست که وصیت به معروف یعنی به آنچه در شرع آمده‌ست برگردانده می‌شود، و میراث اهل میراث به ایشان واگذار می‌گردد. قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحَيْفُ فِي الْوَصِيَّةِ مِنَ الْكِبَائِرِ. (۲۳) حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: ستم در وصیت از معاصی کبیره می‌باشد.

### وصی خود باشید!

قَالَ رَجُلٌ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْصَيْتَنِي قَالَ: لَهُ أَعَدَّ جَهَاذَكَ وَأَكْثَرَ مِنْ زَادِكَ لِطَوْلِ سَفَرِكَ وَ كُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ وَ لَا تُكُنْ تَأْمَنُ غَيْرَ أَنْ يَبْعَثَ بِحَسَبِ نَاتِكَ إِلَى قَبْرِكَ فَإِنَّهُ لَنْ يَبْعَثَهَا أَحَدٌ مِنْ وُلْدِكَ إِلَيْكَ فَمَا أَبَيَّنَ الْحَقَّ لِإِدْيِ عَيْنَيْنِ أَنَّ الرَّحِيلَ أَحَدُ الْيَوْمَيْنِ تَزَوَّدُوا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ وَ تَصَدَّقُوا مِنْ خَالِصِ الْأَمْوَالِ فَقَدْ دَنَا الرَّحْلَةَ وَ الزَّوَالَ (۲۴) مردی به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد: مرا پند و



اندر زده، حضرتش فرمود: خویشتن را مجهز و آماده کن، زاد و توشه‌ی فراوان بردار برای سفر دور و درازت، صاحب اختیار خویشتن باش، از غیر خود ایمن نباش، تا که فرزندان پس از مرگ تو بسوی قبرت حسنات و خوبی‌ها فرستند زیرا که فرزند تو چیزی به سوی تو نفرستد. چقدر حق و حقیقت پیش دیدگان آشکار است همانا کوچ کردن در یکی از این دو روز خواهد بود از کردار شایسته توشه برگیرید و از مال‌های پاک صدقه بدهید زیرا که حرکت و نابودی نزدیک است. **أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَعَفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ أَوْصِنِي فَقَالَ: أَعِدَّ جَهَّازَكَ وَقَدِّمَ زَادَكَ لِطُولِ سَفَرِكَ وَ كُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ وَلَا تَأْمَنْ غَيْرَكَ أَنْ يَبْعَثَ إِلَيْكَ بِمَا يُضِلُّحُكَّ.** (۲۵) مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: به من سفارش کن. ایشان فرمود: بار (آخرت) خود را آماده ساز و توشه‌ی سفر طولانی خود را پیش فرست و وصی خود باش و دیگری را امین بدان که آنچه را تو اصلاح کنی برایت بفرستد. **قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا ابْنَ آدَمَ كُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ فِي مَالِكَ وَاعْمَلْ فِي مَالِكَ فِيهِ مَا تُؤْتِرُ أَنْ يُعْمَلَ [يَعْمَلُ فِيهِ مِنْ بَعْدِكَ] مَنْ بَعْدَكَ** (۲۶) حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: پسر آدم! وصی خود در مال خویش باش، و در مال خود طوری عمل کن آن چنان که خواهی پس از تو عمل کنند. در این قسمت به مناسبت بحث وصیت، به چند آیه از قرآن مجید اشاره می‌شود که خدای عزوجل به انسان‌ها سفارش و وصیت فرموده، البته در ذیل هر آیه هم، چند روایت به مناسبت ذکر شده است.

## سفارشات خداوند متعال به انسان

### آیه اول

(شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ) (۲۷) آیینی را برای شما تشریح کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم سفارش کردیم این بود که دین را بر پا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید! که بر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سوی دعوت می‌کنید! خداوند هر کس را بخواهد برمی‌گزیند، و کسی را که به سوی او بازگردد هدایت می‌کند. ۱ - **عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَيْهِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَّا بَعْدُ: فَإِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَانَ أَمِينَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ فَلَمَّا قُبِضَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كُنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَثَتَهُ فَخُنَّ أُمَّنَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عِنْدَنَا عِلْمُ الْبَلَايَا وَالْمَنَايَا وَأَنْسَابُ الْعَرَبِ وَمَوْلِدُ الْإِسْلَامِ وَإِنَّا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ إِذَا رَأَيْنَاهُ بِحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ وَحَقِيقَةِ النَّفَاقِ وَ إِنَّا شَيْعَتَنَا لَمَكْتُوبُونَ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ أَخَذَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَعَلَيْهِمُ الْمِيثَاقَ يَرُدُّونَ مَوْرِدَنَا وَيَدْخُلُونَ مَدَخَلَنَا لَيْسَ عَلَيْنَا مِنَ الْإِسْلَامِ غَيْرُنَا وَغَيْرُهُمْ نَحْنُ النَّجْبَاءُ النَّجَاءُ وَنَحْنُ أَفْرَاطُ الْأَنْبِيَاءِ وَنَحْنُ أَبْنَاءُ الْأَوْصِيَاءِ وَنَحْنُ الْمُخْصُوصُونَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ وَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَنَحْنُ الَّذِينَ شَرَعَ اللَّهُ لَنَا دِينَهُ فَقَالَ فِي كِتَابِهِ شَرَعَ لَكُمْ يَا آلَ مُحَمَّدٍ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا قَدْ وَصَّانَا بِمَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ يَا مُحَمَّدٌ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى فَقَدْ عَلَّمْنَا وَبَلَّغْنَا عِلْمَ مَا عَلَّمْنَا وَاسْتَوْدَعَنَا عِلْمَهُمْ نَحْنُ وَرَثَةُ أَوْلَى الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ يَا آلَ مُحَمَّدٍ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ وَكُونُوا عَلَى جَمَاعَةٍ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَنْ أَشْرَكَ بِلَوْلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ مَنْ يُجِيبُكَ إِلَى وَلَايَةِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.** (۲۸) از عبدالله بن جندب روایت شده که حضرت رضا علیه السلام به او نوشتند: اما بعد همانا محمد صلی الله علیه و آله و سلم امین خدا در میان خلقش بود و چون آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت رسید، ما خانواده، وارث او شدیم، پس ما امین خدا در زمین هستیم، علم بلاها و علم به ساعت مُردن و نژاد عرب و تولد اسلام نزد ماست (یعنی نژاد صحیح و فاسد عرب را می‌شناسیم و از محل تولد اسلام که دل انسان است آگاهیم) و هر مردی را ببینیم می‌شناسیم که او حقیقتاً مؤمن است یا منافق و نام شیعیان ما و نام پدرانشان، نزد ما ثبت است. خدا از ما و آنها پیمان گرفته (که ما

رهبر آنها باشیم و آنها پیرو ما) بر سر هر آبی که ما وارد شویم آنها هم وارد شوند و در هر جا در آئیم، در آیند (اشاره به حوض کوثر و بهشت و مقام علین دارد و یا متابعت در مقام عمل را می‌رساند) جز ما و ایشان کسی در کیش اسلام نیست، مائیم نجیب و رستگار و مائیم بازماندگان پیغمبران و مائیم فرزندان اوصیاء و مائیم برجستگان در کتاب خداوند، ما به قرآن سزاوارتریم تا مردم دیگر و ما به پیغمبر نزدیک‌تریم تا مردم دیگر، و خدا دینش را برای ما مقرر داشته و در قرآنش فرموده «مقرر فرمود برای شما (ای آل محمد) از دین آنچه را که به نوح سفارش نمود و آنچه را به تو وحی کردیم (ای محمد) و آنچه را به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم (به ما آموخت و رسانید آنچه را باید بدانیم و علوم این پیغمبران را به ما سپرد، ما وارث پیغمبران اولوالعزم هستیم) و آن سفارش این بود که دین را بپا دارید (ای آل محمد!) در آن تفرقه نیندازید (و با هم متحد باشید) گران و ناگوار است بر مشرکین (آنها که به ولایت حضرت علی علیه السلام مشرک شدند) آنچه را بدان دعوتشان کنید (که ولایت حضرت علی علیه السلام است) همانا (ای محمد) خدا هدایت کند کسی را که به او رجوع کند» یعنی کسی که ولایت حضرت علی علیه السلام را از تو بپذیرد. ۲- عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ» (۲۹) بَوْلَايَةِ عَلِيٍّ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ يَا مُحَمَّدُ مِنْ وِلَايَةِ عَلِيٍّ هَكَذَا فِي الْكِتَابِ مَخْطُوطَةً. (۳۰) امام رضا علیه السلام درباره‌ی این قول خدای عزوجل فرمودند: «گران آمد بر مشرکین (نسبت به ولایت حضرت علی علیه السلام) آنچه ایشان را به سویس خوانی» ای محمد! که آن ولایت علیست (حاصل اینکه تو مشرکین را به ولایت علی علیه السلام می‌خوانی و تحمل این مطلب بر ایشان گران است) در کتاب این گونه نوشته شده. ۳- [تفسیر القمی قَوْلُهُ تَعَالَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ أَى تَعَلَّمُوا الدِّينَ يَعْنِي التَّوْحِيدَ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِتْيَاءَ الزَّكَاةِ وَ صَوْمَ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ حَجَّ الْبَيْتِ وَ السُّنَنِ وَ الْأَحْكَامِ الَّتِي فِي الْكُتُبِ وَ الْإِقْرَارَ بَوْلَايَةِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَا- تَتَفَرَّقُوا فِيهِ أَى لَا- تَخْتَلِفُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ مِنْ ذِكْرِ هَذِهِ الشَّرَائِعِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ أَى يَخْتَارُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ وَ هُمُ الْأَنْثَمَةُ الَّذِينَ اجْتَبَاهُمُ اللَّهُ وَ اخْتَارَهُمْ (۳۱) در تفسیر علی بن ابراهیم قمی در ذیل آیه چنین نقل شده أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ يَعْنِي تَوْحِيدَ وَ نَمَازَ وَ زَكَاتَ وَ رَوْزَه‌ی مَاهِ رَمَضَانَ وَ حَجَّ وَ سُنَنَ وَ احْكَامِی كِهْ دَرِ آدَابِ شَرِيعَتِ هَسْتِ وَ اِقْرَارَ بِهْ وَ لَایَتِ حَضْرَتِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَا فِرَاگِرِيدَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ يَعْنِي اِخْتِلَافَ دَرِبَارَه‌ی اَن نَكْنِيد. كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ يَعْنِي گِرَانِ اسْتِ بِرِ مَشْرَكِينَ دَعْوَتِ بِهْ اَيْنِ شَرَايِعِی كِهْ مِی كْنِيد. سَبَسِ مِی فَرَمَايد: اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ يَعْنِي خُدا هَر كِهْ رَا بِخَوَاهِدِ اِنْتِخَابِ مِی كَنْد. وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ ايشان ائمه: هَسْتَنْد كِهْ خُدا اَنهَآ رَا اِنْتِخَابِ وَ اِخْتِيَارِ كَرْدِهْ اسْت. ۴- قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: إِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ كَانَ أَمِينًا لِلَّهِ فِي أَرْضِهِ فَلَمَّا انْقَبَضَ [أَنْ قَبَضَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ كُنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ أُمَّةً لِلَّهِ فِي أَرْضِهِ عِنْدَنَا عِلْمُ الْبَلَايَا وَ الْمَنَايَا وَ أَنْسَابُ الْعَرَبِ وَ مَوْلِدُ الْإِسْلَامِ وَ إِنَّا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ إِذَا رَأَيْنَاهُ بِحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ وَ بِحَقِيقَةِ النِّفَاقِ وَ إِن شِيعَتَنَا لَمَكْتُوبُونَ مَعْرُوفُونَ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ أَخَذَ اللَّهُ الْمِيثَاقَ عَلَيْنَا وَ عَلَيْهِمْ يَرُدُّونَ مَوَارِدَنَا وَ يَدْخُلُونَ مِدَاخِلَنَا لَيْسَ عَلَيَّ مِلَّةُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ غَيْرَنَا وَ غَيْرُهُمْ إِنَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ آخِذُونَ بِحُجْرَةِ نَبِيِّنَا وَ نَبِينَا آخِذٌ بِحُجْرَةِ رَبِّهِ وَ إِن الْحُجْرَةَ التُّورُ وَ شِيعَتَنَا آخِذُونَ بِحُجْرَتِنَا مِنْ فَارَقْنَا هَلَكًا وَ مَنْ تَبِعَنَا نَجَا وَ الْجَاهِدَ لَوْلَايَتِنَا كَافِرٌ وَ مُتَّبِعُنَا وَ تَابِعَ أَوْلِيَانَا مُؤْمِنٌ لَا يُحِبُّنَا كَافِرٌ وَ لَا يُبْغِضُنَا مُؤْمِنٌ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ مُجِبُّنَا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَبْعَثَهُ مَعَنَا نَحْنُ نُورٌ لِمَنْ تَبِعَنَا وَ نُورٌ لِمَنْ أَقْتَدَى بِنَا مِنْ رَغَبٍ عَنَّا لَيْسَ مِنَّا وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ مَعَنَا فَلَيْسَ مِنَ الْإِسْلَامِ فِي شَيْءٍ بِنَا فَتَبِعَ اللَّهُ الدِّينَ وَ بِنَا يَحْتَمِيهِ وَ بِنَا أَطَمَعَكُمُ اللَّهُ عُسْبَ الْأَرْضِ وَ بِنَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ قَطْرَ السَّمَاءِ وَ بِنَا آمَنَكُمُ اللَّهُ مِنَ الْعَرَقِ فِي بَحْرِكُمْ وَ مِنَ الْخَسْفِ فِي بَرِّكُمْ وَ بِنَا نَفَعَكُمُ اللَّهُ فِي حَيَاتِكُمْ وَ فِي قُبُورِكُمْ وَ فِي مَحْشَرِكُمْ وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ دُخُولِكُمُ الْجَنَانَ إِنْ مَثَلْنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ كَمَثَلِ الْمَشْكَاةِ وَ الْمَشْكَاةِ فِي الْقَنْدِيلِ فَنَحْنُ الْمَشْكَاةُ فِيهَا مُصْبَاحٌ وَ الْمِصْبَاحُ هُوَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجِهِ نَحْنُ الزُّجَاجُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَ لَا غَرْبِيَّةٍ لَا مُنْكَرَةَ وَ لَا دَعِيَّةَ يَكَادُ زَيْتُهَا نُورٌ يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورُ الْفُرْقَانِ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْلَايَتِنَا وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ بِأَنْ يَهْدِي مَنْ أَحَبَّ لَوْلَايَتِنَا حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَبْعَثَ وَ لَيْتَنَا مُشْرِقًا وَ جِهَةٌ تَبْرَأُ بَرْهَانَهُ عَظِيمًا عِنْدَ اللَّهِ حُجَّتُهُ وَ يَجِيءُ عِيدُونَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسَوِّدًا وَ جِهَةٌ مُدْحَضَةٌ عِنْدَ اللَّهِ



حُجَّتُهُ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَ وَلَيْنَا رَفِيقَ النَّبِيِّينَ وَالصَّالِحِينَ وَالشُّهَدَاءَ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقاً وَحَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَجْعَلَ عَدُوَّنَا رَفِيقاً لِلشَّيَاطِينِ وَالْكَافِرِينَ وَبَنَسَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقاً لِشَهِيدِنَا فَضَّلَ عَلَى الشُّهَدَاءِ غَيْرِنَا بَعْشَرَ دَرَجَاتٍ وَ لِشَهِيدِ شِيعَتِنَا عَلَى شَهِيدِ غَيْرِنَا سَبْعَ دَرَجَاتٍ فَخُنَّ النَّجَبِيَّاءُ وَخُنَّ أَقْرَاطُ الْأَنْبِيَاءِ وَخُنَّ أَنْبِيَاءُ الْأَوْصِيَاءِ وَخُنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَخُنَّ الْمَخْصُوصُونَ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَخُنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِدِينِ اللَّهِ وَخُنَّ الَّذِينَ شَرَعَ اللَّهُ لَنَا فَقَالَ اللَّهُ شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى فَكَذَّبُوا عَلَمَنَا وَبَلَّغْنَا مَا عَلَّمْنَا وَاسْتَوْدَعْنَا عِلْمَهُمْ وَخُنَّ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَخُنَّ ذُرِّيَّةُ أَوْلَى الْعِلْمِ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ يَا آلَ مُحَمَّدٍ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ وَكُونُوا عَلَى جَمَاعَتِكُمْ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَنْ أَشْرَكَ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ مِنْ وِلَايَةِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ يَا مُحَمَّدُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ مَنْ يُجِيبُكَ إِلَى وِلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ (۳۲) حضرت امام علی بن الحسین علیهما السلام فرمودند: حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم امین خدا در زمین بود. پس از شهادت او ما امنای خدائیم در زمین، در نزد ما علم بلاها و ساعت مرگ‌ها است و انساب عرب و زادگاه اسلام، ما هر کس را ببینیم می‌فهمیم که واقعاً او مؤمن است یا منافق، به درستی که نام شیعیان ما و نام پدرانشان نوشته شده و آنها را می‌شناسیم خداوند از آنها پیمان گرفته که پیرو ما باشند و وارد شوند در جایی که ما وارد می‌شویم، کسی جز ما و ایشان بر ملت ابراهیم خلیل الرحمن نیست. ما در روز قیامت چنگک به دامن پیامبران می‌زنیم و پیامبر اکرم چنگک به حُجْزِ خدا می‌زند و حُجْزِ همان نور است و شیعیان ما چنگک به نور ما می‌زند هر که از ما جدا شود هلاک شده و هر که پیرو ما باشد نجات یافته، منکر ولایت ما کافر و پیرو ما و پیرو دوستان ما مؤمن است. کافر به ما محبت نمی‌ورزد و مؤمن ما را دشمن نمی‌دارد کسی که با محبت ما بمیرد بر خدا لازم است او را با ما محشور کند، ما نوریم برای پیروان خود و کسی که به ما اقتدا نماید. هر که از ما کناره‌گیری کند از ما نخواهد بود و هر که با ما نباشد از اسلام بهره‌ای نبرده به وسیله‌ی ما دین شروع و به ما ختم می‌شود به وسیله‌ی ما خدا از روئیدنی‌های زمین شما را بهره‌مند کرده و به واسطه‌ی ما باران از آسمان می‌بارد و به واسطه‌ی ما خدا شما را از غرق در دریا و فرو رفتن در زمین ننگه می‌دارد. خداوند به واسطه‌ی ما شما را در قبرها و محشر و هنگام صراط و میزان و موقع داخل شدن بهشت سود می‌بخشد. مثل ما در کتاب خدا مانند مشکات است. مشکات در قندیل است. ما مشکات هستیم که در آن چراغ است و چراغ محمد صلی الله علیه و آله و سلم الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجِهِ مَا زُجَاجُهُ هَسْتِمُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا عَرَبِيَّةٍ نَزَادِي مَعْرُوفٍ وَغَيْرِ قَابِلِ إِيْرَادٍ كَمَا نُوْرٌ مِيْ دَرِخْشُدِ يُضَيِّئُهُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ قَرَأَنَ عَلِيٌّ نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ آن کس را که بخواد به نور ولایت ما هدایت می‌کند. خدا به هر چیز دانا است اگر کسی را هدایت به ولایت ما نماید. بر خدا لازم است که او را با چهره‌ای درخشان و برهانی فروزان با سربلندی نزد خدا محشور نماید و دشمن ما روز قیامت با چهره‌ای سیاه و سرافکننده در نزد خدا محشور می‌شود. لازم است خداوند دوست ما را رفیق پیامبران و صدیقین و شهداء و صالحین قرار دهد که خوب رفیقانی هستند و دشمن ما را رفیق شیاطین و کافران گرداند که بد رفیقانی هستند. شهید ما به ده امتیاز از سایر شهدا برتر است و شهید شیعه‌ی ما با هفت امتیاز بر دیگران برتری دارد ما نجباء و بازمانده‌ی انبیاء و فرزندان اوصیاء هستیم ما از همه‌ی مردم به خدا نزدیکتر و ما شخصیت‌های ممتاز در کتاب آسمانی هستیم و ما از همه به دین خدا سزاوارتریم خداوند شریعت را برای ما تشریح نموده در قرآن می‌فرماید: شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى مَا رَا تَعْلِيمَ دَادَنَدُ وَمَا نِيْزِ ابْلَاغِ كَرْدِيْمِ اَنْچِه بايد بگوئيم و وارث علم انبياء شديم ما ذرِّيَّه‌ی صاحبان علم هستیم أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ يَا آلَ مُحَمَّدٍ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ مَتَّحِدًا بِشَيْدِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ گران است بر کسانی که ولایت علی بن ابی طالب را قبول ندارند دعوت‌های شما ما تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ به ولایت حضرت علی علیه السلام اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ خدا برمی‌گزیند و هدایت می‌کند کسی را که دعوت تو را (ای پیامبر) راجع به ولایت علی بن ابیطالب علیهما السلام بپذیرد.

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيداً (۳۳)) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن خداست و ما به کسانی که پیش از شما، کتاب آسمانی به آنها داده شده بود، سفارش کردیم، (همچنین) به شما (نیز) سفارش می‌کنیم که از (نافرمانی) خدا بپرهیزید! و اگر کافر شوید، (به خدا زبانی نمی‌رسد؛ زیرا) برای خداست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، و خداوند، بی‌نیاز و ستوده است. ۱ - رُوي أَنَّ رَجُلًا اشْتَوَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: لَا تَغْضَبُ قَطُّ فَإِنَّ فِيهِ مُنَازَعَةً رَبِّكَ فَقَالَ زِدْنِي قَالِ إِيَّاكَ وَمَا يُعْتَدِرُ مِنْهُ فَإِنَّ فِيهِ الشُّرْكَ الْخَفِيَّ فَقَالَ زِدْنِي فَقَالَ صَلِّ صَلَاةَ مُودَعٍ فَإِنَّ فِيهَا الْوَصِيْلَةَ وَالْقُرْبَى فَقَالَ زِدْنِي فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اسْتَحْيِ مِنَ اللَّهِ اسْتَحْيَاءَ كَمَنْ صَالِحِي جِيرَانِكَ فَإِنَّ فِيهَا زِيَادَةَ الْيَقِينِ وَقَدْ أَجْمَعَ اللَّهُ تَعَالَى مَا يَتَوَصَّى بِهِ الْمُتَوَاصُونَ مِنَ الْمَأُولِينَ وَالْآخِرِينَ فِي خَصِيْلَتِهِ وَاحْتِدِهِ وَهِيَ التَّقْوَى قَالَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَفِيهِ جِمَاعُ كُلِّ عِبَادَةٍ صَالِحَةٍ وَصَلَّ مَنْ وَصَلَ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى وَالرُّتْبَةِ الْقُصْوَى وَبِهِ عَاشَ مَنْ عَاشَ مَعَ اللَّهِ بِالْحَيَاةِ الطَّيِّبَةِ وَالْأَنْسِ الدَّائِمِ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ فِي مَقْعِدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ (۳۴) روایت شده که مردی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تقاضای وصیت و اندرز نمود. به او فرمودند: خشمگین مشو زیرا خشم نزاع با خداست. عرض کرد: بیشتر بفرمایید. فرمودند: بپرهیز از چیزی که باید از آن عذر و پوزش بخواهی زیرا در این عمل شرک خفی است. عرض کرد: بیشتر بفرمایید. فرمودند: نماز بخوان همچون کسی که می‌خواهد با نماز وداع کند زیرا این نماز، رسیدن و نزدیک شدن به خداست. باز عرض کرد: اضافه بفرمایید. فرمودند: از خدا خجالت بکش همان طوری که از همسایگان صالحت خجالت می‌کشی که این عمل سبب افزایش یقین است و خداوند تکمیل فرموده: به آنچه گذشتگان و آیندگان مردم را نصیحت و سفارش کنند در یک خصلت و صفت و آن تقواست و فرموده: وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ مَا سَفَرَشْ كَرَدِيمٍ بِهٖ اَنَّهُمْ كَهٗ قَبْلَ اَزْ شَمَا كِتَابِ دَادَهٗ بُوَدِيمٍ وَ شَمَا رَا، بِهٖ پرهیزکاری از خدا. در تقوا مجموعه‌ای عبادات صالح است و به، همین وسیله‌ی هر کس می‌تواند به درجات عالی و نهایی مراتب تقوا برسد و زندگی عالی در پناه خدا بیابد و انس دائم به وسیله همین تقوا بوده لذا خداوند می‌فرماید: إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ فِي مَقْعِدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ.

## آیه‌ی سوم

(و وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ) (۳۵) ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، و اگر آن دو (مشرک باشند و) تلاش کنند که برای من همتایی قائل شوی که به آن علم نداری، از آنها پیروی مکن! بازگشت شما به سوی من است، و شما را از آنچه انجام می‌دادید با خبر خواهم ساخت! ۱ - عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ وَذَكَرَ هَذِهِ الْآيَةَ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَحَدُ الْوَالِدَيْنِ. فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَجَلَانَ مِنَ الْآخِرِ قَالَ: عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَنِسَاؤُهُ عَلَيْنَا حَرَامٌ وَهِيَ لَنَا خَاصَّةٌ (۳۶) ابی الجارود می‌گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که در تفسیر این آیه فرمودند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یکی از والدین است. پس عبدالله بن عجلان پرسید: دیگری کیست؟ حضرت فرمودند: حضرت علی علیه السلام که زانشان بر ما حرام هستند و این مورد مخصوص ما اهل بیت است. ۲ - جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ (۳۷) جابر از امام پنجم علیه السلام نقل می‌کند که می‌فرمود: وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ، منظور، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام می‌باشند. ۳ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ وَأَنَا عِنْدَهُ لِعَبْدِ الْوَّاحِدِ الْأَنْصَارِيِّ فِي بَرِّ الْوَالِدَيْنِ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا فَظَنَّنَا أَنَّهَا الْآيَةُ الَّتِي فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ وَقَضَى رَبُّكَ



سپس به سوی ماست. از خدا پروا کنید و نافرمانی این پدر و مادر نکنید، زیرا خرسندی آنها خرسندی خدا، و خشمشان خشم خداست. ۲- فقه الرضا علیه السلام عَلَيْكَ بِطَاعَةِ الْآبِ وَ بَرِّهِ وَ التَّوَاضُّعِ وَ الْخُضُوعِ وَ الْإِعْظَامِ وَ الْإِكْرَامِ وَ خَفْضِ الصَّوْتِ بِحَضْرَتِهِ فَإِنَّ الْآبَ أَضْلُ الْإِبْنِ وَ الْإِبْنَ فَرْعُهُ لَوْلَا لَمْ يَكُنْ يُقَدَّرُ اللَّهُ ابْنُؤَلُو لَهُمُ الْأُمُؤَالِ وَ النَّجَاةِ وَ النَّفْسِ وَ قَدْ أَرُؤِ أَنْتَ وَ مَالِكَ لِأَبِيكَ فَجُعِلَتْ لَهُ النَّفْسُ وَ الْمَالُ تَابِعُؤُهُمْ فِي الدُّنْيَا أَحْسَنَ الْمُتَابِعَةِ بِالْبُرِّ وَ بَعْدَ الْمَوْتِ بِالدَّعَاةِ لَهُمْ وَ التَّرْحُمِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّهُ رُؤِ أَنَّهُ مَنْ بَرَّ أَبَاهُ فِي حَيَاتِهِ وَ لَمْ يَدْعُ لَهُ بَعِيدَ وَفَاتِهِ سَمَاءَهُ اللَّهُ عَاقًا وَ مُعَلِّمُ الْخَيْرِ وَ الدِّينِ يَقُؤْمُ مَقَامَ الْآبِ وَ يَجِبُ لَهُ مِثْلُ الَّذِي يَجِبُ لَهُ فَاعْرِفُوا حَقَّهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ حَقَّ الْأُمِّ الْأَزْمُ الْحَقُوقِ وَ أَوْجِبُ لِأَنَّهَا حَمَلَتْ حَيْثُ لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ وَقْتُ السَّمْعِ وَ الْبَصْرِ وَ جَمِيعِ الْجَوَارِحِ مَسْرُورَةً مُسْتَبْشِرَةً بِذَلِكَ فَحَمَلْتَهُ بِمَا فِيهِ مِنَ الْمَكْرُؤِ وَ الَّذِي لَا- يَضْرِبُ عَلَيْهِ أَحَدٌ رَضِيَّةً بَأَنَّ تَجُوعَ وَ يَشْبَعُ وَ تَطْمَأُ وَ يَزُؤِ وَ تَعْرِى وَ يَكْتَسِبُ وَ تَطْلُهُ وَ تَضْحَى فَلْيَكُنِ الشُّكْرُ لَهَا وَ الْبُرُّ وَ الرَّفْقُ بِهَا عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ وَ إِنْ كُنْتُمْ لَا- تَطِيقُونَ بِأَذْنِي حَقَّهَا إِلَّا بَعُونَ اللَّهَ وَ قَدْ قَرَنَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ حَقَّهَا بِحَقِّهِ فَقَالَ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ (۴۳) فقه الرضا علیه السلام: بر تو باد اطاعت از پدر و نیکی به او، و تواضع و خشوع و احترام او و پایین آوردن صدا در حضور او، زیرا پدر اصل پسر است و پسر فرع او، اگر او نبود خدا پسر را مقدر نمی کرد، در راه آنان مال و جاه و جان را فدا کنید. من روایت دارم که تو و مالت از پدرت است، جان و مال را از آن او دانسته، در دنیا به خوشی پیرو آنان باشید و با حق شناسی، و پس از مردن برایشان دعا کنید و برای آنها رحمت خواهید، زیرا روایت است: هر که پدرش را در حیاتش خدمت کند و پس از مردنش برایش دعا نکند خدا او را عاق نامیده، و همچنین استاد اخلاق خوب و مسائل دین، به جای پدر است، و حق او را دارد، حق او را بشناسید، و بدان که رعایت حق مادر واجب تر و لازم تر است، زیرا حمل کرده زمانی که کسی دیگر را حمل نکند و ننگهبانی کرده با گوش و دیده و همه اندام خود با شادی و خرمی تمام، و با خود برداشته ست با همه ناگواری، و آنچه کسی بر آن شکبیا نباشد، خواسته خودش گرسنه باشد و فرزندش سیر و تشنه باشد و او سیراب، و برهنه باشد و او پوشیده در سایه باشد و او برابر آفتاب، و باید تا می توانید با نیکی و نرمش از او تشکر کنید. اگر چه طاقت ادای حقش را ندارید جز به کمک خدا، و خدای عزوجل حق او را قرین حق خود ساخته که فرموده تشکر کن از من و پدر و مادرت که برگشت همگان به سوی من است. ۳- عَنْ عَبْدِ الْوَاحِدِ بْنِ مُخْتَارٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ عَلِيًّا أَحَدَ الْوَالِدَيْنِ اللَّذَيْنِ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ قَالَ زُرَّارَةُ فَكُنْتُ لَا أَدْرِي أَيُّهُنَّ آيَةٌ هِيَ الَّتِي فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ أَوِ الَّتِي فِي لُقْمَانَ قَالَ فَقَضَيْتُ أَنْ حَبَجْتُ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَخَلَوْتُ بِهِ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ حَدِيثٌ جَاءَ بِهِ عَبْدُ الْوَاحِدِ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ أَيُّهُنَّ آيَةٌ هِيَ الَّتِي فِي لُقْمَانَ أَوِ الَّتِي فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ فَقَالَ الَّتِي فِي لُقْمَانَ (۴۴) از عبدالواحد بن مختار آورده که وارد شدم بر امام پنجم علیه السلام، پس فرمود: آیا نمی دانی که حضرت علی علیه السلام یکی از والدین است چون خدای عزوجل فرموده این است که شکر کنی برای من و برای والدینت. راوی گفت: نفهمیدم کدام آیه است آنکه در سوره ی بنی اسرائیل یا آنکه در سوره ی لقمان است. تا اینکه به حج مشرف شده و خدمت حضرت اباجعفر امام باقر علیه السلام شرفیاب شدم. چون با حضرتش تنها شدم گفتم: قربانت شوم، حدیثی را عبدالواحد از قول شما گفته. فرمود: آری درست است. گفتم مقصود از آن کدام آیه است آنکه در سوره ی لقمان یا آنکه در سوره ی بنی اسرائیل است؟ فرمود: آنکه در سوره ی لقمان است. ۴- عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَيَّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ (۴۵) از جابر از امام پنجم علیه السلام نقل شده که می فرمود: وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ، منظور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام می باشند.

## آیه ی پنجم

(وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى وَالِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنَّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَ إِنِّي

مِنَ الْمُسْلِمِينَ) (۴۶) ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد؛ و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است؛ تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد می‌گوید: «پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی به جا آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که از آن خشنود باشی، و فرزندان مرا صالح گردان؛ من به سوی تو باز می‌گردم و توبه می‌کنم، و من از مسلمانانم!» ۱ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا حَمَلَتْ فَاطِمَةُ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا بِالْحَسَنِ بْنِ جَاءَ جَبْرَائِيلُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا سَيَتَلِدُ غُلَامًا تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ فَلَمَّا حَمَلَتْ فَاطِمَةُ بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَرِهَتْ حَمْلَهُ وَحِينَ وَضَعَتْهُ كَرِهَتْ وَضَعَهُ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَمْ تَرِي فِي الدُّنْيَا أُمَّ تَلِدُ غُلَامًا تَكْرَهُهُ وَ لِكِنَّهَا كَرِهَتْهُ لِمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ سَيُقْتَلُ قَالَ وَ فِيهِ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسَيْنًا حَمَلْتُهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعْتُهُ كُرْهًا وَ حَمَلَهُ وَ فَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا. (۴۷) امام صادق علیه السلام فرمودند: چون حضرت فاطمه سلام الله عليها به حسین آستن شد، جبرئیل نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد: همانا فاطمه سلام الله عليها پسری خواهد زائید که امت او را بعد از تو می‌کشند، چون حضرت فاطمه سلام الله عليها به امام حسین علیه السلام آستن شد خوشحال نبوده و حتی بعد از زایمان هم نیز خوشحال نبود. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: در دنیا مادری دیده نشده که پسری بزاید و خوشحال نباشد، ولی فاطمه سلام الله عليها خوشحال نبود، زیرا می‌دانست او کشته خواهد شد، و این آیه درباره‌ی او نازل شد «ما انسان را به نیکی نمودن نسبت به پدر و مادرش سفارش نموده‌ایم، مادرش او را به ناخوشی باردار شد و به ناخوشی زائید و بار داشتن و از شیر گرفتنش سی ماه بود». (۴۸) ۲ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ لَهُ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِمَوْلُودٍ يُوَلِّدُ مِنْ فَاطِمَةَ تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ فَقَالَ يَا جَبْرَائِيلُ وَ عَلَى رَبِّي السَّلَامُ لَا حَاجَةَ لِي فِي مَوْلُودٍ يُوَلِّدُ مِنْ فَاطِمَةَ تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي فَعَرَجَ ثُمَّ هَبَطَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ فَقَالَ يَا جَبْرَائِيلُ وَ عَلَى رَبِّي السَّلَامُ لَا حَاجَةَ لِي فِي مَوْلُودٍ تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي فَعَرَجَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ هَبَطَ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يُبَشِّرُكَ بِالسَّلَامِ وَ يُبَشِّرُكَ بِأَنَّهُ جَاعِلٌ فِي ذُرِّيَّتِهِ الْإِمَامَةَ وَ الْوَلَايَةَ وَ الْوَصِيَّةَ فَقَالَ قَدْ رَضِيْتُ ثُمَّ أَرْسَلَ إِلَى فَاطِمَةَ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُنِي بِمَوْلُودٍ يُوَلِّدُ لَكَ تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِ لَا حَاجَةَ لِي فِي مَوْلُودٍ مَنِي تَقْتُلُهُ أُمَّتِكَ مِنْ بَعْدِكَ فَأَرْسَلَ إِلَيْهَا أَنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ فِي ذُرِّيَّتِهِ الْإِمَامَةَ وَ الْوَلَايَةَ وَ الْوَصِيَّةَ فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِ أَنِّي قَدْ رَضِيْتُ «فَ حَمَلْتُهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعْتُهُ كُرْهًا وَ فَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سِنَهُ قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى وَالِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَصِلِحَ لِي فِي ذُرِّيَّتِي» فَلَوْلَا أَنَّهُ قَالَ أَصِلِحَ لِي فِي ذُرِّيَّتِي لَكَانَتْ ذُرِّيَّتُهُ كُلُّهُمْ أُمَّةً وَ لَمْ يَرْضَعْ الْحُسَيْنُ مِنْ فَاطِمَةَ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا وَ لَا - مِنْ أُنْتِي كَانَ يُؤْتَى بِهِ النَّبِيُّ فَيَضَعُ فِيهَا فِيهِ فَيَمُصُّ مِنْهَا مَا يَكْفِيهَا الْيَوْمَيْنِ وَ الثَّلَاثَ فَبَتَّ لَحْمَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ لَحْمِ رَسُولِ اللَّهِ وَ دَمِهِ وَ لَمْ يُولَدْ لِسِنِّهِ أَشْهُرٌ إِلَّا عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. (۴۹) امام صادق علیه السلام فرمودند: جبرئیل علیه السلام بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و گفت: ای محمد! خدا تو را مژده می‌دهد به مولودی که از فاطمه سلام الله عليها متولد شود و امت تو، او را بعد از تو می‌کشند. فرمود: ای جبرئیل! سلام به پروردگارم، مرا به مولودی که از فاطمه سلام الله عليها متولد شود و امت او را بکشند نیازی نیست، جبرئیل به آسمان بالا رفت و سپس فرود آمد و همان سخن را گفت، پیغمبر فرمود: ای جبرئیل! سلام به پروردگارم، مرا به مولودی که از فاطمه سلام الله عليها متولد شود و امت او را بکشند نیازی نیست، جبرئیل به آسمان بالا رفت و سپس فرود آمد و گفت: ای محمد! پروردگارت به تو سلام می‌رساند و تو را مژده می‌دهد که امامت و ولایت و وصیت را در ذریه‌ی آن مولود قرار می‌دهد، فرمود: راضی گشتم، سپس نزد فاطمه سلام الله عليها فرستاد که خدا مرا به مولودی مژده می‌دهد که از تو متولد می‌شود و پس از من امت او را می‌کشند، فاطمه سلام الله عليها پیغام داد که مرا به مولودی که امت تو او را پس از تو بکشند نیازی نیست، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیغام دادند که خدا امامت و ولایت و وصیت را در ذریه‌ی او قرار داده، حضرت زهرا سلام الله عليها هم پیغام دادند که من راضی



گشتم. «پس به ناخوشی آبتن شد و به ناخوشی زائید و از آبتن شدن تا از شیر گرفتن سسی ماه بود، و چون به قوت رسید و چهل ساله شد، گفت: پروردگارا! مرا وادار کن تا نعمت تو را که به من و به پدر و مادرم انعام کرده‌ای سپاسگزارم و عملی شایسته کنم که پسند تو باشد و بعضی از فرزندانم را شایسته کن» اگر او نمی‌فرمود: بعضی از فرزندانم را شایسته کن، همه فرزندان آن حضرت امام می‌شدند، و امام حسین علیه السلام از حضرت فاطمه سلام الله علیها و از هیچ زن دیگر شیر نخورد، بلکه او را خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌آورده و آن حضرت انگشت ابهامشان را در دهان ایشان می‌گذازدند و حضرتش به اندازه‌ای که دو روز و سه روز را کفایت کند، از آن می‌مکید، پس گوشت امام حسین علیه السلام از گوشت و خون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روئید و فرزندی شش ماهه متولد نشد، جز حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام و حضرت حسین بن علی علیهما السلام. ۳ - عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ آبَائِهِ: قَالَ: نَزَلَ جَبْرَيْلُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّهُ يُؤَلِّدُ لَكَ مَوْلُودًا تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ فَقَالَ يَا جَبْرَيْلُ لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ مِنْهُ الْأَثَمَةَ وَالْأَوْصِيَاءَ قَالَ وَجَاءَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَى فَاطِمَةَ سَلَامَ اللَّهُ عَلَيْهَا فَقَالَ لَهَا إِنَّكَ تَلِدِينَ وَلَدًا تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي فَقَالَتْ لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ فَخَاطَبَهَا ثَلَاثًا ثُمَّ قَالَ لَهَا إِنَّ مِنْهُ الْأَثَمَةَ وَالْأَوْصِيَاءَ فَقَالَتْ نَعَمْ يَا أَبَتِي فَحَمَلْتُ بِالْحَسَنِ بِالْحَسَنِ فَلَمَّا وَضَعَتْهُ اللَّهُ وَمَا فِي بَطْنِهَا مِنْ إِبْلِيسَ فَوَضَعَتْهُ لِسِتَّةِ أَشْهُرٍ وَلَمْ يُسْمَعْ بِمَوْلُودٍ وَلِدَ لِسِتَّةِ أَشْهُرٍ إِلَّا الْحُسَيْنُ وَيَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَلَمَّا وَضَعَتْهُ وَضَعَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِسَانَهُ فِي فِيهِ فَمَضَّهْهُ وَلَمْ يَرْضَعْ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ أَنْثَى حَتَّى نَبَتَ لَحْمُهُ وَدَمُهُ مِنْ رِيقِ رَسُولِ اللَّهِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا. (۵۰) حسین بن زید از آباء گرام خود: نقل کرد که جبرئیل بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده عرض کرد: یا محمّد فرزندی برایت متولد خواهد شد که امتت او را پس از تو خواهند کشت. فرمود: من نیاز به چنین فرزندی ندارم. گفت: ائمه و پیشوایان دین از نژاد او خواهند بود. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیش حضرت فاطمه سلام الله علیها آمده و فرمودند: تو را فرزندی خواهد بود که پس از من امتم او را می‌کشند. عرض کرد نیاز به چنین فرزندی ندارم سه مرتبه این سخن را برایش تکرار کرد. سپس فرمود: از نژاد او ائمه و جانشینان من خواهند بود. حضرت فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها قبول کرده و بعد به حضرت امام حسین علیه السلام حامله شد خداوند فرزند او را از شیطان حفظ نمود و در شش ماهگی متولد شد و فرزندی شش ماهه متولد نشده جز حضرت امام حسین علیه السلام و یحیی بن زکریا علیهما السلام. پس از زایمان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زبانشان در دهان او گذاشته و حضرتش مکید. آن جناب از زنی شیر نوشید تا وقتی که گوشت و خونس از لعاب دهان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روئید و این مطلب تفسیر این آیه‌ی شریفه است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا». ۴ - عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ الْمُثَنَّى الْهَاشِمِيُّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُعِلَتْ فِدَاكَ مِنْ أَيْنَ جَاءَ لَوْلَدِ الْحُسَيْنِ الْفَضْلُ عَلَى وُلْدِ الْحَسَنِ وَهُمَا يَجْرِيَانِ فِي شَرِّعٍ وَوَاحِدٍ فَقَالَ لَا أَرَاكُمْ تَأْخُذُونَ بِهِ إِنَّ جَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَمَا وُلِدَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدُ فَقَالَ لَهُ يُؤَلِّدُ لَكَ غُلَامًا تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ فَقَالَ يَا جَبْرَيْلُ لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ فَخَاطَبَهُ ثَلَاثًا ثُمَّ دَعَا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ إِنَّ جَبْرَيْلَ يُخْبِرُنِي عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ يُؤَلِّدُ لَكَ غُلَامًا تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ فَقَالَ لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَخَاطَبَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَلَاثًا ثُمَّ قَالَ إِنَّهُ يَكُونُ فِيهِ وَفِي وُلْدِهِ الْإِمَامِيَّةُ وَالْوَرَاثَةُ وَالْخِزَانَةُ فَارْسَلْ إِلَى فَاطِمَةَ سَلَامَ اللَّهُ عَلَيْهَا أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي فَقَالَتْ فَاطِمَةُ لَيْسَ لِي فِيهِ حَاجَةٌ يَا أَبَتِي فَخَاطَبَهَا ثَلَاثًا ثُمَّ أَرْسَلَ إِلَيْهَا لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ فِيهِ الْإِمَامِيَّةُ وَالْوَرَاثَةُ وَالْخِزَانَةُ فَقَالَتْ لَهُ رَضَيْتَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَعَلَقْتُ وَحَمَلْتُ بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَحَمَلْتُ سِتَّةَ أَشْهُرٍ ثُمَّ وَضَعَتْهُ وَلَمْ يَعِشْ مَوْلُودٌ قَطُّ لِسِتَّةِ أَشْهُرٍ غَيْرِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَكَفَلْتُهُ أُمُّ سَيْلَمَةَ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَاتِيهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَيَضَعُ لِسَانَهُ فِي فَمِ الْحُسَيْنِ فَيَمُصُّهُ حَتَّى يَرَوِي فَأَنْبَتَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَحْمَهُ مِنْ لَحْمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَلَمْ يَرْضَعْ مِنْ فَاطِمَةَ سَلَامَ اللَّهُ عَلَيْهَا وَلَا مِنْ غَيْرِهَا لَبْنًا قَطُّ فَلَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ

أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي فَلَوْ  
 قَالَ أَصْلِحْ لِي ذُرِّيَّتِي كَانُوا كُلُّهُمْ أُمَّةً وَلَكِنْ خَصَّ هَكَذَا. (۵۱) عبدالرحمن بن مثنی هاشمی گفت: به حضرت صادق علیه السلام  
 گفتم فدایت شوم چه شد فرزندان امام حسین علیه السلام بر فرزندان امام حسن علیه السلام برتری یافتند با اینکه این هر دو دارای  
 مزیت واحد هستند. فرمود: خیال نمی‌کنم شما قبول کنید بعد از توضیحی که می‌دهم. جبرئیل بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله  
 و سلم نازل شد با اینکه هنوز حضرت امام حسین علیه السلام متولد نشده بود گفت: برایت پسری متولد خواهد شد که امت تو او را  
 بعد خواهند کشت. فرمود: جبرئیل من احتیاج به چنین فرزندی ندارم. سه مرتبه در این مورد با او صحبت کرد. سپس حضرت علی  
 علیه السلام را خواست و به او فرمود: جبرئیل برایم خبر آورده که برای تو فرزندی متولد خواهد شد که امت من او را خواهند  
 کشت. حضرت علی علیه السلام فرمود: مرا حاجتی به چنین فرزندی نیست. پیامبر سه مرتبه با او راجع به این موضوع صحبت  
 می‌کرد. سپس به او فرمود: امامت به او و فرزندانش خواهد رسید، همچنین وراثت و اختیارات مالی در دست او است. پیامبر اکرم  
 صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها پیغام داد که خداوند به تو فرزندی خواهد داد که او را امت من، خواهند  
 کشت. عرض کرد: مرا حاجت به چنین فرزندی نیست سه مرتبه با او در این مورد صحبت کرد و فرمود امامت و وراثت و اختیارات  
 مالی با او خواهد بود. حضرت فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها فرمود: از خدا خشنودم. لذا به حضرت امام حسین علیه السلام حامله شد  
 و شش ماه حامله بود، بعد زایمان نمود و هیچ مولودی در شش ماهگی متولد نشده که زنده بماند مگر حسین بن علی علیهما السلام  
 و عیسی بن مریم علیهما السلام. ام سلمه او را پرستاری نمود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هر روز پیش او می‌آمد زبان  
 خود را در دهان امام حسین علیه السلام می‌گذاشت، ایشان می‌مکید تا سیر می‌شد. خداوند گوشت او را از گوشت پیامبر رویانید.  
 هرگز از حضرت فاطمه سلام الله علیها و دیگر زنان شیر نخورد تا وقتی که این آیه درباره‌ی او نازل شد «وَ حَمَلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ  
 شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ  
 وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي» اگر در این آیه گفته بود «أَصْلِحْ ذُرِّيَّتِي» فرزندانم را اصلاح کن تمام آنها امام می‌شدند ولی با این لفظ  
 اختصاص به گروهی خاص داد. ۵ - وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا قَالَ: الْإِحْسَانُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ قَوْلُهُ بِوَالِدَيْهِ  
 إِنَّمَا عَنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ثُمَّ عَطَفَ عَلَى الْحُسَيْنِ فَقَالَ حَمَلْتُهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعْتَهُ كُرْهًا وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ أَخْبَرَ رَسُولُ اللَّهِ  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ بَشَّرَهُ بِالْحُسَيْنِ قَبْلَ حَمَلِهِ وَ أَنَّ الْإِمَامِيَّةَ تَكُونُ فِي وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ أَخْبَرَهُ بِمَا يَصِيْبُهُ مِنَ الْقَتْلِ وَ  
 الْمُصَابَةِ فِي نَفْسِهِ وَ وُلْدِهِ ثُمَّ عَوَّضَهُ بِأَنْ جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِي عَقِبِهِ وَ أَعْلَمَهُ أَنَّهُ يُقْتَلُ ثُمَّ يَرُدُّهُ إِلَى الدُّنْيَا وَ يَنْصُرُهُ حَتَّى يَقْتُلَ أَعْدَاءَهُ وَ يَمْلِكَهُ  
 الْأَرْضَ وَ هُوَ قَوْلُهُ «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا فِي الْأَرْضِ» (۵۲) الْآيَةُ وَ قَوْلُهُ «وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ  
 يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (۵۳) فَبَشَّرَ اللَّهُ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ أَنَّ أَهْلَ بَيْتِكَ يَمْلِكُونَ الْأَرْضَ وَ يَزْجِعُونَ إِلَيْهَا وَ يَقْتُلُونَ  
 أَعْدَاءَهُمْ فَأَخْبَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فَاطِمَةَ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا بِخَبَرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَتْلِهِ فَحَمَلْتُهُ كُرْهًا ثُمَّ قَالَ  
 أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَهَلْ رَأَيْتُمْ أَحَدًا يُبَشِّرُهُ بِوَلَدٍ ذَكَرَ فَيَحْمِلُهُ كُرْهًا أَوْ إِنَّمَا اغْتَمَّتْ وَ كَرِهَتْ لِمَا أُخْبِرَتْ بِقَتْلِهِ وَ وَضَعْتَهُ كُرْهًا لِمَا  
 عَلِمَتْ مِنْ ذَلِكَ وَ كَانَ بَيْنَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ طَهْرٌ وَاحِدٌ وَ كَانَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَ فِصَالُهُ  
 أَرْبَعَةَ وَ عَشْرُونَ شَهْرًا وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ حَمَلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا. (۵۴) در تفسیر علی بن ابراهیم در ذیل این آیه: «ما به بشر  
 توصیه کردیم که به والدین خود احسان نماید»، فرمود: منظور از احسان، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و منظور از  
 والدین، امام حسن و امام حسین علیهما السلام هستند. آنگاه درباره‌ی امام حسین علیه السلام فرمود: حَمَلْتُهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعْتَهُ كُرْهًا.  
 زیرا خدای علیم قبل از انعقاد نطفه‌ی امام حسین علیه السلام رسول عزیز خود را به وجود امام حسین علیه السلام و اینکه مقام امامت  
 تا روز قیامت نصیب فرزندان وی خواهد شد بشارت و مژده داده بود، آنگاه آن حضرت را از آن مصائبی که حسین علیه السلام و  
 فرزندانش: دچار می‌شوند آگاه نمود. سپس مقام امامت را در عوض آن مصائب به فرزندانش خواهد داد، پیغمبر خود را خبر داده

بود که حسین علیه السلام کشته خواهد شد. سپس خدا او را به دنیا باز می‌گرداند و وی را یاری می‌کند تا دشمنان خود را به قتل برساند و زمین را مُلک او خواهد کرد. منظور از این آیه که می‌فرماید: «ما اراده کرده‌ایم بر آن افرادی که در زمین ناتوان شده‌اند مَنّت بگذاریم» همین موضوع است و نیز در این باره می‌فرماید: «بعد از قرآن در زبور نوشتیم که بندگان نیکوکار من وارث زمین خواهند شد». خدا بدین وسیله به رسول خود خبر داده که اهل بیتش مالک زمین می‌شوند و به سوی زمین باز می‌گردند و دشمنان خویشتن را می‌کشند. پس از این جریان بود که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم حضرت فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها را از اوضاع فرزندش آگاه کرد و حضرت زهرا سلام الله علیها با اکراه، به حضرت امام حسین علیه السلام حامله شد. سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود: آیا کسی را دیده‌اید که مژده پسر به وی دهند و او با اکراه به وی حامله شود؟! یعنی وقتی او از قتل وی آگاه شود مغموم و غصه‌دار گردد و موقعی که وی را بزاید ناراحت شود. فاصله بین ولادت امام حسن و امام حسین علیهما السلام یک پُهر بود. امام حسین علیه السلام مدّت شش ماه در رحم مادرش بود و مدّت بیست و چهار ماه شیر خورد و این است معنی قول خداوند علیم که می‌فرماید: مدّت حمل و شیرخواری او سی ماه بود. ۶ - قَالَ سَمِعْتُ أَبَاعَبْدِاللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: أَتَى جَبْرَيْلُ رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ لَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ أَلَا أُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ فَقَالَ لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ قَالَ فَانْقَضَ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِ الثَّانِيَةَ فَقَالَ مِثْلَ ذَلِكَ فَقَالَ لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ فَانْعَرَجَ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ انْقَضَ عَلَيْهِ الثَّالِثَةَ فَقَالَ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ فَقَالَ لِي فِيهِ فَقَالَ إِنَّ رَبِّكَ جَاعِلٌ الْوَصِيَّةَ فِي عَقِبِهِ فَقَالَ نَعَمْ ثُمَّ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ فَدَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا إِنَّ جَبْرَيْلَ أَتَانِي فَبَشَّرَنِي بِغُلَامٍ تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي فَقَالَ لِي فِيهِ فَقَالَ لَهَا إِنَّ رَبِّي جَاعِلٌ الْوَصِيَّةَ فِي عَقِبِهِ فَقَالَتُ نَعَمْ إِذْنًا قَالَ فَانزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عِنْدَ ذَلِكَ هَيْدَهُ الْأَيَّةَ فِيهِ حَمَلْتُهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعْتُهُ كُرْهًا لِمَوْضِعِ إِعْلَامِ جَبْرَيْلَ إِيَّاهَا بِقَتْلِهِ فَحَمَلْتُهُ كُرْهًا بِأَنَّهُ مَقْتُولٌ وَوَضَعْتُهُ كُرْهًا لِأَنَّهُ مَقْتُولٌ. (۵۵)

راوی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند شنیدم که فرمودند: جبرئیل علیه السلام محضر مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مشرف شد و عرضه داشت: ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم سلام بر تو، آیا تو را به فرزندی که امت بعد از تو او را می‌کشند بشارت ندهم؟! حضرت فرمودند: من را به آن نیازی نیست. امام صادق علیه السلام فرمودند: جبرئیل به آسمان رفت سپس برای بار دوم نازل شد و نزد حضرت آمد و به آن جناب همان گفتار اولی را عرض نمود. حضرت فرمودند: من را به آن نیازی نیست. پس جبرئیل به آسمان عروج کرد و بعد برای بار سوم محضر حضرت مشرف شد و همان گفتار را تکرار کرد. حضرت فرمودند: من را به آن نیازی نیست. جبرئیل عرض کرد: پروردگارت اوصیاء را در نسل او قرار می‌دهد. حضرت فرمودند: بسیار خوب پذیرفتم. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حرکت کرده تا بر حضرت فاطمه سلام الله علیها وارد شدند و فرمودند: جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و مرا به فرزندی که پس از من امت او را می‌کشند بشارت داد. حضرت فاطمه سلام الله علیها عرض کردند: من را به او نیازی نیست. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: پروردگارم اوصیاء را در نسل او قرار می‌دهد. حضرت فاطمه سلام الله علیها عرضه داشتند: بسیار خوب پذیرفتم. امام صادق علیه السلام فرمودند: در این هنگام حق تعالی این آیه را نازل کرد: حَمَلْتُهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعْتُهُ كُرْهًا (زیرا جبرئیل کشتن آن فرزند نمود را اعلام نمود) فَحَمَلْتُهُ كُرْهًا (یعنی کراهت داشت از اینکه کشته می‌شود) وَوَضَعْتُهُ كُرْهًا (زیرا جبرئیل خبر داد که او کشته می‌شود). تذکر: شاید در ابتدا به ذهن خوانندگان محترم خطور کند که این روایات غالباً تکراریست ولی اگر با دقت تمام به روایات نگاه کنند می‌بینند که در هر روایتی مطلب خاصی بیان شده است. ۷ - ابْنُ شَهْرَآشُوبَ فِي الْمَنَاقِبِ، كَانَ الْهَيْتَمُ فِي جَيْشٍ فَلَمَّا جَاءَ جَاءَتْ امْرَأَتُهُ بَعْدَ قُدُومِهِ لِسِتِّهِ أَشْهُرٍ بَوْلِدٍ فَأَنْكَرَ ذَلِكَ مِنْهَا وَجَاءَ إِلَى عُمَرَ وَقَصَّ عَلَيْهِ فَأَمَرَ بِرَجْمِهَا فَأَذْرَكَهَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُرْجَمَ ثُمَّ قَالَ لِعُمَرَ ارْزُقْ عَلَيَّ نَفْسِكَ إِنَّهَا صَدَقَتْ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا وَقَالَ وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ فَالْحَمْلُ وَالرِّضَاعُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا فَقَالَ عُمَرُ لَوْلَا- عَلَيَّ لَهْلَكْتَ عُمَرُ وَحَلَى سَبِيلَهَا وَالْحَقُّ الْوَلَمَدَ بِالرَّجْلِ. (۵۶) ابن شهر آشوب روایت کرده که یک نفر از لشکریان به نام هیثم چون از سفر باز آمد زن او بعد از شش ماه زائید هیثم انکار ولد نمود او را نزد عمر برده و قضیه را گفتند عمر حکم کرد زن را



سنگسار کنند، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام پیش از اجرای حکم به عمر فرمود: این زن زنا نکرده اینک کتاب خدا است که خبر می‌دهد و حمله و فاصله ثلاثون شهراً یعنی مدت حمل و رضاع سی ماه است و نیز فرموده: وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ پس هر گاه زنان اطفال را مدت دو سال که بیست و چهار ماه است شیر بدهند برای مدت حمل شش ماه کافیست عمر فوراً زن را رها ساخت و طفل را به پدرش ملحق نمود و گفت: «لَوْلَا عَلِيُّ لَهْلَكَ عُمَرُ».

### آیه‌ی ششم

(قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَاهُمْ وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ لَا - تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَ صَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ) (۵۷) بگو: «بیاید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده‌ست برایتان بخوانم: اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید! و به پدر و مادر نیکی کنید! و فرزندانتان را از (ترس) فقر، نکشید! ما شما و آنها را روزی می‌دهیم؛ و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان! و انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید! مگر به حق (و از روی استحقاق)؛ این چیز است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، شاید درک کنید! ۱ - عَنِ الْفَضْلِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: نَحْنُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ وَ مِنْ فُرُوعِنَا كُلِّ بَرٍّ وَ مِنَ الْبِرِّ التَّوْحِيدُ وَ الصَّلَاةُ وَ الصِّيَامُ وَ كَظْمُ الْغَيْظِ وَ الْعَفْوُ عَنِ الْمَسِيءِ وَ رَحْمَةُ الْفَقِيرِ وَ تَعَاهُدُ الْجَارِ وَ الْإِقْرَارُ بِالْفَضْلِ لِأَهْلِهِ وَ عَدْوَانَا أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ وَ مِنْ فُرُوعِهِمْ كُلُّ قَيْبِحٍ وَ فَاحِشَةٍ فَمِنْهُمْ الْكَذِبُ وَ النَّمِيمَةُ وَ الْبُخْلُ وَ الْقَطِيعَةُ وَ أَكْلُ الرِّبَا وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ بِغَيْرِ حَقِّهِ وَ تَعَدْيُ الْحُدُودِ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رُكُوبُ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ مِنَ الزَّنا وَ السَّرِقَةِ وَ كُلُّ مَا وَافَقَ ذَلِكَ مِنَ الْقَيْبِحِ وَ كَذَبَ مَنْ قَالَ إِنَّهُ مَعَنَا وَ هُوَ مُتَعَلِّقٌ بِفَرْعٍ غَيْرِنَا. (۵۸) فضل به اسناد خود از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که فرمودند: ما اصل هر خوبی هستیم و از ما هر نیکی جوانه می‌زند، و از جمله خوبی‌ها است: توحید، نماز و روزه، فرو بردن خشم، گذشت از گناهکار و رحم به تهیدست، مواظبت از همسایه و اعتراف به شخصیت اشخاص خوب. دشمن ما نیز ریشه هر بدیست و از آنها هر کار زشت و قبیحی جوانه می‌زند از جمله آنها دروغ‌گویی، سخن چینی، بخل، قطع خویشاوندی، رباخواری، خوردن مال یتیم و تجاوز از حدی که خدا امر کرده و انجام گناهان ظاهر و پنهان، زنا، دزدی و هر کار زشت دیگر و دروغ می‌گوید کسی که ادعای محبت ما می‌کند ولی با کارهای ناپسند با دشمنان ما پیوسته است. ۲ - عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَضَّلَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ كَيْفَ لَا يَكُونُ كَذَلِكَ وَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا فَقَدْ طَهَّرَنَا اللَّهُ مِنَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ فَتَحْنُ عَلَيَّ مِنْهَا الْحَقُّ. (۵۹) حضرت جعفر بن محمد از پدرش: نقل فرموده که حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: خداوند ما اهل بیت را فضیلت بخشیده و چگونه چنین نباشد با اینکه در آیه می‌فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا» یعنی خداوند ما را از زشتی‌ها چه آشکارا و چه پنهان تطهیر نموده و ما بر طریقه‌ی حق هستیم. ۳ - تفسیر القمی قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا (۶۰) قَالَ الْوَالِدَانِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (۶۱) در تفسیر قمی در ذیل این آیه که خداوند می‌فرماید: «بگو بیاید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده‌ست برایتان بخوانم: اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید» آمده که فرمود پدران شما حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام هستند. ۴ - قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: إِنَّا أَوَّلُ أَهْلِ بَيْتِ قَدْ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنَّا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ. (۶۲) از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود ما خانواده‌ای هستیم که خداوند پلیدی‌های پنهان و آشکار را از ما برطرف نموده است. ۵ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: لِلْمُؤْمِنِ اثْنَانِ وَ سَبْعُونَ سِتْرًا فَإِذَا أَذْنَبَ ذَنْبًا انْتَهَكَتْ عَنْهُ سِتْرٌ فَإِنْ تَابَ رَدَّ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ سَبَعَةٌ مَعَهُ وَ إِنْ أَبِي إِلَّا قَدْ مَدَّ فِي

الْمَعَاصِي تَهْتَكْت عَنْهُ أَسْتَارُهُ فَإِنْ تَابَ رَدَّهَا اللَّهُ إِلَيْهِ وَمَعَ كُلِّ سِتْرٍ مِنْهَا سَبْعَةٌ فَإِنْ أَبِي إِلَّا قُدَمَا قُدَمَا فِي الْمَعَاصِي تَهْتَكْت أَسْتَارُهُ وَبَقِيَ بِلَا سِتْرٍ وَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ مَلَائِكَتِهِ أَنْ اسْتُرُوا عِبْدِي بِأَجْنِحَتِكُمْ فَإِنَّ بَنِي آدَمَ يُغَيِّرُونَ وَلَا يُغَيِّرُونَ وَأَنَا أُغَيِّرُ وَلَا أُغَيِّرُ فَإِنْ أَبِي إِلَّا قُدَمَا قُدَمَا فِي الْمَعَاصِي شَدَّكَ الْمَلَائِكَةُ إِلَيَّ رَبِّهَا وَرَفَعَتْ أَجْنِحَتَهَا وَقَالَتْ يَا رَبُّ إِنَّ عَبْدَكَ هَذَا قَدْ أَفْذَرْنَا مِمَّا يَأْتِي مِنَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ قَالَ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُمْ كُفُّوا عَنْهُ أَجْنِحَتِكُمْ فَلَوْ عَمِلَ الْخَطِيئَةَ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ أَوْ فِي ضَوْءِ النَّهَارِ أَوْ فِي مَفَازَةٍ أَوْ قَعْرِ بَحْرٍ لَا جَرَاهَا اللَّهُ تَعَالَى عَلَى أَلْسِنَةِ النَّاسِ فَاسْدَأُوا اللَّهُ تَعَالَى أَنْ لَا يَهْتِكَ أَسْتَارَكُمْ. (۶۳) رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: برای هر مؤمنی هفتاد و دو پرده (حیا) وجود دارد، اگر یک گناه مرتکب شود، یک پرده حیا او پاره می‌شود، اگر توبه کند خداوند مهربان، آن پرده را ترمیم و به آن هفت پرده اضافه می‌کند، اما اگر کسی خیره سری کند و قدم به قدم به وادی گناهان وارد شود، همه‌ی پرده‌های حُجب و حیا او از بین می‌رود، اما اگر توبه کند، باز خدا پرده‌ها را به اضافه هفت پرده ترمیم می‌کند، ولی اگر باز راه خیره سری و عصیان را پیش گیرد، در این صورت بدون پرده حیا می‌ماند! آنگاه خداوند متعال به فرشتگان دستور می‌دهد: بنده‌ی مرا با بال و پر خود بپوشانید، زیرا فرزندان آدم تغییر می‌کنند، اما تغییر نمی‌دهند، ولی من تغییر می‌دهم، اما خود تغییرپذیر نیستم. ولی اگر آن بنده، باز هم گام به گام به سوی گناهان پیش برود، فرشتگان به درگاه الهی شکایت می‌کنند و پر و بال خویش را کنار می‌گیرند، و می‌گویند: پروردگارا! این بنده تو به خاطر گناهان آشکار و پنهانی خود، ما را آزرده، و ناراحت کرده است! آنگاه خداوند متعال به فرشتگان می‌گوید: پر و بال خویش را از او برگیرید، از این پس اگر او، در شب تاریک یا روز روشن، و یا در بیابان یا در عمق دریا مرتکب گناه شود، خداوند گناهان او را (به اطلاع افراد می‌رساند) و به زبان آنان جاری می‌گرداند (تا رسوا شود) بنابراین، از خداوند متعال بخواهید، که پرده آبروی شما را پاره نکند.

## آیه‌ی هفتم

(وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۶۴)) و به مال یتیم، جز به بهترین صورت (و برای اصلاح)، نزدیک نشوید، تا به حد رشد خود برسد! و حق پیمانانه و وزن را به عدالت ادا کنید! هیچ کس را، جز به مقدار توانایش، تکلیف نمی‌کنیم و هنگامی که سخنی می‌گویید، عدالت را رعایت نمایید، حتی اگر در مورد نزدیکان (شما) بوده باشد و به پیمان خدا وفا کنید، این چیز است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، تا متذکر شوید! ۱ - عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَكُمْ بِالْكُوفَةِ يَغْتَدِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنَ الْقَصِيرِ فَيَطُوفُ فِي أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ سُوقًا سُوقًا وَمَعَهُ الدَّرَّةُ عَلَى عِيَانَتِهِ وَكَانَ لَهَا طَرْفَانِ وَكَانَتْ تُسَمَّى السَّبِيَّةَ قَالَ فَيَقِفُ عَلَى أَهْلِ كُلِّ سُوقٍ فَيُنَادِي فِيهِمْ يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ قَدِمُوا الْإِسْتِخَارَةَ وَ تَبَرَّكُوا بِالشُّهُولَةِ وَ اقْتَرَبُوا مِنَ الْمُتَبَاعِينَ وَ تَزَيَّنُوا بِالْحِلْمِ وَ تَنَاهَوْا عَنِ الْيَمِينِ وَ جَانَبُوا الْكَذِبَ وَ تَجَافَوْا عَنِ الظُّلْمِ وَ أَنْصَتُوا الْمَظْلُومِينَ وَ لَا تَقْرَبُوا الرِّبَا وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ قَالَ فَيَطُوفُ فِي جَمِيعِ الْأَسْوَاقِ الْأَسْوَاقِ الْكُوفَةِ ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَقْعُدُ لِلنَّاسِ قَالَ وَ كَانُوا إِذَا نَظَرُوا إِلَيْهِ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْهِمْ قَالَ يَا مَعْشَرَ النَّاسِ أَمْسِكُوا أَيْدِيَهُمْ وَ اصْغُوا إِلَيْهِ بِأَذَانِهِمْ وَ رَمَقُوهُ بِأَعْيُنِهِمْ حَتَّىٰ يَفْرُغَ مِنْ كَلَامِهِ فَإِذَا فَرَّغَ قَالُوا السَّمْعُ وَ الطَّاعِيَةُ يَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ. (۶۵) از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: امیرالمؤمنین علی علیه السلام در کوفه هر روز در بازارها با تازیانه‌ای که بر دوش مبارکش بود گردش می‌کرد و ندا می‌داد که: ای صنف تاجر و کاسب! از خدا بترسید، از او طلب خیر کنید، و از آسان‌گیری برکت خواهید، و با خریداران صمیمی باشید، و با بردباری خود را بیارید، و یک دیگر را از قسم خوردن باز دارید، و از دروغگویی دوری جوید، و خود را از ظلم دور دارید، و با مظلومان (و مغبون شدگان) با انصاف رفتار کنید، و به ربا نزدیک مشوید، و «پیمانانه و ترازو را تمام پیمایید و وزن کنید، و از حق مردم چیزی مکاهید، و در زمین به فسادگری مپردازید» بدین گونه در همه‌ی بازارها و فروشگاه‌های کوفه گردش می‌کرد، و پس از

آن بازمی گشت و به فیصله دادن امور مردم می پرداخت و هنگامی که مردم حضرتش را می دیدند که به سوی بازار می آید و می فرماید: «ای مردم!» دست از کار می کشیدند و خوب به سخنان او گوش می دادند، و به حضرتش می نگریستند تا آنگاه که از سخن گفتن باز می ایستاد؛ و چون سخنان حضرتش به پایان می رسید می گفتند: شنیدیم، اطاعت می کنیم، ای امیرالمؤمنین! ۲ - تفسیر القمی «وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (۶۶) يَعْنِي بِالْمَعْرُوفِ وَلَا يُشِيرَفُ. (۶۷) در تفسیر قمی در ذیل این آیه آمده: و جز به بهترین صورت مال یتیم نزدیک نشوید یعنی در کارهای خیر و خوب مال او را مصرف کرده از اسراف بپرهیزید. ۳ - عَنْ وَشِيكَةَ قَالَ: رَأَيْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَتَرَزُّ فَوْقَ سُرَّتِهِ وَ يَرْفَعُ إِزَارَهُ إِلَى أَنْصَافِ سَاقَيْهِ وَ يَبْدِيهِ دِرَّةً (۶۸) يَدُورُ فِي السُّوقِ يَقُولُ اتَّقُوا اللَّهَ وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ كَأَنَّهُ مُعَلِّمٌ صَبِيَّانٍ. (۶۹) از وشيکه نقل شده که گفت: حضرت علی علیه السلام را دیدم شلواری پوشیده که قسمت بالایی آن تا بالای ناف و پارچه‌ها تا نصف ساق پا می رسید و تازیانه‌ای به دست داشت و دور بازار می گشت و می فرمود: «از خدا بترسید، و پیمانها را برکنید... تو گویی معلم کودکان است».

### آیه هشتم

«وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (۷۰) این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راه‌های پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می سازد! این چیز است که خداوند شما را به آن سفارش می کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید! ۱ - تفسیر القمی: وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ (۷۱) قَالَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ الْإِمَامُ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ يَعْنِي غَيْرَ الْإِمَامِ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ يَعْنِي تَفَرَّقُوا وَ تَخْتَلَفُوا فِي الْإِمَامِ. (۷۲) تفسیر قمی: در ذیل آیه أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ فرمود صراط مستقیم امام علیه السلام است از او پیروی کنید و لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ و پیروی از غیر امام نکنید فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ که موجب اختلاف و تفرقه شما درباره‌ی امام خواهد شد. ۲ - عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ (۷۳) قَالَ: نَحْنُ السَّبِيلُ فَمَنْ أَبِي فَهَذِهِ السُّبُلُ ثُمَّ قَالَ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ يَعْنِي كَيْ تَتَّقُوا. (۷۴) از ابوبصیر از حضرت باقر علیه السلام در مورد این آیه نقل شده که فرمود: هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ. فرمود: ما راه مستقیم هستیم هر که از راه ما دور شود به راه‌های دیگری رفته‌ست (که موجب کفر او می شود) آنگاه خداوند می فرماید: ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ این سفارش خدا به شما است تا موجب پرهیزگاری شما گردد. ۳ - عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ قَالَ: أَلْ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ الصِّرَاطُ الَّذِي ذَلَّ عَلَيْهِ. (۷۵) از حضرت باقر علیه السلام در خصوص آیه‌ی: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ» (۷۶) نقل شده که فرمود: آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم راهی هستند که خداوند به آن راهنمایی می کند. ۴ - عَنْ أَبِي بَرْزَةَ قَالَ بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ إِذْ قَالَ وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ فَقَالَ رَجُلٌ أَلَيْسَ إِنَّمَا يَعْنِي اللَّهُ فَضَّلَ هَذَا الصِّرَاطَ عَلَيَّ مَا سِوَاهُ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ هَذَا جِزَاؤُكَ يَا فُلَانُ أَمَا قَوْلُكَ فَضَّلَ الْإِسْلَامَ عَلَيَّ مَا سِوَاهُ فَكَذَلِكَ وَ أَمَا قَوْلُ اللَّهِ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَانِّي قُلْتُ لِرَبِّي مُقْبِلًا عَنْ عَزْوَةِ تَبُوكَ الْاُولَى اللَّهُمَّ إِنِّي جَعَلْتُ عَلَيْنَا بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا تُبُوءَ لَهُ مِنْ بَعْدِي فَصَدَّقَ كَلَامِي وَ أَنْجَزَ وَعْدِي وَ اذْكَرَ عَلَيْنَا كَمَا ذَكَرْتَ هَارُونَ فَإِنَّكَ قَدْ ذَكَرْتَ اسْمَهُ فِي الْقُرْآنِ فَقَرَأَ آيَةً فَأَنْزَلَ تَصْدِيقَ قَوْلِي «هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ» (۷۷) وَ هُوَ هَذَا جَالِسٌ عِنْدِي فَاقْبَلُوا نَصِيحَتَهُ وَ اسْمِعُوا قَوْلَهُ فَإِنَّهُ مِنْ يَسْبُئِي يَسْبُئُ اللَّهَ وَ مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي. (۷۸) ابی برزه گفت: در خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بودیم آن جناب به حضرت علی علیه السلام اشاره نموده، این آیه را خواند و أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ تا آخر آیه. مردی عرض کرد: یا رسول الله مگر منظور از آیه این نیست که خدا این راه (یعنی اسلام را) را بر تمام راه‌ها برتری داده. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: این ستمیست که تو درباره‌ی علی علیه السلام

روا می‌داری امّا آنچه گفتمی که خداوند اسلام را بر سایر ادیان برتری داده صحیح است امّا این آیه موقعی نزول یافت که من از جنگ تبوک بازمی‌گشتم. عرض کردم: پروردگارا! من علی علیه السلام را همچون هارون برادر موسی، در میان امت خود به جانشینی گذاشتم جز اینکه پیامبری بعد از من نیست خداوند گفتار مرا تصدیق نمود و وعده‌ی مرا اجرا کرد نام علی علیه السلام را در قرآن برد چنانچه نام هارون برده شد تو خود نیز در قرآن خوانده‌ای آنگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آیه‌ای را از قرآن خواند که هارون نام برده شده بود فرمود: خداوند سخن مرا تصدیق کرد با این آیه «هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ» این است راه من، که مستقیم است آن راه، همین علی علیه السلام است که نشسته‌ست نصیحتش را بشنوید و گوش کنید هر که مرا دشنام دهد خدا را دشنام داده و هر که علی علیه السلام را دشنام دهد به من دشنام داده است.

### روایات در خصوص جمله‌ی «هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ»

#### توجه توجه!!!

در سوره‌ی مبارکه‌ی حجر آیه ۴۱، قرآن به این نحو فرموده‌ست که «هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ» ولی طبق اقوال فراوان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این آیه را چنین قرائت فرموده‌اند که «هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ» که در این خصوص هم در منابع شیعه و هم منابع اهل سنت این مطلب نقل شده است.

#### روایت ۱

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: إِنَّكَ لَا تَرَالِ تَقُولُ لِعَلِيٍّ: أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ [مِنْ مُوسَى] وَقَدْ ذَكَرَ [اللَّهُ] هَارُونَ فِي الْقُرْآنِ وَ لَمْ يَذْكُرْ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَا غَلِيظُ يَا أَعْرَابِي أَمَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى «هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ». از جعفر بن محمد علیهما السلام از پدرش و از پدرانش نقل شده که عمر بن خطاب در برابر پیامبر ایستاد و گفت شما همیشه به علی می‌فرمائید که تو همانند هارونی برای من نسبت به موسی. با اینکه خداوند در قرآن هارون را یادآوری کرده ولی نامی از علی در قرآن نیست. سپس پیامبر فرمود: ای خشن ای اعرابی آیا نشنیده‌ای قول خدای عزوجل را که فرموده «هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ» این است راه راست. منابع شیعه: الکافی ۱ / ۴۲۴ ح ۶۲ - بحار الانوار ۲۴ / ۱۷ ح ۲۷ و ۲۴ / ۲۳ ح ۵۰ و ۳۵ / ۵۸ و ۵۹ دو روایت یکی از امام صادق علیه السلام و دیگری از امام کاظم علیه السلام نقل شده‌ست - الصوارم المهرقه علامه قاضی نورالله تستری ص ۱۳۳ - الطرائف سید بن طاووس ۱ / ۹۶ ح ۱۲۵ - ارشاد القلوب ۲ / ۳۷۳ - تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی - تفسیر عیاشی در ذیل آیه - غایه المرام ص ۱۱۹ ح ۷۵ - ماء منقبة ابن شاذان قمی ص ۱۶۰ منقبت ۸۵. منابع اهل سنت: شواهد التنزیل حاکم حسکانی ۱ / ۷۸ ح ۹۲.

#### روایت ۲

عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْأَسَدِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُكَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ قَالَ فَسَبَطَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدَهُ الْيَسَارَ ثُمَّ دَوَّرَ فِيهَا يَدَهُ الْيُمْنَى ثُمَّ قَالَ نَحْنُ صِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمُ فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ يَمِينًا وَ شِمَالًا ثُمَّ خَطَّ بِيَدِهِ. (۷۹) ابومالک اسدی گفت: به حضرت باقر علیه السلام گفتم: منظور از این آیه چیست: و أنّ هذا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ تا آخر آیه امام علیه السلام دست چپ خود را گشود و با دست راست دایره‌ای در شعاع آن دست زد آنگاه فرمود: ما راه مستقیم هستیم از آن پیروی کنید از راه‌های دیگر نروید که شما را منحرف





فَاتَّبِعُوهُ (الْآيَةُ) فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَفَاكَ يَا عَدُوِّي. (۸۵) جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند: اصحاب نزد حضرت بودند که حضرتش به سوی حضرت علی علیه السلام اشاره کرده و فرمودند: این راه مستقیم است، پس او را تبعیت کنید. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای دشمن من (همین فضیلت برای شناخت امیرالمؤمنین علی علیه السلام) تو را کفایت می‌کند.

### روایت ۹

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ قَالَ أَتَدْرِي مَا يَعْنِي بِ صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا قُلْتُ لَا قَالَ وَ لِيَّ عَلِيٌّ وَ الْأَوْصِيَاءُ قَالَ وَ تَدْرِي مَا يَعْنِي فَاتَّبِعُوهُ قُلْتُ لَا قَالَ يَعْنِي عَلِيٌّ بِنَ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. قَالَ وَ تَدْرِي مَا يَعْنِي وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْتُ لَا قَالَ يَعْنِي سَبِيلَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (۸۶) حضرت باقر علیه السلام آیه را قرائت کرده و فرمود: آیا می‌دانی معنی صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا چیست؟ گفتم: نه. فرمود: ولایت علی علیه السلام و جانشینان او. سپس فرمود: می‌دانی معنی فَاتَّبِعُوهُ را؟ گفتم: نه. فرمود: یعنی حضرت علی بن ابیطالب علیهما السلام را. فرمود و می‌دانی معنی تبعیت نکن راه‌های دیگر را که از راه او منحرف می‌شوی؟ گفتم: نه. فرمود: دوستی فلانی و فلانی (ابوبکر و عمر). فرمود: می‌دانی معنی جدا شدن از راه حقیقت چیست؟ گفتم: نه. فرمود: یعنی راه علی علیه السلام.

### روایت ۱۰

وَ رَوَى الْعِيَاشِيُّ عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لِبُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ تَدْرِي مَا يَعْنِي بِ صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا قَالَ: قُلْتُ لَا قَالَ وَ لِيَّ عَلِيٌّ وَ الْأَوْصِيَاءُ قَالَ وَ تَدْرِي مَا يَعْنِي وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ قَالَ قُلْتُ لَا قَالَ وَ لِيَّ عَلِيٌّ وَ الْأَوْصِيَاءُ قَالَ وَ تَدْرِي مَا يَعْنِي فَاتَّبِعُوهُ قُلْتُ لَا قَالَ يَعْنِي سَبِيلَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (۸۷) عیاشی از امام باقر علیه السلام آورده که به بُرَیدِ الْعَجَلِيِّ فرمود می‌دانی منظور از «راه راست من» چیست؟ گفتم: نه، فرمود ولایت علی و اوصیاء است. فرمود: و می‌دانی از اینکه پیروی هر راهی نکنید یعنی چه؟ گفتم: نه، فرمود ولایت فلان و فلان (ابوبکر و عمر)، فرمود می‌دانی جدا شدن از راه چیست؟ گفتم: نه، فرمود: یعنی از راه علی علیه السلام.

### روایت ۱۱

عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ قَالَ: هُوَ وَاللَّهِ عَلِيٌّ الْمِيزَانُ وَ الصِّرَاطُ. (۸۸) ابی حمزه‌ی ثمالی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که از حضرتش در خصوص این آیه سؤال کردم، فرمود: به خدا قسم علی علیه السلام میزان و صراط است.

### سفارشات خداوند به انبیاء:

#### سفارش خداوند به حضرت موسی علیه السلام

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مُوسَى احْفَظْ وَصِيَّتِي لَكَ بِأَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ أُولَئِكَ مَا دُمْتَ لَا تَرَى ذُنُوبَكَ تُغَمَّرُ فَلَا تَشْغَلْ بِعُيُوبِ غَيْرِكَ وَ النَّاتِيَةُ مَا دُمْتَ لَا تَرَى كُنُوزِي قَدْ نَفِدَتْ فَلَا تَعْتَمِدْ بِسَبَبِ رِزْقِكَ وَ النَّاتِيَةُ مَا دُمْتَ لَا تَرَى مُلْكِي فَلَا تَزُجْ أَحَدًا غَيْرِي وَ الرَّابِعَةُ مَا دُمْتَ لَا تَرَى الشَّيْطَانَ مَيِّتًا فَلَا تَأْمَنْ مَكْرَهُ (۸۹) حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

فرمود: خدای تبارک و تعالی به موسی فرمود: ای موسی سفارش مرا درباره چهار چیز نگهدار. اول آنکه تا گناهان خود را آمرزیده ندیده‌ای به عیب دیگران نپرداز. دوم تا پایان یافتن خزینه‌های مرا ندیده‌ای غم روزی خود مخور. سوم تا زوال سلطنت مرا ندیده‌ای به کسی جز من امیدوار مباش. چهارم تا شیطان را مرده ندیده‌ای از مکرش آسوده خاطر مباش. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ يَا رَبِّ أَوْصِنِي قَالَ أَوْصِيكَ بِبِي ثَلَاثًا قَالَ يَا رَبِّ أَوْصِنِي قَالَ أَوْصِيكَ بِأُمَّكَ قَالَ يَا رَبِّ أَوْصِنِي قَالَ أَوْصِيكَ بِأَبِيكَ قَالَ فَكَانَ يُقَالُ لِأَجْلِ ذَلِكَ إِنَّ لِلَّامِ ثَلَاثِي الْبِرِّ وَ لِلْبَابِ الثَّلَاثِ (۹۰) امام باقر علیه السلام فرمود: موسی بن عمران گفت: پروردگارا به من سفارش کن تا سه بار در جوابش فرمود: تو را به خودم سفارش کنم و بار چهارم و پنجم او را به مادرش سفارش کرد و بار ششم سفارش پدر را به او کرد و از اینجا است که مادر دو ثلث حق نیکی فرزند و پدر یک ثلث را برد.

### سفارش خداوند به حضرت عیسی علیه السلام

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْهُمْ: قَالَ فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلِيٌّ بْنُ أَشْبَاطٍ مِنْ مَعْصُومِينَ: رَوَيْتُ كَرْدَه: از پندهایی که خدای عزوجل به حضرت عیسی علیه السلام داد این بود که فرمود: یا عیسی اَنَا رَبُّكَ وَ رَبُّ آبَائِكَ اسْمِي وَاحِدٌ وَ أَنَا الْأَحَدُ الْمُتَّفَرِّدُ بِخَلْقِ كُلِّ شَيْءٍ وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْ صُنْعِي وَ كُلُّ إِلَهٍ رَاجِعُونَ. ای عیسی من پروردگار تو و پروردگار پدرانت هستم نام یکتاست، و من یگانه‌ای هستم که به آفرینش هر چیز جدا و تنه‌ایم، و هر چیز ساخته‌ی من است و همه به سوی من بازگردند. یا عِيسَى أَنْتَ الْمَسِيحُ بِأَمْرِي وَ أَنْتَ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي وَ أَنْتَ تُحْيِي الْمَوْتَى بِكَلَامِي فَكُنْ إِلَيَّ رَاغِبًا وَ مِنِّي رَاهِبًا وَ لَنْ تَجِدَ مِنِّي مَلْجَأً إِلَّا إِلَيَّ. ای عیسی تو به فرمان من مسیح هستی، و تویی که به اذن من از گل (و خاک) مرغی می‌آفرینی، و تویی که به وسیله‌ی سخن من مُردگان را زنده می‌کنی، پس به سوی من شائق باش و از من ترسان، و هرگز از من پناهی جز خود من نیابی. یا عِيسَى أَوْصِيكَ وَصِيَّةَ الْمُتَحَنِّنِ عَلَيْكَ بِالرَّحْمَةِ حَتَّى حَقَّتْ لَكَ مِنِّي الْوَلَايَةُ بِتَحَرِّيِكَ مِنِّي الْمَسْرَةَ فَبُورِكَتَ كَبِيرًا وَ بُورِكَتَ صَغِيرًا حَيْثُ مَا كُنْتَ أَشْهَدُ أَنَّكَ عَبْدِي ابْنُ أُمَّتِي أَنْزَلْنِي مِنْ نَفْسِكَ كَهَيْئَتِكَ وَ أَجْعَلُ ذِكْرِي لِمَعَادِكَ وَ تَقَرَّبْ إِلَيَّ بِالْتَوَافُلِ وَ تَوَكَّلْ عَلَيَّ أَكْفِكَ وَ لَا تَوَكَّلْ عَلَيَّ غَيْرِي فَآخِذْ لَكَ. ای عیسی تو را سفارش می‌کنم همانند سفارش دوستی مهربان، تا ولایت و دوستی من برای تو ثابت و لازم گردد زیرا تو شادی مرا جویایی، تو در بزرگی میمون و مبارک و در کودکی نیز در هر کجا بودی مبارک و میمون بودی، گواهی دهم که تو بنده‌ی من و فرزند بنده‌ی من هستی، مرا در نزد خویش همانند خودت اهمیت بده، و یاد کردن مرا ذخیره و توشه‌ی سعادت قرار ده، و به وسیله‌ی نمازهای مستحبی به من تقرب بجوی و بر من توکل کن تا تو را کفایت کنم و بر دیگری جز من توکل مکن که دست از تو (و یاریت) بردارم. یا عِيسَى اصْبِرْ عَلَيَّ الْبَلَاءِ وَ ارْضُ بِالْقَضَاءِ وَ كُنْ كَمَسِيرَتِي فِيكَ فَإِنَّ مَسِيرَتِي أَنْ أَطَاعَ فَلَا أُعْصِي. ای عیسی بر بلا شکبیا باش و به قضا راضی باش و چنان باش که من (خوش دارم و) شادم که چنان باشی، زیرا شادی من در این است که فرمانم برند و نافرمانیم نکنند. یا عِيسَى أَحْيِ ذِكْرِي بِلِسَانِكَ وَ لِيَكُنْ وُدِّي فِي قَلْبِكَ. ای عیسی یاد کردن مرا با زبانت زنده‌دار و دوستی مرا در دلت نگهدار. یا عِيسَى تَيَقَّظْ فِي سَاعَاتِ الْغَفْلَةِ وَ احْكُمْ لِي لِطَيْفِ الْحِكْمَةِ. ای عیسی در ساعات غفلت بیدار باش و دقائق حکمت را درباره من محکم گردان (و از روی خلوص آنها را برای مردم بیان کن). یا عِيسَى كُنْ رَاغِبًا رَاهِبًا وَ أَمْتٌ قَلْبَكَ بِالْخَشْيَةِ. ای عیسی مشتاق و ترسان باش و (شهوات سرکش) دلت را با خشیت و ترس بمیران. یا عِيسَى رَاعِ اللَّيْلَ لِتَحْرِي مَسِيرَتِي وَ أَظْمِ نَهَارَكَ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ عِنْدِي. ای عیسی شب زنده داری کن تا شادیم را بجویی و روزت را (با گرفتن روزه) به تشنگی به شام آر برای روز نیازت به من (یعنی روز رستاخیز). یا عِيسَى نَافِسْ فِي الْخَيْرِ جُهْدَكَ تُعْرِفْ بِالْخَيْرِ حَيْثُمَا تَوَجَّهْتَ. ای عیسی تلاش خود را در پیشدستی گرفتن کار نیک به کار ببر تا هر کجا رفتی خیرمند شناخته شوی. یا عِيسَى احْكُمْ فِي عِبَادِي بِنُصِيحِي وَ قُمْ فِيهِمْ بِعِدْلِي فَقَدْ أَنْزَلْتُ عَلَيْكَ شِفَاءً لِمَا فِي الصُّدُورِ مِنْ مَرَضِ الشَّيْطَانِ. ای عیسی در میان بندگانم روی

خیرخواهی من حکم کن و به عدالت من در بین آنها قیام کن که من شفاء یافتن درد سینه‌ها را از بیماری‌های شیطانی در دست تو قرار دارم. یا عیسی لا تُكُنْ جَلِيسًا لِكُلِّ مَفْتُونٍ اِی عیسی همنشین فریفتگان (به دنیا) مشو. یا عیسی حَقًّا اَقُولُ مَا اَمَنْتُ بِی خَلِيقَةً اِلَّا حَشَعْتُ لِی وَ لَا حَشَعْتُ لِی اِلَّا رَجَتْ نَوَابِی فَاَشْهَدُ اَنَّهَا اَمَنَةٌ مِنْ عِقَابِی مَا لَمْ تُبَدَّلْ اَوْ تُعَيَّرَ سُنَّتِی (۹۱) ای عیسی به حقیقت گویم که: هیچ خلقی به من ایمان نیاورده جز آنکه در برابر من خاشع گردد، و خاشع و فروتن نگردد جز آنکه امید پاداش مرا دارد، پس تو گواه باش که چنین کسی از عقاب و شکنجه من در امان است تا وقتی که سنت مرا تغییر و تبدیل ندهد. (یا تا وقتی که دگرگون نشود و سنت مرا تغییر ندهد).

### سفارش خداوند به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اَوْصِيَانِي رَبِّي بِتِسْعِ اَوْصِيَانِي بِالْاِخْلَاصِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَالْعَدْلِ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبِ وَالْقَضِيَةِ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى وَ اَنْ اَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَنِي وَ اَعْطَى مِزْنَ حَرَمِنِي وَ اَصْدَلَ مِزْنَ قَطْعِنِي وَ اَنْ يَكُونَ صِيْمَتِي فِكْرًا وَ مَنْطِقِي ذِكْرًا وَ نَظْرِي عِبْرًا. (۹۲) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند مرا به هفت چیز سفارش فرمود: اخلاص در نمان و آشکارا، دادگری در حال خوشنودی و خشم، میانه روی در تهیدستی و ثروت، کسی را که به من ستم کرده عفو نمایم، عطا کنم به کسی که مرا محروم نموده، با خویشاوندانم صله‌ی رحم نمایم، سکوتم اندیشه و سخنم یاد خدا و نگاهم عبرت باشد.

### سفارشات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

#### سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به ابن عباس

قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ اَوْصِنِي فَقَالَ عَلِيٌّ بِنِ ابِي طَالِبٍ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ اَوْصِنِي قَالَ عَلِيٌّ بِمَوَدَّةِ عَلِيٍّ بِنِ ابِي طَالِبٍ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا اِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ مِنْ عَبْدٍ حَسَنَةً حَتَّى يَسْأَلَهُ عَنْ حُبِّ عَلِيٍّ بِنِ ابِي طَالِبٍ وَ هُوَ تَعَالَى اَعْلَمُ فَاِنْ جَاءَهُ بَوْلَايَتِهِ قَبْلَ عَمَلِهِ عَلِيٍّ مَا كَانَ فِيهِ وَ اِنْ لَمْ يَأْتِهِ بَوْلَايَتِهِ لَمْ يَسْأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ وَ اَمْرٌ بِهِ اِلَى النَّارِ يَا ابْنَ عَبَّاسٍ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا اِنَّ النَّارَ لَأَشَدُّ غَضَبًا عَلَيَّ مِنْهَا عَلَيَّ مَنْ زَعَمَ اَنَّ لِلَّهِ وَلَدًا يَا ابْنَ عَبَّاسٍ لَوْ اَنَّ الْمَلَائِكَةَ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْأَنْبِيَاءَ الْمُرْسَلِينَ اجْتَمَعُوا عَلَيَّ بُغْضَهُ وَ لَنْ يَفْعَلُوا لَعْنَتَهُمُ اللَّهُ بِالنَّارِ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ هَلْ يُبَغِّضُهُ أَحَدٌ فَقَالَ يَا ابْنَ عَبَّاسٍ نَعَمْ يُبَغِّضُهُ قَوْمٌ يَذْكُرُونَ اَنَّهُمْ مِنْ أُمَّتِي لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُمْ فِي الْاِسْلَامِ نَصِيبًا يَا ابْنَ عَبَّاسٍ اِنَّ مِنْ عِلْمِهِمْ لَهٗ تَفْضِيلٌ مَنْ هُوَ دُونَهُ عَلَيْهِ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا خَلَقَ اللَّهُ نَبِيًّا اَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنِّي وَ لَا وَصِيًّا اَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنْ وَصِيِّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ مِنْ وَصِيِّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ فَلَمْ اَزَلْ مُحِبًّا لَهُ كَمَا اَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ وَ وَصَانِي بِمَوَدَّتِهِ وَ اِنَّهُ لَأَكْبَرُ عَمَلِي عِنْدِي (۹۳) ابن عباس می‌گوید: عرض کردم: یا رسول الله! مرا توصیه‌ای کن. فرمود: علی بن ابیطالب را دوست مدار. عرض کردم: یا رسول الله! دیگر چه سفارشی داری؟ فرمود: به علی بن ابیطالب مودت و علاقه‌ات را اظهار کن. سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری برانگیخته‌ست خداوند هیچ حسنه‌ای را از بنده‌اش نمی‌پذیرد مگر آن که از حُبِّ علی بن ابیطالب از او پرسش کند و خداوند، آگاه‌تر است. اگر در قیامت وارد شود در حالی که ولایت علی علیه السلام را با خود داشته باشد خداوند هر چه هم کرده باشد عمل او را می‌پذیرد و اگر ولایت حضرتش را نداشته باشد دیگر خداوند از اعمال او پرسشی نمی‌کند و فرمان می‌دهد او را به آتش ببرند. ای ابن عباس! سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، آتش بر کسی که نسبت به علی علیه السلام کینه داشته باشد بیشتر شعله خواهد کشید تا کسی که برای خدا فرزند قائل باشد. ای ابن عباس! اگر همه فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل بر دشمنی علی، اجتماع کنند (که هرگز نمی‌شوند) خداوند آن‌ها را با آتش، عذاب خواهد کرد. عرض کردم: یا رسول الله! آیا کسی با او دشمنی می‌کند؟ فرمود: ای ابن عباس [آری، جماعتی با او دشمنی می‌کنند





عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا حَضَرَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ الْوَفَاةَ صَمِنِي إِلَى صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ: يَا بَنِي أَوْصِيكَ بِمَا أَوْصَانِي بِهِ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ وَبِمَا ذَكَرَ أَنَّ أَبْيَاهُ أَوْصِيَاهُ بِهِ قَالَ يَا بَنِي إِيَّاكَ وَظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ (۹۵) حضرت باقر علیه السلام فرمود: هنگام شهادت، پدرم علی بن الحسین علیهما السلام مرا به سینه‌ی خود چسبانید، سپس فرمود: ای فرزند سفارش کنم تو را به آنچه پدرم هنگام شهادتش به من سفارش کرد، و همان چیزی را او یادآور شد که پدرش به آن سفارش کرده بود، ای فرزند مبادا ستم کنی به کسی که یآوری در برابر تو جز خدا ندارد.

### سفارش حضرت امام محمد باقر علیه السلام

عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ أَوْصِنِي فَقَالَ أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَإِيَّاكَ وَالْمِرَاحَ فَإِنَّهُ يُدْهَبُ هَيْبَةً الرَّجُلِ وَمَاءٌ وَجْهِهِ وَعَلَيْكَ بِالِدُّعَاءِ لِإِخْوَانِكَ بِظَهْرِ الْغَيْبِ فَإِنَّهُ يَهِيلُ الرَّزْقَ يَقُولُهَا ثَلَاثًا. (۹۶) حمران بن اعین خدمت امام باقر علیه السلام شرفیاب شده و عرض کردم: به من سفارشی فرمایید، فرمودند: تو را سفارش می‌کنم به تقوی از خدا و از شوخی بپرهیز که احترامت را ببرد و آبرویت را بریزد و بر تو باد که پشت سر برادرانت دعایشان کنی، زیرا که روزی را فرو ریزد و سه بار آن را فرمودند.

### سفارش حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْصِنِي قَالَ: أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعَ وَالِاجْتِهَادِ وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا يَنْتَعِ اجْتِهَادٌ إِلَّا - وَرَعَ فِيهِ وَانْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ فَلِكَثِيرًا مَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ «فَلَا تُعْجِزُكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ» (۹۷) ) وَقَالَ «وَلَا تَمِدَّنْ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (۹۸) ) وَإِنْ نَازَعَتْكَ نَفْسُكَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ فَاعْلَمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَانَ قُوَّتُهُ الشَّعِيرَ وَحَلْوَاهُ التَّمْرَ إِذَا وَجَدَهُ وَوَقُودُهُ السَّعْفَ وَإِذَا أَصَبَتْ بِمِصْبَعِيهِ فَمَا ذَكَرْ مُصَابِكَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَإِنَّ النَّاسَ لَنْ يُصَابُوا بِمِثْلِهِ أَبَدًا. (۹۹) عمرو بن سعید بن هلال گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مرا سفارشی فرما. فرمود: تو را به پروای از خدا و پاکدامنی و کوشش در عبادت سفارش می‌کنم و بدان، کوشش در عبادتی که همراه با پاکدامنی نباشد سودی نبخشد و همیشه به پائین‌تر از خودت بنگر، و به بالا- دست خود نگاه مکن، و چه بسیار خدای متعال به رسولش فرموده است: «اموال و اولاد کافران، تو را به شکفتی نیاورد» و فرموده: «چشمان خود را به بهره‌هایی که به جفت‌هایی (مردان و زنانی) از کافران داده‌ایم نینداز، حال آنکه اینها همه نمودهای فریبنده زندگانی دنیاست» و اگر چه نفس تو، تو را به سوی چیزی از اینها فرا خواند. پس بدان: خوراک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جُو، و حلوائش خرما آن هم اگر به دستش می‌آمد و هیزمش شاخه‌ی درخت خرما بوده است. هر گاه به مصیبتی گرفتار شدی یاد شهادت و مصیبت فقدان و از دست رفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کن که مردم هرگز بمانند چنین مصیبتی گرفتار نمی‌شوند.

### سفارش حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَوْصِنِي فَقَالَ أَمُرُكَ بِتَقْوَى اللَّهِ ثُمَّ سَكَتَ فَسَكَوْتُ إِلَيْهِ قَلَّ ذَاتِ يَدِي وَقُلْتُ وَاللَّهِ لَقَدْ عَرِيتُ حَتَّى بَلَغَ مِنْ عُرْيَتِي أَنَّ أَبَا فُلَانٍ نَزَعَ ثَوْبِيْنَ كَانَا عَلَيْهِ وَكَسَانِيهِمَا فَقَالَ صُمْ وَتَصَيِّدْ قُلْتُ أَتَصَيِّدُ مِمَّا وَصَلْتَنِي بِهِ إِخْوَانِي وَإِنْ كَانَ قَلِيلًا. قَالَ تَصَيِّدْ بِمَا رَزَقَكَ اللَّهُ وَ لَوْ آثَرْتَ عَلَى نَفْسِكَ. (۱۰۰) علی بن سوید سائی از امام کاظم علیه السلام تقاضای اندرز کرد،

حضرتش فرمود: تو را به تقوای خدا سفارش می‌کنم. سپس سکوت کرد. من از تنگدستیم به آن حضرت شکوه کردم و گفتم: به خدا قسم لباس بر تن نداشتم به طوری که ابو فلان دو جامه‌ای را که بر تن خود داشت درآورد و به من پوشاند! حضرت فرمود: روزه بگیر و صدقه بده! عرض کردم: از همان اندک کمکی که برادرانم به من می‌کنند صدقه بدهم؟ فرمود: آنچه را که خداوند به تو روزی کرده‌ست صدقه بده، هر چند خودت بدان محتاج باشی.

### سفارش حضرت امام رضا علیه السلام

وَقَالَ رَجُلٌ لِلرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْصِنِي قَالَ: اخْفِظْ لِسَانَكَ تَعَزَّ وَلَا تُمَكِّنِ الشَّيْطَانَ مِنْ قِيَادِكَ فَتَذِلَّ. (۱۰۱) مردی به حضرت رضا علیه السلام عرض کرد مرا وصیت و سفارشی فرما، حضرت فرمود: زبانت را نگهدار تا عزیز باشی و شیطان بر تو چیره نشود که تو را به سوی خود بکشد پس تو را خوار کند.

### سفارش حضرت امام جواد علیه السلام

قَالَ لِلْجَوَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ أَوْصِنِي قَالَ وَتَقَبَّلْ قَالَ نَعَمْ قَالَ: تَوَسَّدِ الصَّبْرَ وَاعْتَنِقِ الْفَقْرَ وَارْزُقِ الشَّهَوَاتِ وَخَالَفِ الْهَوَى وَاعْلَمْ أَنَّكَ لَنْ تَخْلُجَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ فَمَا نَظُرَ كَيْفَ تَكُونُ (۱۰۲) مردی به حضرت جواد علیه السلام عرض کرد مرا سفارشی بفرما. امام علیه السلام فرمود: می‌پذیری؟ گفت آری، فرمود تکیه بر صبر کن و به فقر درآویز و شهوات را رها کن و مخالفت با هوای نفس نما و بدان که تو از دیده‌ی خدا مخفی نیستی، دقت کن چگونه باید باشی.

### سفارش حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

وَقَالَ الْإِمَامُ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِشِيعَتِهِ أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ وَالِاجْتِهَادِ لِلَّهِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَادَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ ائْتَمَنَكُمْ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ وَطُولِ السُّجُودِ وَحُسْنِ الْجَوَارِ فِيهِدَا حِجَاءَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ صِلُوا فِي عَشَائِهِمْ وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ وَأَدُوا حُقُوقَهُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَصَدَقَ فِي حَدِيثِهِ وَأَدَى الْأَمَانَةَ وَحَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ هَذَا شِيعِي فَيَسْتُرُنِي ذَلِكَ اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا جُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ فَإِنَّهُ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ حُسْنٍ فَنَحْنُ أَهْلُهُ وَمَا قِيلَ فِينَا مِنْ سُوءٍ فَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ لَنَا حَقٌّ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَقَرَأِيَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ وَتَطْهِيرٌ مِنَ اللَّهِ لَا يَدْعِيهِ أَحَدٌ غَيْرِنَا إِلَّا كَذَابٌ أَكْثَرُوا ذَكَرَ اللَّهَ وَذَكَرَ الْمَوْتَ وَتَلَاوَةَ الْقُرْآنِ وَالصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ اخْفَظُوا مَا وَصَّيْتُكُمْ بِهِ وَأَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ. (۱۰۳) از امام عسکری علیه السلام نقل شده که به شیعیان‌شان فرمودند: شما را توصیه می‌کنم به پروای از خدا، پارسایی در دین، کوشش در راه خدا، راستگویی، ادای امانت به نیک و بد، طول سجده، خوش همسایگی که اینها برنامه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است، به فامیل هایتان محبت و احسان کنید، جنازه‌هاشان را تشییع کنید، از بیمارانشان عیادت کنید، حقوقشان را پردازید، که چون یکی از شما در دین پارسا و در سخن راستگو، امانتدار و خوش اخلاق باشد، گویند این شیعه مذهب است و من خرسند شوم، از خدا پروا کنید و زینت ما باشید، ننگ ما نباشید، محبت‌ها را به سوی ما جلب کنید، زشتیها را از ما دفع نمایید، که هر گونه خوبی را که به ما نسبت دهند ما اهلش هستیم، و هر عیبی به ما اسناد دهند ما از آن به دوریم، ما را در کتاب خدا حقی است، و با پیغمبر نسبتی، و از جانب خدا طهارتی، غیر از ما هیچ کس دعوی این مقام نکند جز دروغگوی، فراوان به یاد خدا و در فکر مرگ باشید، قرآن بخوانید، بر پیغمبر صلوات بفرستید که ده حسنه دارد، سفارشهای مرا به خاطر بسپارید، شما را به خدا می‌سپارم، و سلام من بر شما.

## سفارش حضرت خضر به حضرت موسی علیهما السلام

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَمَّا فَارَقَ مُوسَى الْخَضِرَ قَالَ مُوسَى أَوْصِنِي فَقَالَ الْخَضِرُ الزَّمْ مَا لَا يَضُرُّكَ مَعَهُ شَيْءٌ كَمَا لَا يَنْفَعُكَ مِنْ غَيْرِهِ شَيْءٌ إِيَّاكَ وَاللَّجَاجِيَّةَ وَالْمَشَى إِلَى غَيْرِ حَاجِيَّةٍ وَالصَّحَكُ فِي غَيْرِ تَعَجُّبٍ يَا ابْنَ عِمْرَانَ لَا تُعَيِّرَنَّ أَحَدًا بِخَطِيئَتِهِ وَابْنِكَ عَلَى خَطِيئَتِكَ (۱۰۴) حضرت باقر علیه السلام فرمود: وقتی موسی از خضر جدا شد به او گفت مرا وصیت و سفارشی بنما خضر علیه السلام گفت: متوجه چیزی باش که با او بودن به تو زیانی نمی‌رساند چنانچه از دیگری جز او برایت سودی نخواهد بود از لجاجت پیرهیز و دنبال کاری که نیاز به آن نداری مرو و بی‌شگفتی خنده مکن پسر عمران دیگری را به گناهش سرزنش مکن و بر خطای خویش گریه کن. عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ إِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حِينَ أَرَادَ أَنْ يُفَارِقَ الْخَضِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَهُ أَوْصِنِي فَكَانَ مِمَّا أَوْصَاهُ أَنْ قَالَ لَهُ إِيَّاكَ وَاللَّجَاجِيَّةَ أَوْ أَنْ تَمَشِيَ فِي غَيْرِ حَاجِيَّةٍ أَوْ أَنْ تَضْحَكَ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ وَادْكُرْ خَطِيئَتِكَ وَإِيَّاكَ وَخَطَايَا النَّاسِ. (۱۰۵) از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: چون موسی بن عمران علیهما السلام خواست از خضر مفارقت کند به او گفت: ضمن سفارشات خود مرا سفارشی کن. گفت: مبادا لجاجت کنی و بی‌حاجت راه بروی و بی‌سبب بخندی و یاد خطای خود باش و از خطای مردم چشم پوش.

## سفارش حضرت امیر المومنین علی علیه السلام به مردی از اصحاب

حِجَاءَ رَجُلٍ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَوْصِنِي بِوَجْهِ مِنْ وَجْهِ الْبِرِّ أَنْجُو بِهِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّهَا السَّائِلُ اسْتَمِعْ ثُمَّ اسْتَفْهِمْ ثُمَّ اسْتَعْمِلْ وَاعْلَمْ أَنَّ النَّاسَ ثَلَاثَةٌ زَاهِدٌ وَصَابِرٌ وَرَاغِبٌ فَأَمَّا الزَّاهِدُ فَقَدْ خَرَجَتْ الْأَخْرَانُ وَالْأَفْرَاحُ مِنْ قَلْبِهِ فَلَا يَفْرَحُ بِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا وَلَا يَأْسِرِي عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا فَاتَهُ فَهُوَ مُسْتَرِيحٌ وَأَمَّا الصَّابِرُ فَإِنَّهُ يَتَمَنَّاها بِقَلْبِهِ فَإِذَا نَالَ مِنْهَا أَلْجَمَ نَفْسَهُ عَنْهَا لِسَوْءِ عَاقِبَتِهَا وَشَنَّانِهَا لَوْ اطَّلَعَتْ عَلَى قَلْبِهِ عَجِبَتْ مِنْ عِفَّتِهِ وَتَوَاضَعِهِ وَحَزْمِهِ وَأَمَّا الرَّاغِبُ فَلَا يُبَالِي مِنْ أَيْنَ جَاءَتْهُ الدُّنْيَا مِنْ حِلِّهَا أَوْ مِنْ حَرَامِهَا وَلَا يُبَالِي مِمَّا دَنَسَ فِيهَا عِزَّهُ وَوَأَهْلَكَ نَفْسَهُ وَأَذْهَبَ مُرْوَةَ تَهْ فَهَمْ فِي عَمْرِهِ يَضْطَرُّونَ. (۱۰۶) مردی نزد حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمد و عرض کرد: ای امیرمؤمنان مرا سفارش کن به راهی از راه‌های خیر و خوبی که بدان نجات یابم؟ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای آنکه پرسیدی بشنو و سپس بفهم و پس از آن باور کن و سپس بکار بند: مردم سه گروهند: زاهد (پارسا) و صابر (شکیبا) و راغب (خواهان دنیا)، اما زاهد کسیست که اندوه‌ها و شادی‌ها از دلش بیرون رفته، نه به چیزی از دنیا شاد شود، و نه بر چیزی که از دستش رفته افسوس خورد. پس او آسوده خاطر است، و اما صابر آن کس است که در دل آرزوی دنیا کند و چون بدان رسد به خاطر سرانجام بد آن و زشتی منظر آن (در نظر خرد) به نفس خود لگام زند که از آن برنگردد، (و چنان است) که اگر بر دلش آگاه شوی از پارسایی و فروتنی و دوراندیشی او در شگفت شوی، و اما راغب باک ندارد که دنیا از چه راهی به دست او رسد: از حلال است یا از حرام و باک ندارد که درباره‌ی آن آبرویش چرکین شود و خود را هلاک کند و مردانگی خود را از بین ببرد، پس آنهاست که در گرداب سخت (دنیا) سرگردان و مضطربند.

## وصایای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرات اهل بیت:

### وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت امیر المومنین علی علیه السلام

قابل ذکر است که این حدیث طولانی بوده و فقط قسمتی که مربوط به موضوع وصیت است، آورده شده است: وَ أَمَّا الْخَامِسَةُ عَشْرَةَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَوْصَى إِلَيَّ وَقَالَ: يَا عَلِيُّ لَا يَلِيَّ عُشْلِي غَيْرُكَ وَلَا يُوَارِي عَوْرَتِي غَيْرُكَ فَإِنَّهُ إِنْ رَأَى أَحَدٌ عَوْرَتِي غَيْرُكَ تَفَقَّأَتْ عَيْنَاهُ فَقُلْتُ لَهُ كَيْفَ لِي بِتَقْلِيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ إِنَّكَ سَتُبْعَانُ فَوَاللَّهِ مَا أَرَدْتُ أَنْ أَقْلِبَ عُضْوًا مِنْ أَعْضَائِهِ إِلَّا

قُلِّبَ لِي (۱۰۷) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا وصی خود کرد و فرمود ای علی غیر از تو کسی مرا غسل ندهد و به خاک نسپارد و مرا به طور کامل برهنه نکند زیرا اگر کسی جز تو عورت مرا ببیند دیده‌هایش از کاسه بیرون می‌آید عرض کردم من چگونه تنها می‌توانم شما را از دستی به دستی بگردانم فرمود از غیب به تو کمک می‌شود به خدا نخواستم عضوی از اعضاء او را بگردانم جز آنکه برای من گردید.

### وصیت نامه‌ی حضرت امیر المومنین علی علیه السلام

حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: لَمَّا حَضَرَتْ أَبِي الْوَفَاءُ أَقْبَلَ يُوصِي فَقَالَ هَذَا مَا أَوْصَى بِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَخُو مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنُ عَمِّهِ وَوَصِيِّهِ وَصَاحِبُهُ وَأَوْلُ وَصِيَّتِي أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُهُ وَ خَيْرَتُهُ اخْتَارَهُ بِعِلْمِهِ وَ ارْتَضَاهُ لِخَيْرَتِهِ وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَ سَائِلُ النَّاسِ عَنْ أَعْمَالِهِمْ وَ عَالِمٌ بِمَا فِي الصُّدُورِ ثُمَّ إِنِّي أَوْصَيْتُكَ يَا حَسَنُ وَ كَفَى بِكَ وَصِيًّا بِمَا أَوْصِيَانِي بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِمَ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ يَا بَنِي فَالْزِمْ بَيْتَكَ وَ ابْنِكَ عَلَى خَطِيئَتِكَ وَ لَا تَكُنِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّكَ. وَ أَوْصَيْتُكَ يَا بَنِي بِالصَّلَاةِ عِنْدَ وَقْتِهَا وَ الزَّكَاةِ فِي أَهْلِهَا عِنْدَ مَحَلِّهَا وَ الصَّوْمِ عِنْدَ الشُّبْهِهِ وَ الْإِقْتِصَادِ فِي الْعَمَلِ وَ الْعِزْلِ فِي الرِّضَا وَ الْعُزْبِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ وَ إِكْرَامِ الضَّيْفِ وَ رَحْمَةِ الْمُجْهُودِ وَ أَصْحَابِ الْبَلَاءِ وَ صِلَةِ الرَّحِمِ وَ حُبِّ الْمَسَاكِينِ وَ مُجَالَسَتِهِمْ وَ التَّوَاضُعِ فَإِنَّهُ مِنْ أَفْضَلِ الْعِبَادَةِ وَ قَصْرِ الْأَمَلِ وَ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا فَإِنَّكَ رَهْنُ مَوْتٍ وَ غَرَضُ بَلَاءٍ وَ طَرِيحُ سُقْمٍ. وَ أَوْصَيْتُكَ بِخَشْيَةِ اللَّهِ فِي سِرِّ أَمْرِكَ وَ عَلَانِيَتِهِ وَ أَنْهَاكَ عَنِ التَّسْرِعِ بِالْقَوْلِ وَ الْفِعْلِ وَ إِذَا عَرَضَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ الْآخِرَةِ فَايْدَأُ بِهِ وَ إِذَا عَرَضَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا فَتَأَنَّهُ حَتَّى تُصَيِّبَ رُشْدَكَ فِيهِ. وَ إِيَّاكَ وَ مَوَاطِنَ التُّهْمَةِ وَ الْمَجْلِسَ الْمَظْنُونِ بِهِ الشُّؤْمُ فَإِنَّ قَرِينَ الشُّؤْمِ يُغَيِّرُ جَلِيسَهُ وَ كُنْ لِلَّهِ يَا بَنِي عَامِلًا وَ عَنِ الْخَنَى زَجُورًا وَ بِالْمَعْرُوفِ آمِرًا وَ عَنِ الْمُنْكَرِ نَاهِيًا وَ وَاخِ الْإِخْوَانَ فِي اللَّهِ وَ أَحِبِّ الصَّالِحَ لِصِيْلَاحِهِ وَ دَارِ الْفَاسِقِ عَنِ دِينِكَ وَ أَنْبِضْهُ بِقَلْبِكَ وَ زَايِلْهُ بِأَعْمَالِكَ لِئَلَّا تَكُونَ مِثْلَهُ. وَ إِيَّاكَ وَ الْجُلُوسَ فِي الطَّرِيقَاتِ وَ دَعِ الْمَمَارَاةَ وَ مُجَارَاةَ مَنْ لَا عَقْلَ لَهُ وَ لَا عِلْمَ وَ اقْتَصِدْ يَا بَنِي فِي مَعِيشَتِكَ وَ اقْتَصِدْ. فِي عِبَادَتِكَ وَ عَلَيْكَ فِيهَا بِالْأَمْرِ الدَّائِمِ الَّذِي تُطِيقُهُ وَ الزَّمِ الصَّمْتَ تَسْلِمَ وَ قَدِّمْ لِنَفْسِكَ تَعْنَمَ وَ تَعَلَّمِ الْخَيْرَ تَعَلَّمْ وَ كُنْ لِلَّهِ ذَاكِرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ ارْحَمْ مَنْ أَهْلَكَ الصَّغِيرَ وَ وَقَّرْ مِنْهُمْ الْكَبِيرَ وَ لَا تَأْكُلَنَّ طَعَامًا حَتَّى تَصِدَّقَ مِنْهُ قَبِيلَ أَكَلِهِ وَ عَلَيْكَ بِالصَّوْمِ فَإِنَّهُ زَكَاةُ الْيَدَيْنِ وَ جَنَّةُ الْأَهْلِ وَ جَاهِدْ نَفْسَكَ وَ اخِذْ جَلِيسَكَ وَ اجْتَنِبْ عِدْوَكَ وَ عَلَيْكَ بِمَجَالِسِ الذُّكْرِ وَ أَكْثِرْ مِنَ الدُّعَاءِ فَإِنِّي لَمْ أَلِكْ. يَا بَنِي نُصِيحًا وَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَ بَيْنِكَ وَ أَوْصَيْتُكَ بِأَخِيكَ مُحَمَّدٍ خَيْرًا فَإِنَّهُ شَقِيقُكَ وَ ابْنُ أُبَيْكَ وَ قَدْ تَعَلَّمُ حُبِّي لَهُ وَ أَمَّا أَخُوكَ الْحَسَيْنُ فَهُوَ ابْنُ أُمِّكَ وَ لَا أَزِيدُ الْوَصِيَاةَ بِذَلِكَ وَ اللَّهُ الْخَلِيفَةُ عَلَيْكُمْ وَ إِيَّاهُ أَسْأَلُ أَنْ يُضِيْلِحَكُمُ وَ أَنْ يَكْفِيَ الطَّعْمَةَ الْبُعَاةَ عَنْكُمْ وَ الصَّبْرَ الصَّبْرَ حَتَّى يَتَوَلَّى اللَّهُ الْأَمْرَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. (۱۰۸) حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: پدرم در هنگام شهادتشان چنین وصیت فرمودند؛ این وصیت علی بن ابیطالب علیهما السلام برادر محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و پسر عمو و مصاحب او است. اولین وصیت من گواهی به یکتایی خدا و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم برگزیده‌ی خداست که به علم خود او را انتخاب نموده و به نمایندگی خویش معین کرد. گواهی می‌دهم خداوند مردگان را از قبرها مبعوث می‌کند و اعمال مردم را مورد بازخواست قرار می‌دهد در حالی که از اسرار دلها آگاه است. ای حسن جان، اینک تو را به آنچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مرا به آن سفارش نموده وصیت می‌کنم که تو شایسته‌ی وصایت هستی. وقتی من از دنیا رفتم مُلازم خانها باش و بر خطای خویش گریه کن. مبادا دنیا بزرگترین هم و کوشش تو باشد. پسرم به تو سفارش می‌کنم نماز را در اول وقت آن بخوان و زکات را در موقعش به اهل آن پرداز و در بروز شبها، سکوت اختیار کن و اقتصاد و عدالت را در هنگام خشنودی و خشم رعایت نما. همسایه‌دار و مهمان‌نواز باش و به گرفتاران و مبتلایان رحم کن. ارتباط خویشاوندی را رعایت نما، تهیدستان را دوست مدار و از نشستن با آنها استقبال کن. تواضع فروتنی پیشه کن به درستی که آن شایسته‌ترین نوع عبادت است. آرزو را کوتاه کن و به یاد مرگ باش. در دنیا پارسایی کن چرا که تو در گرو



مرگ و هدف بلا و در کشاکش بیماری‌ها هستی. تو را به ترس از خدا در پنهان و آشکار سفارش می‌کنم. وقتی مقابل با امری از امور آخرت روبرو شدی در سخن و عمل عجله به خرج مده، مشغول آن شو ولی اگر کاری از کارهای دنیا برایت پیش آمد دقت به خرج بده تا درست صلاحیت آن را تشخیص دهی. از رفتن به جاهایی که مورد تهمت قرار می‌گیری و به تو بد گمان می‌شوند، پرهیز. زیرا همنشین بد، روی شخص اثر می‌گذارد. پسر عملت را برای خدا انجام بده و از ناسزاگویی دور باش و امر کننده‌ی به کار نیک و بازدارنده‌ی از کار بد باش، با برادران خود در راه خدا برادری کن و اشخاص خوب را برای خوبیشان دوست بدار و با فاسق از نظر دینی مدارا کن ولی در قلب دوستش مدار و در عمل نیز با او مخالف باش تا مبادا شبیه او شوی. از نشستن بر سر بازارها و بحث و گفتگو با کسانی که عقل و علم کامل ندارند دوری کن. پسر در زندگی و عبادت خود میانه‌رو باش. سعی کن عبادتی را که طاقت داری و دشوار بر تو نیست به طور مداوم انجام دهی، خاموشی را از دست نده تا سالم بمانی، برای خودت (حسنات) پیش فرست تا بهره‌اش را ببری. کار نیک را بیاموز تا دانا شوی و همیشه به یاد خدا باش. نسبت به افراد کوچک خانواده و بستگان خود ترحم داشته باش و بزرگتران را احترام کن. ابتدا از غذایی مورد نیاز خود صدقه بده، سپس میل کن. بر تو باد به روزه به درستی که روزه زکات بدن و سپری (از آتش قیامت) برای روزه‌داران است. با نفس خود مبارزه کن. از همنشین خود پرهیز و از دشمنت اجتناب کن. از مجالس ذکر و یاد خدا غافل مشو. دعا زیاد کن. پسر من نصیحتی را از تو فروگذار نکردم اکنون وقت جدایی بین من و تو است. تو را سفارش می‌کنم به برادرت محمد به درستی که او برادری مهربان و علاقمند به تو است و همچنین پسر پدر تو است و تو می‌دانی که او را دوست می‌دارم و اما برادرت حسین پسر مادر تو است. لازم نمی‌بینم درباره‌ی او سفارشی کنم. خداوند حافظ و نگهدار شما است. از او می‌خواهم که کار شما را اصلاح نماید. او حافظ شما از شرّ تبهکاران و ستمگران است، پس صبر را پیشه‌ی خود کنید تا خداوند امر و فرمان خود را اجرا کند. عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ الْقَصِيرِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَدْفُونٌ فِي قَبْرِ نُوحٍ قَالَ قُلْتُ وَمَنْ نُوحٌ قَالَ نُوحُ النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ كَيْفَ صَارَ هَكَذَا فَقَالَ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَدِيقٌ هِيَ اللَّهُ لَهُ مَضَجُهُ فِي مَضَجِ صَدِيقِ يَا عَبْدَ الرَّحِيمِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَخْبَرَنَا بِمَوْتِهِ وَبِالْمَوْضِعِ الَّذِي دُفِنَ فِيهِ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حُنُوطًا مِنْ عِنْدِهِ مَعَ حُنُوطِ أَخِيهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَخْبَرَهُ أَنَّ الْمَلَائِكَةَ تَنْزِلُهُ قَبْرَهُ فَلَمَّا قُبِضَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ فِي مَا أَوْصَى بِهِ ابْنَيْهِ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذْ قَالَ لَهُمَا إِذَا مِتُّ فَغَسِّلْنِي وَحَنِّطَانِي وَاحْمِلَانِي بِاللَّيْلِ سِرًّا وَاحْمِلَايَا بَنِي بُمُؤَخَّرِ السَّرِيرِ وَاتَّبِعَاهُ فَإِذَا وُضِعَ فَضَعَا وَادْفِنَانِي فِي الْقَبْرِ الَّذِي يُوضَعُ السَّرِيرُ عَلَيْهِ وَادْفِنَانِي مَعَ مَنْ يُعِينُكُمْ عَلَى دَفْنِي فِي اللَّيْلِ وَسَوِيَاهُ. (۱۰۹) از عبدالرحیم قصیر روایت شده که گفت: سؤال کردم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام از قبر مقدس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آن حضرت در قبر نوح مدفون شد. پرسیدم: کدام نوح؟ فرمود: نوح پیغمبر علیه السلام. پرسیدم چرا چنین کردند؟ فرمود آن حضرت معصوم و راست گفتار و درست کردار خدا بود، حق سبحانه و تعالی آرامگاه او را در آرامگاه شبیه او مقدر ساخت. ای عبدالرحیم! به درستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خبر داد به وقت شهادت آن حضرت و موضع دفن آن حضرت، پس حق سبحانه و تعالی حنوط از نزد خود جهت او فرستاد با حنوط برادرش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و خبر داد که ملائکه قبر آن حضرت را حفر خواهند کرد. چون آن حضرت شهید شد از جمله وصیت‌هایی که به حسنین علیهما السلام فرمود این بود که چون من به عالم قدس رحلت کنم مرا غسل دهید و حنوط کنید و در شب مرا مخفی برداشته و عقب تابوت را بگیرید و به هر طرف که جلو تابوت برود متابعت نمایید و چون جلو تابوت بر زمین گذاشته شود، بر زمین گذارید و مرا دفن کنید در قبری که تابوت بر بالای آن گذاشته می‌شود و مرا دفن کنید با آن جمعی از انبیاء و ملائکه شما را بر دفن من کمک خواهند نمود و در شب مرا دفن کنید و قبر مرا هموار کنید و علامتی مگذارید.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلَا أُفْرِتُكُمْ وَصِيَّةَ فَاطِمَةَ قَالَ قُلْتُ بَلَى فَأَخْرَجَ حُقًّا أَوْ سَفَطًا فَأَخْرَجَ مِنْهُ كِتَابًا فَقَرَأَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أَوْصَتْ بِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَوْصَتْ بِحَوَائِطِهَا السَّبْعَةِ الْعَوَافِ وَالذَّلَالِ وَالْبُرْقَةِ وَالْمَبِيتِ وَالْحَسَنِ وَالصَّافِيَةَ وَمَا لِأُمِّ إِبْرَاهِيمَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَإِنْ مَضَى عَلِيٌّ فَإِلَى الْحَسَنِ فَإِنْ مَضَى الْحَسَنُ فَإِلَى الْحُسَيْنِ فَإِنْ مَضَى الْحُسَيْنُ فَإِلَى الْأَكْبَرِ مِنْ وُلْدِي شَهِدَ اللَّهُ عَلَيَّ ذَلِكَ وَالْمُقَدَّادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَالرُّبَيْزِيُّ بْنُ الْعَوَامِ وَكَتَبَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ (۱۱۰) از ابی بصیر از امام باقر علیه السلام روایت شده که حضرتش به او فرمود: آیا وصیت فاطمه سلام الله عليها را برایت بخوانم؟ ابوبصیر گفت: آری. آن حضرت از حقه‌ای یا نوشته‌ای بیرون آورد و خواند: بسم الله الرحمن الرحيم، این وصیت نامه فاطمه دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای علی بن ابیطالب علیه السلام است: بستان‌ها و مزرعه‌های هفتگانه‌ام را که عبارتند از: عواف، ذلال، برقه، مبيت، حسنی، صافیه و مزرعه ام ابراهیم همه در اختیار علیست و پس از او در اختیار حسن و سپس حسین و پس از او بزرگترین فرزندانم متولی آنها خواهند بود. بر این وصیت نامه مقداد و زبیر را شاهد می‌گیرم. این وصیت نامه را حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام نوشته‌اند. وَأَوْصَتْ إِلَى عَلِيٍّ بِثَلَاثٍ أَنْ يَتَزَوَّجَ بِابْنَتِهِ أُخْتِهَا أُمَامَةَ لِحُبِّهَا أَوْلَادَهَا وَأَنْ يَتَّخِذَ نَعَشًا لِأَنَّهَا كَانَتْ رَأَتْ الْمَلَائِكَةَ تَصَوَّرُوا صُورَتَهُ وَوَصِيَّتَهُ لَهُ وَأَنْ لَا يَشْهَدَ أَحَدًا جَنَازَتَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَأَنْ لَا يَتْرُكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْهَا أَحَدٌ مِنْهُمْ (۱۱۱) حضرت فاطمه سلام الله عليها به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سه وصیت فرمود: ۱- با امامه دختر خواهرش ازدواج نماید، زیرا که او فرزندان حضرت زهرا سلام الله عليها را دوست می‌داشت. ۲- تابوت از برای حضرت فاطمه سلام الله عليها درست کند، زیرا ملائکه صورت تابوت را به حضرت زهرا سلام الله عليها نشان داده بودند و آن بانو اوصاف تابوت را برای حضرت امیر علیه السلام شرح داد. ۳- احدی از آن افرادی که در حق آن بانوی مظلومه، ظلم کرده بودند در تشییع جنازه‌اش حاضر نشوند و بر جنازه‌اش نماز نخوانند. قال الواقدي و ابن عباس وغيرهما: أَنَّ فَاطِمَةَ لَمَّا حَضَرَتْهَا الْوَفَاةُ أَوْصَتْ عَلِيًّا أَنْ لَا يُصَلِّيَ عَلَيْهَا أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ فَعَمِلَ بِوَصِيَّتِهَا. (۱۱۲) واقدی و ابن عباس و دیگران روایت کرده‌اند که حضرت فاطمه زهرا سلام الله عليها وصیت فرمود: ابوبکر و عمر به جنازه‌اش نماز نخوانند، و جنازه‌اش را شبانه به خاک بسپارند. عِيسَى بْنُ مِهْرَانَ... عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: أَوْصَتْ فَاطِمَةُ أَنْ لَا يَعْلَمَ إِذَا مَاتَتْ أَبُو بَكْرٍ وَلَا عُمَرُ وَلَا يُصَلِّيَا عَلَيْهَا. قَالَ فَدَفَنَهَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْلًا وَكَمْ يُعْلَمُهُمَا بِذَلِكَ. (۱۱۳) عیسی بن مهران با واسطه از ابن عباس نقل می‌کند که حضرت زهرا سلام الله عليها وصیت فرمود: در شهادت آن حضرت ابابکر و عمر را خبردار نکنند و آنها برایشان نماز نخوانند. راوی گوید حضرت علی علیه السلام حضرت زهرا سلام الله عليها را شبانه دفن کرد و آن دو نفر را در آن هنگام خبر نمود. قَالَتْ أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ أَوْصَتْ إِلَيَّ فَاطِمَةَ أَنْ لَا يُعْسَلَهَا إِذَا مَاتَتْ إِلَّا أَنَا وَ عَلِيٌّ فَأَعْنَتْ عَلِيًّا عَلَى عُسَلِهَا. (۱۱۴) اسماء بنت عمیس گوید حضرت زهرا سلام الله عليها به من وصیت فرمود: که بعد از شهادتش جز من و حضرت علی علیه السلام کسی ایشان را غسل ندهد پس من حضرتش را در غسل فاطمه سلام الله عليها کمک کردم. رَوَى أَنَّهَا أَوْصَتْ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَسْمَاءَ بِنْتُ عُمَيْسٍ أَنْ يُعْسَلَاَهَا. (۱۱۵) روایت شده که او (حضرت زهرا سلام الله عليها) وصیت فرمود که حضرت علی علیه السلام و اسماء بنت عمیس که ایشان را غسل دهند. فَلَمَّا أَصْبَحَ النَّاسُ أَقْبَلَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَالنَّاسُ يُرِيدُونَ الصَّلَاةَ عَلَى فَاطِمَةَ سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهَا فَقَالَ الْمُقَدَّادُ قَدْ دَفَنَّا فَاطِمَةَ الْبَارِحَةَ فَالْتَفَتَ عُمَرُ إِلَى أَبِي بَكْرٍ فَقَالَ لَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّهُمْ سَيَفْعَلُونَ قَالَ الْعَبَّاسُ إِنَّهَا أَوْصَتْ أَنْ لَا تُصَلِّيَا عَلَيْهَا فَقَالَ عُمَرُ لَا تَشْرُكُونَ يَا بَنِي هَاشِمٍ حَسَبُكُمْ الْقَدِيمَ لَنَا أَيْدَاءٌ إِنَّ هَذِهِ الصَّغَائِرُ الَّتِي فِي صُدُورِكُمْ لَنْ تَذَهَبَ وَاللَّهِ لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَتْبَشَّهَا فَأُصَلِّيَ عَلَيْهَا فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاللَّهِ لَوْ رُمْتُ ذَاكَ يَا ابْنَ صُهَيْكٍ لَا رَجَعْتُ إِلَيْكَ يَمِينُكَ لَنْ سَيَلَّمْتُ سَيْفِي لَا- غَمِدْتُهُ دُونَ إِزْهَاقِ نَفْسِكَ فَانْكَسَرَ عُمَرُ وَسَكَتَ وَعَلِمَ أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا حَلَفَ صَادِقٌ ثُمَّ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا عُمَرُ أَلَسْتَ الَّذِي هَمَّ بِكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَرْسَلَ إِلَيَّ فَجِئْتُ مُتَقَلِّدًا سَيْفِي ثُمَّ أَقْبَلْتُ نَحْوَكَ لِأَقْتُلَكَ فَمَا نَزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عِدًّا. (۱۱۶) موقعی که صبح شد ابابکر و عمر با مردم مدینه آمدند که بر بدن

حضرت فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها نماز بخوانند. ولی مقداد گفت: حضرت فاطمه سلام الله علیها را شب گذشته به خاک سپردیم. عمر متوجه ابوبکر شد و گفت: نگفتم: ایشان کار خودشان را خواهند کرد!! عباس گفت: فاطمه‌ی اطهر سلام الله علیها خودش وصیت کرد: شما بر بدنش نماز نخوانید! عمر گفت: ای بنی هاشم! شما آن حسودی را که از قدیم الایام با ما داشتید هرگز ترک نخواهید کرد، آن کینه و دشمنی‌هایی که در سینه‌ی شما است از بین نخواهد رفت؟! به خدا قسم من تصمیم دارم که قبر فاطمه را نبش کنم و بر جنازه‌اش نماز بخوانم! حضرت امیر علیه السلام فرمود: ای پسر صهّاک! به خدا قسم اگر یک چنین عملی را انجام دهی قسمی را که خورده‌ای به تو باز می‌گردانم و اگر این شمشیرم را از غلاف بکشم آن را غلاف نمی‌کنم تا اینکه تو را هلاک نمایم. عمر جا خورد و ساکت شد، زیرا می‌دانست علی هر گاه قسم بخورد طبق قسم خود عمل خواهد کرد. آنگاه به وی فرمود: آیا تو آن کسی نیستی که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم تصمیم گرفت تو را بکشد، آن حضرت به دنبال من فرستاد، من با شمشیر کشیده نزد تو آمدم که تو را به قتل برسانم و خدای علیم این آیه را نازل کرد: بر علیه آنان عجله منماید، زیرا ما آنچه را که باید برای آنان آماده کنیم آماده کرده‌ایم. *عَنِ ابْنِ الْبُطَّائِنِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَأَيِّ عَلِيٍّ دُفِنْتُ فَاطِمَةُ سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا بِاللَّيْلِ وَ لَمْ تُدْفَنْ بِالنَّهَارِ قَالَ لِأَنَّهَا أَوْصَتْ أَنْ لَا يُصَلِّيَ عَلَيْهَا الرَّجُلَانِ الْأَعْرَابِيَانِ. (۱۱۷)* در علل الشرائع از بطائنی روایت شده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام جو یا شدم که: برای چه حضرت زهرا سلام الله علیها شبانه دفن شد و او را روز به خاک نسپردند؟ فرمود: به علت اینکه آن دو نفر مرد اعرابی - ابوبکر و عمر - به جنازه‌اش نماز نگزارند. *فَكَشَفَ عَلِيٌّ عَنْ وَجْهِهَا فَإِذَا بِرُفْعِيٍّ عِنْدَ رَأْسِهَا فَظَرَّ فِيهَا فَإِذَا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أَوْصَتْ بِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ أَوْصَتْ وَ هِيَ تَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعِيَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا عَلِيُّ أَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ زَوْجَتِي اللَّهُ مِنْكَ لِأَكُونَ لَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ أَنْتَ أَوْلَى بِي مِنْ غَيْرِي حَطْنِي وَ غَسَلْنِي وَ كَفَّنِي بِاللَّيْلِ وَ صَلَّى عَلَيَّ وَ أَذْفَنِي بِاللَّيْلِ وَ لَا تُعْلِمُ أَحَدًا وَ أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَ أَقْرَأُ عَلَيَّ وَ لِيُدَى السَّلَامُ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱۱۸)* آنگاه حضرت علی بن ابیطالب علیهما السلام صورت مبارک فاطمه‌ی زهرا سلام الله علیها را باز کرد. رُقعهای نزد سر آن بانوی معظمه یافت که در آن نوشته بود: *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* این وصیتت که فاطمه دختر پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم کرده، فاطمه شهادت می‌دهد خدایی جز خدای یگانه وجود ندارد، حضرت محمد بنده و پیامبر خدا می‌باشد. بهشت بر حق و دوزخ بر حق است، قیامت خواهد آمد و شکی در آن نخواهد بود، خدا کلیه‌ی افرادی را که در قبرها مدفونند برانگیخته خواهد کرد. یا علی! من فاطمه دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشم. خدا مرا در دنیا و آخرت برای تو تزویج نمود. یا علی! تو از دیگران برای (غسل و کفن) من مقدم هستی، مرا حنوط کن غسل بده، شبانه مرا دفن کن، شبانه بر بدنم نماز بگذار، شبانه به خاکم بسپار، احدی را از فوت من آگاه منماید، من تو را به خدا می‌سپارم و تا روز قیامت به فرزندانم سلام می‌رسانم. *عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ مَكَثَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ سِتِّينَ يَوْمًا ثُمَّ مَرَضَتْ فَاشْتَدَّتْ عَلَيْهَا فَكَانَ مِنْ دُعَائِهَا فِي شَكْوَاهَا يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ فَأَغْنِنِي اللَّهُمَّ زَخْرَجْنِي عَنِ النَّارِ وَ أَذْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَ أَلْحِقْنِي بِأَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فَكَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لَهَا يُعَافِيكَ اللَّهُ وَ يُبْقِيكَ فَتَقُولُ يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا أَسْرَعَ اللَّحَاقَ بِاللَّهِ وَ أَوْصَتْ بِصِدْقَتِهَا وَ مَتَاعِ الْبَيْتِ وَ أَوْصَيْتُهُ أَنْ يَتَزَوَّجَ أُمَامِيَّةَ بِنْتَ أَبِي الْعَاصِ وَ قَالَتْ بِنْتُ أُحْتَى وَ تَحَنُّنُ عَلِيٍّ وَ لِيُدَى قَالَ وَ دَفَنَهَا لَيْلًا. (۱۱۹)* از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: فاطمه‌ی اطهر سلام الله علیها بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مدت شصت روز زنده بود، هنگامی که بیماری آن بانو شدید شد، در دعای خود فرمود: *يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ*، به رحمت تو چنگ می‌زنم پس به فریادم برس! خداوندا، مرا از آتش رهایی بخش و در بهشت داخل فرما و به پدرم محمد صلی الله علیه و آله و سلم ملحق نما! حضرت امیر علیه السلام به ایشان می‌فرمود: خدا تو را عافیت می‌دهد و باقی می‌دارد. فاطمه‌ی اطهر سلام الله علیها عرض کرد: ای ابوالحسن! من به سرعت به سوی خداوند می‌روم، آنگاه راجع به صدقه‌ها و اثاث خانه وصیت نمود، و*



نیز وصیت کرد که امیرالمؤمنین علیه السلام با امامه که دختر خواهرش بود ازدواج کند که با فرزندانش مهربانی می‌نماید. سپس آن حضرت را شبانه دفن کرد. و مِنْهُ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ: قَالَ: أَوْصَتْ فَاطِمَةُ سَلامَ اللَّهِ عَلَيْهَا أَنْ لَا يُصَلِّيَ عَلَيْهَا أَبُو بَكْرٍ وَلَا عُمَرُ فَلَمَّا تُوْفِيَتْ أَتَاهُ الْعَبَّاسُ فَقَالَ مَا تُرِيدُ أَنْ تَصْنَعَ قَالَ أَخْرَجَهَا لَيْلًا قَالَ فَذَكَرَ كَلِمَةً خَوَّفَهُ بِهَا الْعَبَّاسُ مِنْهُمَا قَالَ فَأَخْرَجَهَا لَيْلًا فَدَفَنَهَا وَرَشَّ الْمَاءَ عَلَى قَبْرِهَا قَالَ فَلَمَّا صَلَّى أَبُو بَكْرٍ الْفَجْرَ التَّفَّتَ إِلَى النَّاسِ فَقَالَ اخْضَرُوا بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَدْ تُوْفِيَتْ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ قَالَ فَذَهَبَ لِيُخْضَرَهَا فَإِذَا عَلِيٌّ قَدْ خَرَجَ بِهَا وَدَفَنَهَا وَصَلَّى فَاسْتَقْبَلَ عَلِيًّا رَاجِعًا فَقَالَ لَهُ هَذَا مِثْلُ اسْتِثْنَائِكَ عَلَيْنَا بِغُسْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَخَدَّكَ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هِيَ وَاللَّهِ أَوْصَيْتُنِي أَنْ لَا تُصَلِّيَا عَلَيَّهَا. (روایت) از اوست از جعفر بن محمد علیهما السلام از قول پدرانشان: که فرمود: وصیت نمود فاطمه سلام الله علیها بر اینکه ابوبکر و عمر بر او نماز نخوانند. پس هنگامی که از دنیا رفت عباس به نزد او آمد و گفت: چه تصمیمی داری فرمود: شبانه خارجش می‌کنم (شبانه جنازه‌اش را برمی‌دارم) امام صادق علیه السلام فرمود: پس عباس جمله‌ای گفت که آن حضرت را با آن کلمه ترساند (خواست بر حذر دارد) حضرت فرمود: شبانه (حضرت امیر علیه السلام) جنازه را برداشت و به خاک سپرد و آب بر قبر او پاشید. پس هنگامی که ابوبکر نماز صبح را خواند به مردم رو کرد و گفت: حاضر شوید، زیرا دختر پیامبر در شب گذشته از دنیا رفت، پس آماده‌ی تشییع شوید. ناگاه متوجه شد که حضرت علی علیه السلام او را تشییع و دفن نموده‌ست و حرکت نمود (ابوبکر) و علی را در راه بازگشت ملاقات نمود. پس گفت: این نیز مانند به تنهایی غسل دادن پیامبر می‌باشد که ما را به حساب نیاوردی پس امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: خود او (حضرت زهرا سلام الله علیها) به خدا قسم به من وصیت فرمود که شما دو نفر بر جنازه‌ی او نماز نخوانید. مِصْبَاحُ الْأَنْوَارِ، عَنْ مَرْوَانَ الْأَصْفَرِ أَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حِينَ تَقَلَّتْ فِي مَرَضِهَا أَوْصَتْ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَتْ إِنِّي أَوْصِيكَ أَنْ لَا- يَلِيَّ غُسْلِي وَكَفْنِي سِوَاكَ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَتْ وَأَوْصِيكَ أَنْ تَدْفِنَنِي وَلَا تُؤَذِّنَ بِي أَحَدًا. (۱۲۱)

مصباح الانوار از مروان اصفر نقل می‌کند که هنگامی که بیماری فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سخت شد وصیت فرمود به حضرت علی علیه السلام، پس فرمود: من به شما وصیت می‌کنم که غسل ندهد و کفن نکند مرا کسی غیر از شما فرمود: آری (چنین می‌کنم)، سپس (حضرت زهرا سلام الله علیها) فرمود: وصیت می‌کنم که مرا خود شما دفن کنید و به کسی اجازه‌ی (حضور در تشییع) مرا ندهی. وَ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ أَوْصَيْتُ إِلَى فَاطِمَةَ أَنْ لَا يَغْسِلَهَا غَيْرِي وَ سَيَكُتُ أَشِيمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ. (۱۲۲) و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که فرمود: فاطمه سلام الله علیها به من وصیت نمود که غیر از من، کسی او را غسل ندهد و (هنگام غسل) اسماء بنت عمیس آب می‌ریخت. مِصْبَاحُ الْأَنْوَارِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ: قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ سَلامَ اللَّهِ عَلَيْهَا لَمَّا اخْتَضَعَتْ أَوْصَتْ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَتْ إِذَا أَنَا مِتُّ فَقَوْلِ أَنتَ غُسْلِي وَ جَهْرِي وَ صَلِّ عَلَيَّ وَ أَنْزِلْنِي قَبْرِي وَ أَلْحِدْنِي وَ سَيِّؤُ التُّرَابِ عَلَيَّ وَ اجْلِسْ عِنْدَ رَأْسِي قُبَالَهُ وَ جِهِي فَأَكْثِرْ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ الدُّعَاءِ فَإِنَّهَا سَاعِيَةٌ يَحْتَاجُ الْمَيِّتَ فِيهَا إِلَى أَنْسِ الْأَحْيَاءِ وَ أَنَا أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ تَعَالَى وَ أَوْصِيكَ فِي وُلْدِي خَيْرًا ثُمَّ صَمَّتْ إِلَيْهَا أُمَّ كَلْتُومَ فَقَالَتْ لَهُ إِذَا بَلَغَتْ فَلَهَا مَا فِي الْمَنْزِلِ ثُمَّ اللَّهُ لَهَا فَلَمَّا تُوْفِيَتْ فَعَلَ ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ دَفَنَهَا لَيْلًا فِي دَارِ عَقِيلٍ فِي الزَّوَايَةِ الثَّلَاثَةِ مِنَ صِدْرِ الدَّارِ. (۱۲۳) مصباح الانوار از امام صادق علیه السلام از پدرانشان: نقل شده که فرمود وقتی حضرت فاطمه سلام الله علیها محتضر شد به حضرت علی علیه السلام چنین وصیت فرمود: هنگامی که از دنیا رفتم شما غسل و کفن مرا به عهده بگیر و بر من نماز بخوان و مرا داخل قبر بگذار و در لحد جای بده و خاک را به روی من بریز و نزد سر من روبروی صورتم بنشین و زیاد تلاوت قرآن بکن و دعا بخوان، زیرا (این زمان) ساعتیست که میت احتیاج به انس با احیا و زندگان دارد و من تو را به خدا می‌سپارم و در مورد فرزندانم وصیت می‌کنم که به نیکی با آنها رفتار نمایی سپس ام‌کلتوم را به بر گرفت و به ایشان (یعنی حضرت علی علیه السلام) عرض کرد: هنگامی که به سن رشد رسید پس آنچه در منزل است برای او می‌باشد، سپس خدا برای او باشد (یعنی خدا کفیل اوست). پس هنگامی که به شهادت رسید، وصیتش را حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام عمل کرد و شبانه ایشان را در خانه‌ی عقیل، در زاویه‌ی سوم از قسمت



شدند، سزاوارترم. چون که بعد از آن بزرگوار کتابی برای آنان نازل نشده. خدا در قرآن مجید می‌فرماید: ای افرادی که ایمان آورده‌اید! بدون اجازه داخل خانه‌های پیغمبر نشوید! به خدا قسم آنان در زمان حیات پیامبر خدا مجاز نبودند بدون اجازه داخل خانه‌های آن بزرگوار شوند و بعد از فوت هم یک چنین اجازه‌ای برای ایشان نیامده است. ولی ما چون وارث پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشیم بعد از آن حضرت، حق تصرف داریم. ولی اگر آن زن (یعنی عایشه) مانع تو شود تو را به حق خدا و آن قرباتی که خدا با رسول خودش برای تو قرار داده قسم می‌دهم که مبادا به خاطر من حتی به قدر یک ظرف حجامت خون ریخته شود، تا اینکه پیامبر خدا را ملاقات نمائیم و راجع به آن ظلم و ستمی که بعد از آن حضرت مردم به ما کردند مخاصمه کنیم و آن بزرگوار را آگاه نمائیم. این بفرمود و شهید شد.

### وصیت نامه‌ی امام حسین علیه السلام به محمد بن حنفیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أَوْصَى بِهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ إِلَى أَخِيهِ مُحَمَّدٍ الْمَعْرُوفِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ أَنَّ الْحُسَيْنَ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ الْحَقِّ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَ أَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْتَرًا وَ لَا بَطْرًا وَ لَا مُفْسِدًا وَ لَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ حَيْدَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سلم أُرِيدُ أَنْ آمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَمَنْ قَبِلَنِي بِقَبُولِ الْحَقِّ فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْحَقِّ وَ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا أَضْرِبُ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ بَيْنِي وَ بَيْنَ الْقَوْمِ بِالْحَقِّ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ وَ هَذِهِ وَصِيَّتِي يَا أَخِي إِلَيْكَ وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ (۱۲۶) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ این وصیت نامه‌ایست که حسین بن علی بن ابیطالب: برای برادرش محمد بن حنفیه نوشت: حسین شهادت می‌دهد خدا یکیست و شریکی ندارد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم عبد و رسول خدا می‌باشد که حق را، از طرف حق آورد، بهشت و جهنم بر حق هستند، قیامت خواهد آمد و شکی در آن نیست، خدای توانا تمام افراد را از درون قبرها مبعوث می‌نماید، من برای سرکشی و عداوت و فساد کردن و ظلم نمودن از مدینه خارج نشدم. بلکه، من به منظور ایجاد صلح و سازش در میان امت جدّم خارج شدم، من در نظر دارم امر به معروف و نهی از منکر نمایم. من می‌خواهم مطابق سیره‌ی جدّم رسول خدا و پدرم علی بن ابیطالب علیهما السلام رفتار نمایم. کسی که مرا به خاطر اینکه حق می‌گویم قبول کند او به حق سزاوارتر است و کسی که دست ردّ به سینه‌ی من بگذارد من صبر می‌کنم تا خدا که بهترین حکم‌کنندگان است بین من و او داوری نماید. ای برادرم! این وصیتت است که من برای تو کردم. توفیق من جز با خدا نیست من به خدا توکل می‌کنم و به سوی او انابه می‌نمایم.

### وصیت نامه‌ی حضرت امام محمد باقر علیه السلام

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: كَانَ فِيمَا أَوْصَى بِهِ إِلَيَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ يَا بَنِي إِذَا أَنَا مِتُّ فَلَا يَلِي غُسْلِي غَيْرَكَ فَإِنَّ الْإِمَامَ لَا يُغَسَّلُ إِلَّا- إِمَامٌ بَعْدَهُ وَ اعْلَمْ أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ أَحْمَاكَ سَيَدْعُو النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ فَامْتَنِعْ فَإِنَّ أَبِي فَإِنَّ عُمُرَهُ قَصِيرٌ وَ قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمَّا مَضَى أَبِي ادَّعَى عَبْدَ اللَّهِ الْإِمَامَةَ فَلَمْ أَنَازِعْهُ فَلَمْ يَلْبَثْ إِلَّا شَهْرًا يَسِيرًا حَتَّى قَضَى نَحْبَهُ. (۱۲۷) حضرت امام باقر علیه السلام فرمود: از جمله وصایایی که پدرم علی بن الحسین علیهما السلام به من فرمود این بود که پسر جان وقتی من از دنیا رفتم کسی جز تو مرا غسل ندهد زیرا امام را جز امام غسل نمی‌دهد. بدان که برادرت عبدالله ادّعی مقام تو را خواهد نمود او را از این کار باز دار، اگر قبول نکرد چیزی عمر نخواهد کرد. حضرت باقر علیه السلام فرمود: پس از شهادت پدرم، عبدالله ادّعی امامت کرد من با او نزاع نکردم چند ماه بیشتر زندگی نکرد و از دنیا رفت.

## وصیت نامه‌ی حضرت امام جواد علیه السلام

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْوَاسِطِيِّ سَمِعَ أَحْمَدُ بْنُ أَبِي خَالِدٍ مَوْلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَحْكِي أَنَّهُ أَشْهَدَهُ عَلَى هَذِهِ الْوَصِيَّةِ الْمَشْهُورَةِ شَهِدَ أَحْمَدُ بْنُ أَبِي خَالِدٍ مَوْلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ: أَشْهَدُهُ أَنَّهُ أَوْصَى إِلَى عَلِيِّ ابْنِهِ بِنَفْسِهِ وَأَخْوَاتِهِ وَجَعَلَ أَمْرَ مُوسَى إِذَا بَلَغَ إِلَيْهِ وَجَعَلَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُسَاوِرِ قَائِمًا عَلَى تَرْكْتِهِ مِنَ الضِّيَاعِ وَالْأَمْوَالِ وَالنَّفَقَاتِ وَالرَّقِيقِ وَغَيْرِ ذَلِكَ إِلَى أَنْ يَبْلُغَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ صَبْرَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُسَاوِرِ ذَلِكَ الْيَوْمَ إِلَيْهِ يَقُومُ بِأَمْرِ نَفْسِهِ وَأَخْوَاتِهِ وَيَصَيِّرُ أَمْرَ مُوسَى إِلَيْهِ يَقُومُ لِنَفْسِهِ بَعْدَهُمَا عَلَى شَرْطِ أَبِيهِمَا فِي صَدَقَاتِهِ الَّتِي تَصَدَّقَ بِهَا وَذَلِكَ يَوْمَ الْأَحَدِ لثَلَاثِ لَيَالٍ خَلُونَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ سَنَةَ عِشْرِينَ وَمِائَتَيْنِ وَكَتَبَ أَحْمَدُ بْنُ أَبِي خَالِدٍ شَهَادَتَهُ بِحَظِّهِ وَشَهِدَ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَهُوَ الْجَوَانِيُّ عَلَى مِثْلِ شَهَادَةِ أَحْمَدَ بْنَ أَبِي خَالِدٍ فِي صَدْرِ هَذَا الْكِتَابِ وَكَتَبَ شَهَادَتَهُ بِيَدِهِ وَشَهِدَ نَصْرُ الْخَادِمِ وَكَتَبَ شَهَادَتَهُ بِيَدِهِ (۱۲۸) مُحَمَّدُ بْنُ حَسِينِ وَاسِطِيِّ كَقَوْلِهِ: از احمد بن ابی خالد غلام حضرت جواد علیه السلام شنیدم که می گفت امام جواد علیه السلام مرا گواه بر این وصیت گرفت. گواه است احمد بن ابی خالد غلام حضرت ابوجعفر جواد علیه السلام بر اینکه ابوجعفر محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب: مرا گواه گرفت که وصی خود حضرت امام علی النقی علیه السلام را تعیین نمود و او را سرپرست خواهران خویش قرار داد و اختیار موسی را به او سپرد وقتی بالغ شد. عبدالله بن مساور را متصدی اموال و املاک و غلام و کنیز خویش قرار داد تا وقتی علی بن محمد بالغ شود. وقتی بالغ شد عبدالله بن مساور باید از او اطاعت کند و اموال را در اختیار ایشان خواهد گذاشت که ایشان اختیاردار خواهران خویش خواهد بود ولی موسی وقتی بالغ شد کارهایش به خودش واگذار می شود. در مورد صدقات ابن مساور همان دستوراتی که به او داده اند، انجام خواهد داد. این جریان در روز یکشنبه سوم ذیحجه‌ی سال ۲۲۰ هجری بود. احمد بن ابی خالد شهادت را با خط خود نوشت. حسن بن محمد بن عبد الله بن حسن بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب نیز همان شهادت احمد بن ابی خالد را داد و شهادت خود را به خط خویش نوشت. نصر خادم نیز همین شهادت را داد و به خط خود نوشت. (توضیح) اینکه در وصیت قید می کند امام علیه السلام پس از بلوغ متصدی اموال و ثروت آن جناب شود ممکن است به واسطه‌ی تقیّه از مخالفین چنین قیدی را نموده باشد و کار را قبل از بلوغ به عبدالله بن مساور بسپارد تا قاضی‌های آنها نتوانند ایرادی بگیرند.

## دو نمونه از وصایای دیگران

### بندنامه‌ی یحیی‌یه (۱۲۹)

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ \* يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا». (۱۳۰) نیم شبی در لشکرگاه سلطانیته که قبه‌ی درگاه خدیو (۱۳۱) گردون خدم و خسرو ستاره حشم، سلطان سلاطین جهان، ناصر المله و الدین، خَلَدَهُ اللَّهُ مُلْكُهُ وَسُلْطَانَتَهُ، از بسط خاک به قبه‌ی افلاک رسیده، جمهور طبقات چاکران و قاطبه‌ی طوایف بندگان (۱۳۲) در سایه‌ی عاطفت پادشاه جهان (۱۳۳) پهلو بر بستر راحت نهاده و جز من که از تُرکتازی (۱۳۴) لشکر بیماری، رخت خواب از دیدگانم به غارت رفته جملگی با بخت بیدار خفته بودند، همه آرام گرفتند و شب از نیمه گذشت. آنکه در خواب نشد چشم من و پروین است در چنین حالتی به هر طرف نظر کردم جز ناله و اندوه، یاری و جز ضعف و ناتوانی، پرستاری در کنار خود ندیدم. همه با آه و ناله بودم جفت همه با رنج و غصه بودم یار و چون نیک به حال خود نگریستم از استیلاء مرض بر مزاج، به یقین دانستم که نوبت عمر به پایان رسیده و بسی برنیاید که مدبره‌ی بدن (۱۳۵) یکباره دست از تصرف باز دارد و آرزوهای مرا در کار تو به نومیدی و حرمان بدل نماید، پس صواب چنان دیدم که کلماتی چند بر سبیل پند، تو را به یادگار نویسم، تا اگر خدا خواهد چون به مقام رشد و تمیز رسی پند پدر

به کار بندی تا از عمر و زندگی برخوردار شوی. پس نخستین پند من تو را این است که زنهار با گروهی که از خدا دورند نزدیکی مکن و با ارادل و فرومایگان همنشین مگزین که صحبت این جماعت عافیت ندارد و در اندک روزگاری فساد دین و دنیا آرد. همنشین تو از تو به باید تا تو را عقل و دین بیفزاید پس بر آن باش که جز با خداوندگان دانش (۱۳۶) به سر نبری و عمر گرامی را در کارهای باطل و عمل‌های بی حاصل صرف نکنی. پیوسته همت خود را بر کارهای بزرگ بگمار و دل بر آن محکم و قوی دار تا طبیعت تو بدان خو کند و به پستی و سستی نگراید. تا توانی دست کرم بگشا که «کریم فقیر به از بخیل غنی است» و زنهار از بخل و امساک (۱۳۷) بر حذر باش که در دو جهان تیره بختی و خیره رویی (۱۳۸) آرد و باید که داده و احسان خود را به اظهار منت ضایع و ناچیز نگردانی. شیرین زبان و خوش گفتار باش و ملایمت سخن را همه وقت رعایت کن. و در ایجاز (۱۳۹) و اختصار کلام بکوش که از اطناب (۱۴۰) و تطویل (۱۴۱) شنونده را ملال خیزد و تو نیز به خیره سُرابی و هرزه‌درایی مشهور گردی. از ادای الفاظ مغلقه (۱۴۲) و عبارات غیر مأنوسه (۱۴۳) کناره جوی که سُخره (۱۴۴) مردم نشوی، اگر چه هزل و طیبت (۱۴۵) از خصایص جهال است و لکن غالب این است که مردمان، ساده سخن را مکروه شمارند پس تو باید در فنون سخن تبخّر داشته باشی تا در هر محفلی به مناسبت مقام و در خور طباع (۱۴۶) سخن گویی (۱۴۷) و بر تو باد که در تحصیل علوم ادبیه جهد وافی (۱۴۸) به عمل آوری و اگر از علوم بهره نیابی، زنهار به محض تقلید به ادای الفاظ و امثال عربیه مبادرت مکن که ادای آن الفاظ از زبان مردم بی سواد به درستی جاری نمی‌شود و چون به درستی جاری نشود، موجب سُخریه و استهزاء گردد. در حسن خط بکوش که زینت ظاهر را نیکو پیرایه‌ای است. در اقدام به کارها پس از ملاحظه‌ی صلاح و فساد آن درنگ مکن و کار امروز را به فردا باز مگذار. اگر تو را دشمنی افتد، هر گاه بدانی که صلح را طالب است با او به جنگ و خصومت اقدام مکن؛ بر آن باش تا جنگ باز افکنی اگر چه بدانی کشان بشکنی (۱۴۹) و گر جست باید به ناچار جنگ هنر باید آنجا و لختی درنگ (۱۵۰) و چون به یقین بدانی که سر به صلح و دوستی فرو نارد، تو نیز در صلح مکوب و در دفع او درنگ مکن که درنگ کردن در کار، خصم را بر تو چیره کند و او را بر مکاید (۱۵۱) و تدابیر تو آگاه گرداند. و همچنین است حال تسخیر قلعه یاغی چندان که بی‌ضرورتی تصرف آن به تأخیر افتد، تسخیر آن دشوار است و به آسانی مطلب برنیاید و لشکری را هم بدین واسطه، خاطر کوفته و آزرده گردد و خوف و هراس از دشمن زائل شود. اگر چه در هر حال جز به راهنمایی و مقتضای عقل، کار کردن عین خطا است و لکن در مقام جنگ همه وقت نهی عقل را کار نباید بست (۱۵۲) زیرا که قوه‌ی عقل غالباً آدمی را، راه سلامت نماید و چون قوه‌ی خرد غالب آید به بد دلی و جبن (۱۵۳) کشد. و چون بد دل و جبان (۱۵۴) باشی به التزام، در دفع خصم (۱۵۵) فرو مانی و ناچار باید روی، به هزیمت (۱۵۶) نهی و ننگ فرار بر قرار خود ترجیح دهی و در نزد مردان «مردن به نام به، که زندگی ننگ» سید و مولای ما جناب اباعبدالله روحی له الفداء فرماید: إِذَا كَانَتِ الْأَيْدِيَانُ خَلْقَهَا لِلْمَوْتِ فَمَوْتُ الْفَتَى بِالسَّيْفِ وَاللَّهِ أَجْمَلُ (۱۵۷) و این که نوشتیم: یکی از شرایط خصم و آداب جنگ است نه این که در همه جا بی‌محابا اقدام نمایی که گفته‌اند: به تندی سبک دست بردن به تیغ به دندان گری پشت دست دروغ به دادن مال بر سپاهی و لشکر، گران جانی مکن تا بر تو به دادن جان، جود نمایند و همواره سپاه خود را به قهر و غلبه بر دشمن امیدواری و دلداری ده و خصم را در نزد آنها به حقارت (۱۵۸) منسوب کن و اما خود چنان مدان و از مکر دشمن ایمن باش و شرایط حزم (۱۵۹) و آگاهی را از دست مده و در وقت راحت، خود را به خیره (۱۶۰) در رنج و تعب میفکن. و به خوردن غذای لطیف، در همه وقت طبیعت را عادت مده که به اندک تغییر عادت رنجور شوی و بیماری‌های صعب (۱۶۱) روی نماید. و اگر همه طیب حاذق باشی حفظ صحت را به قوت طبیعت باز گذار (۱۶۲) و تا ضرورت کلی روی ندهد به آشامیدن و استعمال دوا اقدام مکن. و چون مزاجت اختیار نمایی جهد کن که با سلسله‌ی بزرگان و نجبا پیوند نمایی، چه! فرزندی که از بنات کرام (۱۶۳) در وجود آید او را در شرافت گوهر و استعداد امتیازی دیگر است و نیز جهد کن که جمیله (۱۶۴) و خوش گفتار و گشاده رو و پرهیزکار باشد چه اگر جز این بود، اگر همه از بنات سلاطین و ملوک است، با او به خوش دلی سلوک نتوان کرد و از هر دو



سو سبب تباهی عیش گردد و حق این است که کمال جمال در قبول خاطر است، چنان که دیدم جمعی را که به حسن ظاهر آراسته بودند و قبول خاطر نداشتند، پس اگر همه فرشته باشد، تا در دل فرو ناید در دیده نکو ننماید. و اگر خدای نخواست به رنج (۱۶۵) جفت ناپسند گرفتار آیی، بدون درنگ و بی‌ملاحظه‌ی نام و ننگ، به فرمان یزدان، تسریح به احسان را کار بند که دو جانب را آسودگی در آن است (۱۶۶) و چندان که بتوانی از تعدد ازواج بر حذر باش. اظهار فاقه و تنگدستی مکن که جز نقصان مایه‌ی اعتبار، سودی ندارد. در هیچ مقام خود را به شرافت نسب مستای و از محامد صفات آباء و اجداد سخن مگوی و جهد کن که خود، بالاصاله شایسته و در خور مدحت و ستایش باش (۱۶۷)؛ «الْمَرْءُ يَفْتَخِرُ بِالْهَمِّ الْعَالِيَةِ لَا بِالرَّمِّ الْبَالِيَةِ» (۱۶۸) شاه ولایت پناه روحی له الفداء فرماید: إِنَّ الْفَتَى أَنْ يَقُولَ هَا أَنَا ذَا لَيْسَ الْفَتَى أَنْ يَقُولَ كَانَ أَبِي كَذَا (۱۶۹) عیب و عوار مردم آشکار مکن و بر کشف اسرار اصرار موز. و سخن زشت در روی هیچ کس مگوی. راست گفتار باش و به هیچ روی، گرد دروغ مگرد. رعایت جانب خویشان و اقارب را ضایع و مهمل مگذار. علما و سادات را توقیر و تعظیم کن. و با هیچ کس به طریق استخفاف (۱۷۰) و استهزا (۱۷۱) سخن مگوی. و حقوق خدمت زیر دستان را فراموش مکن. بی‌وفایی را شعار خود مساز که صفتی سخت ناپسندیده است. با مردم روزگار در شدت (۱۷۲) و رخاء (۱۷۳) و فقر و غنا، به یک نهج (۱۷۴) رفتار کن. با دوستان جد و پدر و سلسله‌ی نجبا و بزرگان، بیشتر معاشر و هم‌گروه باش. و تواضع و فروتنی را شعار خود کن، کوچک دلی و شکسته نفسی و درویش مسلکی صفتیست که خداوند را در همه وقت در میان جان جای دهند و صدارت‌گزين و بالانشین را قدری نهند. اگر تو را سختی و تنگدستی پیش آید، اولاً گشایش آن را جز از خدا نخواه. دست حاجت‌چو بری سوی خداوندی بر که کریم است و رحیم است و غفور است و ودود و شفيعی بهتر از امامان و توبه و رجوع از گناهان مجوی. و آنجا که از طلب اسباب ظاهری گریزی نداشته باشی، تا توانی بر شدائد دهر (۱۷۵) صبر کن و حاجت به فرومایگان مبر و خود را زبون (۱۷۶) دونان (۱۷۷) مکن. و از نو دولتان، چشم نیکی مدار که این جماعت تو را در تنگدستی و پریشانی وقعی نهند و به قضاء حاجت تو التفات نکنند و اگر احیاناً حاجتی از ایشان بر آید، هزار بار بر تو منت گذارند و در نزد خداوندان همت (۱۷۸) تحمل زحمت از قبول منت گواراتر است، چنان که سید اولیاء علی مرتضی روحی له الفداء فرماید: لَنْقُلُ لِصَخْرٍ مِنْ قَلْبِ الْجِبَالِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ مَنِّ الرَّجَالِ (۱۷۹) اگر خواهی که عرض و ناموست در امان باشد دست به عرض و ناموس دیگران دراز مکن. و اگر خواهی که از ارتکاب معاصی ایمن باشی به شرب خمر اقدام مکن که سرمایه‌ی جمیع گناهان است و شیطان لعین را بهتر از شراب، اسباب اضلال و اغوایی نیست. اگر چه خیالم این بود که از دقایق تهذیب اخلاق، نکته‌ای در این اوراق فرو گذار نشود و لکن زیاده بر این حالت، تحریر این قبیل کلمات، در خود ندیدم و این مختصر را نیز به واسطه‌ی کمال دلبستگی که به تو دارم، با وجود شدت ضعف و ناتوانی، تحریر کردم و اگر چه مقصودم از نوشتن تفصیل حاصل نشد و لکن بر سیل اجمال کلمه‌ای که جامع جمیع کلمات است می‌نویسم؛ که مگذار هر گز ره ایزدی کزویست نیکی و هم‌زوبدی زنهار در هیچ مقام، ناسپاسی بر خود روا مبینی و از مراسم بندگی و ستایش، غفلت نیاری. و بدیهیست که سعی و کوشش در مقام بندگی جز به قبول دین محمدی صلی الله علیه و آله و سلم در معرض قبول نیفتد و رستگاری دنیا و آخرت جز به تولای ائمه‌ی اثنی عشر صورت نبندد و چون چنین دانی و اوامر و نواهی حضرات ایشان را به درستی کار بندی خود تو را از صد هزار پند و اندرز من کامل تر است و من نیز آنچه نوشتم از آفتاب اوامر ایشان ذره‌ای است. امید که حق جل و علا از میامین تولای اهل بیت رسالت: تو را به اعلی مقاصد و مطالب دنیا و آخرت فائز و بهره‌مند فرماید و به صلاحیت و نیکو بندگی تو، مفاسد امور اخروی این غریق بحر معاصی را به اصلاح آورد. «لَنْقُلُ لِصَخْرٍ مِنْ قَلْبِ الْجِبَالِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ مَنِّ الرَّجَالِ» (۱۸۰) إِنَّهُ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ أَحْسِنِي حَيَاةَ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ وَأَمْتِنِي مَمَاتِهِمْ وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِمْ وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ وَلَا تَفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. رَضِيَتْ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ لِي وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَى خَالِقِي بِهِ تَارِيخُ يَوْمِ دُوشنبه ۲۶ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۷۰ به جهت یادگاری فرزندان نور چشم یحیی اطال الله



بقائه تحریر شده و الحمدلله اَوْلًا و آخراً. «حسنعلی»

## وصایای ارسطو به اسکندر

ای اسکندر خدایی که تو را از نیستی به هستی آورده بشناس و حقّ او را نگاه دار. ای اسکندر نعمت خدای را بزرگ شمار و سپاس او را فرو مگذار. ای اسکندر رضای حق را جويا باش و از خشم او بپندیش. ای اسکندر ظلم بر بندگان خدا روا مدار که عاقبت ظلم شوم است. ای اسکندر بر بندگان خدای رحم نما تا خدای بر تو رحم نماید ای اسکندر شیوهی عفو را از دست مده و تا توانی از عقوبت پرهیز. ای اسکندر عدل را شعار خود بساز تا حال تو در این جهان و در آن جهان نیکو گردد. ای اسکندر داد مظلوم از ظالم بگیر تا کار تو رونق گیرد. ای اسکندر کار بزرگ به خردان مفرمای و کار خرد در عهدهی بزرگان منمای. ای اسکندر مردم دون و سفله در کارها دخیل مکن که از آن مفسدها خیزد. ای اسکندر دروغگو را به خود راه مده کو بسی دولت‌ها از یک سخن دروغ تبا گشته. ای اسکندر قدر راستان را بدان که هیچ کس مانند راستگو به کار تو نیاید. ای اسکندر حقّ پدر و مادر را نگاه دار و شفقت و رأفت از ایشان دریغ مدار. ای اسکندر صلهی رحم به جای آر که موجب درازی عمر است. ای اسکندر دشمنی کسی در دل جای مده که تو را همیشه غمگین دارد و ای اسکندر مردم را به نحو نیکو رام خود ساز که هیچ دامی از برای شکار کردن خلق بهتر از خوی نیکو نیست. ای اسکندر شتاب در کارها مکن که موجب پشیمانی است. ای اسکندر کار امروز به فردا مینداز که باعث سرگردانی است. ای اسکندر راز خود به کسی مگوی و اگر ناچار بایدت گفت به کسی بگوی که زبان به افشای آن نگشاید. ای اسکندر بی مشورت دانایان به امری اقدام منمای که پشیمانی بار آرد. ای اسکندر صاحبان تجربه را از خود جدا مساز که حاجت تو به ایشان بسیار است. ای اسکندر سخن بدگو و غمّاز را باور مکن و او را از خود دور ساز. ای اسکندر پندگوی را دوست دار و مزاح گوی را دشمن دار. ای اسکندر صحبت حکیمان و دانایان را غنیمت دان که تو را از آن بهرهی بسیار باشد. ای اسکندر کسی که برداشتی زود مینداز و کسی که را که انداختی زود برمردار. ای اسکندر دل به عمارت دنیا میند و در آبادانی آخرت بکوش که آخر از این سرای به آن سرای باید رفت و از آباد به خراب رفتن بی‌خردی است. ای اسکندر عنان نفس سرکش را از دست رها مکن که تو را در مهلکه‌ها اندازد. ای اسکندر در حال خشم و غضب فرمان به چیزی مده و درنگ کن تا تندی تو فرو نشیند. آنگاه آنچه مصلحت بود به جای آر. ای اسکندر زنهار از کشتن مردم پرهیز و خون ناحق مریز که بنیان دولت با هیچ چیز مانند خون ناحق از پای در نیاید. ای اسکندر بنایی که خدای بر پا داشته بر پای دار تا تو را خدای بر پای دارد. ای اسکندر بر دشمن اعتماد مکن و به سخنان نرم او فریفته مشو که از دشمن ایمن نمی‌توان بود. ای اسکندر در کارها لجاج و ستیزه مکن که عاقبت لجاج پشیمانی است. ای اسکندر رعیت خود را معمور ساز که خزانهی پادشاهان رعیت است. ای اسکندر اگر رعیت را خراب کنی آن را به خزانه آباد نتوانی کرد و اگر رعیت را آباد سازی خزانه از آن توانی ساخت. ای اسکندر خیرخواه تو کسیست که مال دیگری را به تو روا ندارد و مال تو را در کیسهی دیگران کند. ای اسکندر آنچه بر نفس خود نپسندی بر دیگری مپسند تا عدالت تو عروج گیرد. ای اسکندر چون از کسی تقصیری پدید آید در مقام عذرخواهی برآید عذر او را بپذیر. ای اسکندر از نزول حوادث روزگار اضطراب مکن و بر شدائد و نوائب صبر کن که عاقبت صبر محمود است. ای اسکندر در تغیر و تبدل احوال روزگار نظر کن و از آن عبرت گیر و بدان که هیچ چیز را غیر کردار نیکو بقا و پایدگی نیست ای اسکندر پیش از تو فرماندهان و پادشاهان بوده‌اند. پس نظر کن در احوال و اوضاع ایشان و بین طریقه و شیوهی که کدام یک پسندیدهی خلق است و چه کس از ایشان نام نیکو بر صفحهی روزگار گذاشته تو نیز بر آن طریقه عمل کن و شیوه و خوی او را پیش گیر و از شیوه‌های بد و کارهای زشت جمعی که نام ایشان بر زبان مردمان به بدی مذکور است دوری جوی و احتراز نما تا در قرن‌ها و سال‌ها نام تو به نیکی برده شود. ای اسکندر هیچ چیز بهتر از عاقبت نیکو نیست سعی کن تا عاقبت کار تو محمود و خاتمه‌ی حال تو نیکو بوده باشد.

## پی‌نوشت

- (۱) - انعام / ۱۴۴. (۲) - نساء / ۱۲. (۳) - شهید اول، در متن لمعه. (۴) - شرح لمعه، ۲ / ۳۱. (۵) - نهج البلاغه صبحی صالح، حکمت ۲۵۴. (۶) - بقره / ۱۸۰. (۷) - برگرفته شده از کتاب سیری در جهان پس از مرگ از صفحه ۱۴۷ تا ۱۵۵ با کمی تلخیص.
- (۸) - بقره / ۱۸۰. (۹) - بقره / ۱۳۲ و ۱۳۳. (۱۰) - مائده / ۱۰۶. (۱۱) - بقره / ۲۴۰. (۱۲) - بقره / ۱۸۱. (۱۳) - بحار الأنوار / ۶۷ / ۱۹، باب ۴۳، حدیث ۱۳. (۱۴) - روضه الواعظین ۲ / ۴۸۲ - من لا یحضره الفقیه ۴ / ۱۸۸. (۱۵) - روضه الواعظین ۲ / ۴۸۲ - مکارم الاخلاق ص ۳۳۵. (۱۶) - روضه الواعظین ۲ / ۴۸۲ - من لا یحضره الفقیه ۴ / ۱۸۳. (۱۷) - مریم / ۹۱. (۱۸) - روضه الواعظین ۲ / ۴۸۳. (۱۹) - من لا یحضره الفقیه ۴ / ۱۸۵. (۲۰) - من لا یحضره الفقیه ۴ / ۱۸۳ - مکارم الاخلاق ص ۳۶۳. (۲۱) - من لا یحضره الفقیه ۴ / ۱۸۲. (۲۲) - همان / ۴ / ۱۸۶. (۲۳) - علل الشرائع ۲ / ۵۶۷. (۲۴) - ارشاد القلوب إلى الصواب ۱ / ۵۱. (۲۵) - امالی الصدوق ص ۲۸۱ مجلس چهل و هفتم. (۲۶) - نهج البلاغه، حکمت ۵۱۲. (۲۷) - شوری / ۱۳. (۲۸) - الکافی ۱ / ۲۲۳ ح ۱. (۲۹) - شوری / ۱۳. (۳۰) - الکافی ۱ / ۴۱۸ ح ۱۳. (۳۱) - بحار الأنوار ۹ / ۲۳۴ به نقل از تفسیر قمی در صفحه ۶۰۰. (۳۲) - بحار الأنوار ۲۳ / ۳۱۳ باب ۱۸. (۳۳) - نساء / ۱۳۱. (۳۴) - بحار الأنوار ۷۵ / ۲۰۰ باب ۲۳ ح ۲۸. (۳۵) - عنکبوت / ۸. (۳۶) - الکافی ۵ / ۴۲۰ ح ۲ - وسائل الشیعه ۲۰ / ۴۱۳ ح ۲۵۹۵۸. (۳۷) - بحار الأنوار ۳۶ / ۱۳ ح ۱۶. (۳۸) - همان ۷۱ / ۲۳، باب ۲ ح ۱. (۳۹) - مرآت العقول ۲ / ۱۶۲. (۴۰) - لقمان / ۱۴. (۴۱) - لقمان / ۱۵. (۴۲) - الکافی ۱ / ۴۲۸ ح ۷۹. (۴۳) - مستدرک الوسائل ۱۵ / ۱۷۶ باب ۶۸ حدیث ۱۷۹۲۰ - ۱۷ و بحار الأنوار ۷۱ / ۷۶ ح ۷۲. (۴۴) - بحار الأنوار ۳۶ / ۱۲ باب ۲۶ ح ۱۵. (۴۵) - بحار الأنوار ۷۱ / ۳۴ باب ۲. (۴۶) - احقاف / ۱۵. (۴۷) - الکافی ۱ / ۴۶۴ ح ۳. (۴۸) - احقاف / ۴۶. (۴۹) - الکافی ۱ / ۴۶۴ ح ۴. (۵۰) - بحار الأنوار ۲۳ / ۲۷۲ باب ۱۵. (۵۱) - بحار الأنوار ۲۵ / ۲۵۴ باب ۹ ح ۱۵. (۵۲) - قصص / ۴. (۵۳) - همان / ۵. (۵۴) - بحار الأنوار ۴۳ / ۲۴۶ باب ۱۱ ح ۲. (۵۵) - بحار الأنوار ۴۴ / ۲۳۳ باب ۳۰ ح ۱۸. (۵۶) - مستدرک الوسائل ۱۵ / ۱۲۳ باب ۱۲ ح ۱۷۷۳۰ - ۱. (۵۷) - انعام / ۱۵۱. (۵۸) - بحار الأنوار ۲۴ / ۳۰۳ باب ۶۶ ح ۱۵. (۵۹) - بحار الأنوار ۲۵ / ۲۱۳ باب ۷ ح ۴. (۶۰) - انعام / ۱۵۱. (۶۱) - بحار الأنوار ۳۶ / ۸ باب ۲۶ ح ۸. (۶۲) - همان ۳۸ / ۶۲ باب ۵۹. (۶۳) - بحار الأنوار ۷۰ / ۳۶۲ باب ۱۳۷. (۶۴) - انعام / ۱۵۲. (۶۵) - مستدرک الوسائل ۱۳ / ۲۴۹ باب ۳ ح ۱۵۲۷۱ - ۱. (۶۶) - انعام / ۱۵۲. (۶۷) - بحار الأنوار ۷۶ / ۲۶۷ باب ۱۰۳ ح ۳. (۶۸) - الدرّة بالكسر: التي يضرب بها - لسان العرب ۴ / ۲۸۲، مجمع البحرین ۳ / ۳۰۱. (۶۹) - بحار الأنوار ۷۶ / ۳۱۰ باب ۱۰۹. (۷۰) - انعام / ۱۵۳. (۷۱) - همان. (۷۲) - بحار الأنوار ۲۴ / ۱۳ باب ۲۴ ح ۸. (۷۳) - انعام / ۱۵۳. (۷۴) - بحار الأنوار ۲۴ / ۱۳ باب ۲۴ ح ۹. (۷۵) - همان ۲۴ / ۱۴ باب ۲۴ ح ۱۴. (۷۶) - انعام / ۱۵۳. (۷۷) - حجر / ۴۱. (۷۸) - بحار الأنوار ۲۴ / ۱۴ باب ۲۴ ح ۱۵. (۷۹) - بحار الأنوار ۲۴ / ۱۵ باب ۲۴ ح ۱۶. (۸۰) - بحار الأنوار ۲۴ / ۱۵ باب ۲۴ ح ۱۷. (۸۱) - همان ۲۴ / ۱۶ باب ۲۴ ح ۲۳. (۸۲) - همان ۲۴ / ۱۷ باب ۲۴ ح ۲۵. (۸۳) - بحار الأنوار ۲۴ / ۱۷ باب ۲۴ ح ۲۶. (۸۴) - همان ۲۴ / ۲۰ باب ۲۴ ح ۳۷. (۸۵) - بحار الأنوار ۳۵ / ۳۶۵ باب ۱۶ ح ۶. (۸۶) - بحار الأنوار ۳۵ / ۳۷۱ باب ۱۶ ح ۱۶. (۸۷) - همان ۶۴ / ۳۱. (۸۸) - بصائر الدرجات ص ۷۹ ح ۹. (۸۹) - توحید شیخ صدوق ص ۳۷۲ باب ۶۰. (۹۰) - امالی صدوق ص ۵۱۱ مجلس هفتاد و هفتم. (۹۱) - کافی ۸ / ۱۳۲. (۹۲) - بحار الأنوار ۷۴ / ۱۴۰ باب ۷. (۹۳) - کشف الیقین ص ۴۶۴ مبحث ۳۵. (۹۴) - نهج البلاغه ص ۴۲۱ نامه ۴۷. (۹۵) - الکافی ۲ / ۳۳۱. (۹۶) - بحار الأنوار ۷۳ / ۶۰ باب ۱۰۶. (۹۷) - توبه / ۵۵. (۹۸) - همان / ۱۳۱. (۹۹) - امالی مفید ص ۱۹۵ مجلس بیست و سوم. (۱۰۰) - الکافی ۴ / ۱۸ ح ۲. (۱۰۱) - ارشاد القلوب ۱۰۳ / ۱ باب ۲۷. (۱۰۲) - بحار الأنوار ۷۵ / ۳۵۸ باب ۲۷. (۱۰۳) - تحف العقول ص ۴۸۸. (۱۰۴) - بحار الأنوار ۷۵ / ۴۴۹ باب ۳۳. (۱۰۵) - امالی صدوق ص ۳۲۳ مجلس پنجاه و دوم. (۱۰۶) - الکافی ۲ / ۴۵۶. (۱۰۷) - الخصال ۲ / ۵۷۳. (۱۰۸) - امالی مفید ص ۲۲۳ مجلس بیست و ششم. (۱۰۹) - فرحة الغری بصرحة القرى ص ۴۹ باب پنجم.

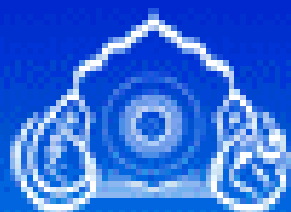
(۱۱۰) - بحارالأنوار ۴۳ / ۲۳۵ باب ۱۰. (۱۱۱) - بحارالأنوار ۴۳ / ۱۸۲ باب ۷. (۱۱۲) - بحارالأنوار ۴۳ / ۱۸۲ باب ۷. (۱۱۳) - همان ۴۳ / ۱۸۳ باب ۷. (۱۱۴) - همان ۴۳ / ۱۸۴ باب ۷. (۱۱۵) - بحارالأنوار ۴۳ / ۱۸۹ باب ۷. (۱۱۶) - بحارالأنوار ۴۳ / ۱۹۹ باب ۷. (۱۱۷) - بحارالأنوار ۴۳ / ۲۰۷ باب ۷. (۱۱۸) - بحارالأنوار ۴۳ / ۲۱۴ باب ۷. (۱۱۹) - بحارالأنوار ۴۳ / ۲۱۸ باب ۷. (۱۲۰) - بحارالأنوار ۷۸ / ۲۵۵ باب ۶. (۱۲۱) - بحارالأنوار ۷۸ / ۳۰۵ باب ۸. (۱۲۲) - همان ۷۸ / ۳۰۷ باب ۸. (۱۲۳) - بحارالأنوار ۷۹ / ۲۷ باب ۱۲. (۱۲۴) - احزاب / ۵۳. (۱۲۵) - بحارالأنوار ۴۴ / ۱۵۲ باب ۲۲. (۱۲۶) - بحارالأنوار ۴۴ / ۳۳۰ باب ۳۷. (۱۲۷) - بحارالأنوار ۴۶ / ۱۶۶ باب ۱۱. (۱۲۸) - بحارالأنوار ۵۰ / ۱۲۲ باب ۲. (۱۲۹) - از آنجا که نویسنده این پندنامه را خطاب به فرزندش که نام او یحیی است به رشته‌ی تحریر درآورده، نام آن را پندنامه‌ی یحویه گذارده‌ست و در طبعه‌ی این نوشتار نیز به صورت زیبایی به آیه‌ی فوق تمثیل جسته. رحمه الله علیه و علی ولده یحیی. (۱۳۰) - مریم / ۱۲ - ای یحیی بگیر کتاب را به نیرومندی و دادیمش حکم به کودکی. (۱۳۱) - پادشاه. (۱۳۲) - همه‌ی طبقات مردم. (۱۳۳) - خداوند متعال. (۱۳۴) - مانند ترکان تاخت و تاز کردن. (۱۳۵) - روح. (۱۳۶) - دانشمندان و علماء با عمل. (۱۳۷) - دست تنگی و تنگ نظری. (۱۳۸) - آبرو ریزی. (۱۳۹) - ایجاز به کلامی گویند که از نظر جمله بندی بسیار کوتاه و از نظر معنا و مفهوم بسیار وسیع باشد. (۱۴۰) - اطناب به کلامی گویند که معنا و مفهوم آن کمتر از مقدار الفاظ آن باشد. (۱۴۱) - تطویل به کلامی گویند که معنا و مفهوم آن با مقدار الفاظ، برابر و مساوی باشد و تکرار نیز در آن وجود داشته باشد. (۱۴۲) - الفاظ دو پهلو. (۱۴۳) - الفاظی که بین مردم مشهور نیست. (۱۴۴) - مردم تمسخر مردم قرار گرفتن. (۱۴۵) - شوخی. (۱۴۶) - طباع جمع طبع و به معنای آنچه انسان از آن خوشحال می‌شود. (۱۴۷) - به این نوع کلام، کلام فصیح و بلیغ گویند و از علم آموزی این کلام علم فصاحت و بلاغت نام برده می‌شود. (۱۴۸) - کوشش فراوان. (۱۴۹) - اگر چه می‌دانی گروه آنان را متفرق می‌سازی. (۱۵۰) - ولی اگر ناچار شدی به جنگ، هنر آن است که در موقع صلح، صلح کنی و در موقع جنگ ستیز کنی. (۱۵۱) - حيله‌ها. (۱۵۲) - در موقعیت‌های جنگی همیشه نباید از عقل غیر جنگی استفاده کنی. (۱۵۳) - ترس. (۱۵۴) - ترسو. (۱۵۵) - دشمن. (۱۵۶) - گریختن. (۱۵۷) - زمانی که بدن‌های آدمیان به نقطه‌ی مرگ منتهی می‌شود، پس مرگ جوانمردی که با شمشیر کشته شود به خدا قسم زیباتر است. (۱۵۸) - کوچکی. (۱۵۹) - در هم کوفتن. (۱۶۰) - خیره: سرکش، دلیر، چیره. (۱۶۱) - سخت و دشوار. (۱۶۲) - یعنی اگر می‌خواهی از همه‌ی جوانب یک دکتر تمام عیار و واردی باشی حتماً از غذاهای طبیعی استفاده کن تا همیشه سالم بمانی. (۱۶۳) - دختران مؤمنه و محترمه. (۱۶۴) - زیبا. (۱۶۵) - همسر. (۱۶۶) - اقدام به طلاق. (۱۶۷) - اقدام به طلاق. (۱۶۸) - از صفات مردانگی آن است که به همت‌های عالی‌ی خود افتخار کنی، نه به سربلندی گذشتگان خود. (۱۶۹) - همانا جوانمردی سزاوار می‌کند که انسان بگوید: «هان، این منم» و هرگز جوانمردی و مردانگی شایسته‌ی آن نیست که بگوید: «پدرم چنین و چنان بود». (۱۷۰) - کوچک شمردن دیگران. (۱۷۱) - مسخرگی. (۱۷۲) - سختی. (۱۷۳) - آسانی. (۱۷۴) - روش. (۱۷۵) - سختی‌های روزگار. (۱۷۶) - خار و پست. (۱۷۷) - افراد پست. (۱۷۸) - انسان‌های صاحب همت. (۱۷۹) - بالا رفتن از صخره‌های سخت و خطرناک به سوی قلّه‌های کوه‌ها نزد من آسان‌تر است از زیر منت مردمان رفتن. (۱۸۰) - بالا رفتن از صخره‌های سخت و خطرناک به سوی قلّه‌های کوه‌ها نزد من آسان‌تر است از زیر منت مردمان رفتن.

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد



فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

